

شده است بنده اگر چه داخل در سیاست نیستم ولی عرض میکنم در این امری که داشته ام دنیا هیچوقت بهتر از امروز نبوده است چه برای سیاست خارجه چه برای کار کردن در داخله پس يك چیز لازم است تا مرام بقول برسد و آن نقطه موافقت مجلس شورای ملی است. یاد دولت برای اینکه رجال مملکت اغلب یکدیگر را شناخته اند از بر داشتن این و گذاردن آن نفعی حاصل نمیشود اگر تغییر بهشت دولت و تغییر کابینه مملکت اصلاح میشود حالاً باید از تمام دنیا جاو افتاده باشیم رجال مملکت تفاوت ندارند هر کدام متناسب وقتی هستند بنده به چه لحاظ عرض کردم آقای قوام السلطنه برای امروز خوب است زیرا تا شنیده بودم قوام السلطنه را شخص فعالی شنیده بودم پس انشاء الله الرحمن همین رئیس الوزراء با موافقت مجلس شورای ملی همین مرام را بقبولت می آورد و گمان میکنم با موافقت مجلس شورای ملی هم آقای فهمیم الملك و هم آقایان دیگر هم بنده همه اقرار کنیم مرام نیست اما اگر فردا خدای نخواست يك واقعه برپا شود و خواستیم بهانه جوئی برای دولت بکنیم آنوقت این پروگرام مرام است و اینکه آقای محقق العلماء فرمودند فارس آتش سوزان است شاید يك وقتی آتشكده داشته و آتش بوده به رجال مجلس خلی طول شده و همه آقایان کسل شده اند همینقدر عرض می کنم که آقایان وزراء و رؤس الوزرا را خوب میشناسیم و کار کردشان را هم دیده ایم باید اول تصمیم بگیریم که بهانه جوئی نکنیم ایشان هم تصمیم نگرفتند ملاحظه کاری و به اصطلاح عوام فریبی را کنار بگذارند و شجاعانه هم و کلاعه هم دولت مشغول کار شوند و انشاء الله این مرام و مطالب بالاتر از این مرام را به موقع اجرا بگذارند و عقیده شخصی من این است که اگر دولت مشغول عملیات شود چه در سیاست خارجه و چه در سیاست خارجه البته پیش میرود پس ما باید بیاییم و يك دولتی را فرابقای الله دوسال یعنی دوره تقنینیه نگاه داریم ولی اگر عقیده ما اینطور باشد که اگر امروز آقای قوام السلطنه باین موافق باشن هم با اموال ما و اگر نالانطور کرد منتهی میکنم باین حال البته مرام است و بکنیم بر نخواستیم داشت مگر اینکه نقطه نظر هر دو صلاح مملکت باشد و تصمیم بکنیم که اگر ما لایمی هم بدیم تحمل بکنیم و کاری که در این باز دوسال نکرده ایم و ممکن است با این روزگار ما ختم بکنیم و باقیات و هر چه خرج خاتمه دهیم زیرا از روی تجربه می بینیم هر چه گردیم نشد موافق مرام کابینه تشکیل دادیم شد قوانین نوشتیم اجرا نشد، حالاً می بینیم این روش تجربه را که نکرده ایم بکنیم و فایده ایست يك دولت را متحمل شده آن دولت هم فایده ایست ما را متحمل بشود و دوسال را دوام دهیم اگر واقعتاً این هم نشد آنوقت در حقیقت عرایض من بیک معنی موافق و يك معنی مخالف فرمایش آقایان خواهد بود.

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
سلطان العلماء - بنده بنوبه خود اظهار قدر دانی از شخص اول دولت میکنم که خاتمه بچرخان داده و کابینه خود را تشکیل و به مجلس شورای ملی معرفی کرده است پس اذن ذکر این مقدمات لازم است مختصری عرض کنم ولو مخالفت با همکار محترم آقای سردار معظم کرده باشم ایشان در عدم حاجت وزارت فوائد عامه شرحی فرمودند بنده از يك نقطه نظر با ایشان موافق و از نقطه نظر دیگر مخالفم با آن نظری که مخالف هستم این است که با احتیاجات امروز عموم ملت که همه چیز باید از خارجه بیاورند از شیشه لامپ گرفته بامشروبات و غیره شاید بوسیله وزارت فوائد عامه يك کارخانه در ایران ایجاد شود که رفع احتیاجات بشود من هیچکدام کارخانجات همه بیاورند بلکه کارخانجات كوچك از قبیل کارخانه كاغذ سازی یا مطبعه که در سال منابع گران در مقابل كاغذ و پاکت معطوب نمهند و لافاقل این مطالب را ای ایرانها اجرا کنند از این جهت مخالفم لکن از جهت دیگر اظهار موافقت کرده و عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه در دوره مشروطیت جز تعجیل بر بودجه مملکت چیز دیگری نداد و ولی امیدوارم در آیه وزارت فوائد عامه در سابق اقدامات آقای رئیس الوزرا و باین مطالب و چیزهایی که نیکو است عمل نماید در خانه همان امیدواری که آقایان نمایندگان بشخص اول دولت اظهار داشته بنده هم اظهار امیدواری خود را بتأیید الهی عرض میکنم امیدواری دارم که بودجه مملکت را چنانچه سابقاً وعده داده اند و حالاً هم در ضمن پروگرام ذکر کرده اند با سرعت وقتی تقدیم مجلس شورای ملی نمایند و نمایندگان و کمیسیونها را بکار اندازند این است مختصری از عرایض بنده که عرض باشم در موقع خود عرض خواهم رساند.

رئیس - آقایان را متذکر میکنم که وزارت فوائد عامه از موضوع بحث خارج است (گفته شد صحیح است)
آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده مطابق صورتی که با آقای رئیس تقدیم کردم دوازده نفر بودیم که آقای رئیس الوزرا اعتماد نمودید و هم جهت بپروگرام هم موافقت نهایت بعضی مطالب مست در موقعی قوانین طرح میشود عرض میکنم ولی راجع بانجتهای ایالتی و ولایاتی عرض میکنم که چون دوره قدرت بمادرس آموخت باین معنی که یعنی حکومت ملی را هنوز افراد مملکت نمادست و نمیدانند که حکومت ملی چه معنی دارد برای اینکه در دوره های قدرت يك نکته هائی از برای مملکت پیدا میشد همیشه مانع بودند که يكس کز شملی از برای مملکت پیدا شود و پس از آنکه ما تصدیق کردیم که مرکز ثقل مملکت غیر از مجلس شورای ملی چیز دیگر نیست پس نیازیم ضمانتی برای آن تهیه کنیم و ضمانتی از برای مشروطیت نیست مگر بطوریکه دوره اول بوده یعنی انجمنهای ایالتی و ولایتی را تأسیس کرد پس آقای رئیس الوزرا را متوجه باین نکته میکنم که توجه خاص بفرمایند تا اینکه قلوب ملت را که بدست دایه هائی که ابداً معانست بامت نداشته برای استفاده خود از مجلس متنفر گردند بتأسیس انجمنهای ایالتی و ولایاتی متوجه بمرکز ثقل و مرکز سیاست نمایند

که دیگر قضایائی مثل گیلان و خراسان و آذربایجان پیدا نشود که بخواهند بعنوان ملت جامعه ملت و مملکت را از هم تجزیه کنند همینطور که روزگار بخانه در تمام ایران اداره دارد که بتوسط آن اداره تمام احکام خود را نفوذ میدهد اگر انجمنهای ایالتی و ولایاتی هم در ولایات بود هم آثار انتخابات زودتر صورت میگرفت و هم آنقدر دایه ها پیدا نمیشدند که بعضی چیزها در روزنامه ها و مجلس را در انتظار منقور کنند چون راجع بانجتهای ایالتی و ولایاتی در این پروگرام چیزی نوشته نشده بنده بطور جدیت از آقای رئیس الوزرا درخواست میکنم که توجهی بسوی این مطلب بفرمایند مسئله دیگر هم که آقای تدین فرمودند راجع باجرای مجازات اگر چه قانون مجازات در مملکت لفظاً هست اما هیچ شده است در این دوره ها که يك نفر را از قبیل رئیس مالیه یا نماینده وزارت خارجه یا ادارات دیگر مؤاخذه نمایند باین عدالت و حکومت بریم و امید است چنانکه قوانین آسمانی همینطور است تا کار هر حکومتی بریم و امید باشد آن حکومت نمی تواند قدرت خود را نفوذ بدهد در مملکت ما بیکلی از میان رفته ابتدا بیم در میان مردم نیست هیچکس خودش را عضو مسئول نمیداند پس از رئیس دولت تقاضا میکنم در مسئله اجرای مجازات بطور جدیت اقدام فرمایند بنده معتقد باین هستم که رئیس دولت میتواند قانون مجازات را آنطور که باید اعمال شود همانطور تقدیم مجلس شورای ملی کند و گمان نمیکند هیچ يك از آقایان مخالف باشند مسئله ای که ما را در يك نشر فوق العاده آورده است و بنا بود اول چیزی که به مجلس تقدیم میشود مسئله مطبوعات باشد آقای رئیس الوزرا را باین مطلب متوجه میکنم که قانون مطبوعات را بنظر بیارند و این مسئله را خاتمه دهند که مطبوعات ما را تکذیب نکنند که مجلس هست و ما آزاد نیستیم اما آن آزادی که عرض وناوس هر کس را مضحکه خودشان قرار دهند.

رئیس - چون مدتی است از غیب گذشته است اگر مجلس تصدیق میکند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه دیگر.

آقا سید فاضل - بنده پیشنهاد دارم.
رئیس - نوبت شما نیست.
آقا سید فاضل - نوبت بنده نیست عجب؟ بنده بجایابی که خودم کرده بودم نوبت بنده بعد از آقا سید یعقوب بود گویا اشتباه کرده اند. يك کلمه مختصر بنده پیشنهاد می کنم که مذاکرات در کلیات خاتمه بیاید و فقط نصب العین هیئت دولت و آقایان نمایندگان این باشد که پروگرام مرام نباشد و نصیحتهای آقای مدرس عملی باشد و نظر به مجلس و دولت را توافق بدیم که چیزهایی که نوشته شده است ذوق آنها را مجزای دارند.

رئیس - عده برای رای گرفتن کافی نیست اخذ رای را میگذاریم برای جلسه آتی جلسه روز یکشنبه دوشنبه خواهد بود.

مجلس ۳ ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۳۰

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه چهاردهم شهر صفر المظفر ۱۳۴۰ مطابق بیست و سوم میزان ۱۳۰۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.
صورت مجلس یوم پنجشنبه بیستم میزان را آقای بیان الدوله قرائت نمودند.
رئیس - آقای آقا سید فاضل اجازه
آقا سید فاضل - می خواستم عرض کنم که آقای حاج آقای شیرازی را در صورت مجلس غایب بی اجازه می نویسد و حال آنکه از قراریکه بنده اطلاع دارم طبیب اورا از حضور در مجلس منع کرده و کمیسیون عرایض و مرخص هم به او دو ماه اجازه داده

رئیس - کمیسیون عرایض مرخصی از این به بعد اجازه داده است ولی ایام گذشته را هم بنده اجازه داده ام و اصلاح خواهد شد دیگر اعتراضی نیست.
آقای سید یعقوب - بنده عرض دارم
رئیس - بفرمائید
آقا سید یعقوب - در جلسه قبل يك قسمت از عرض بنده راجع به انجمن های ایالتی و ولایاتی و راجع بمطبوعات بود و هیچ در آن باب اشاره نشده است.

رئیس - اصلاح خواهد شد دیگر ایرادی نیست.
اظهاری نشد صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بحث در پروگرام هیئت وزراء است و لای قبال بعضی مطالب است که باید عرض آقایان برسدش نفر از اعضاء کمیسیون خارجه که انتخاب شده اند از فراری است که عرض می کنم آقای مستوفی -
المالك - آقای شیر الدوله - آقای حکیم الملك - آقای نصرت الدوله - آقای مؤتمن السلطنه و بنده در صورتی که عرض کرده بودم بواسطه اشتغالاتی که دارم بنده را در هیچ کمیونی انتخاب نکرده اند لکن انتخاب کرده اند بعد لازم خواهد بود يك نفر دیگر را بجای بنده تعیین نمایند اعضاء کمیسیون پست و تلگراف شاهزاده سردار مقیم با آقایان الملك آقای مستشار السلطنه - آقای میرزا علی کازرانی - آقای وقار الملك آقای آقا سید فاضل - آقای امین التجار - آقای خاطر آقایان مسروق است که چندی قبل کدالت عصبانی بر آقای حاج آقا عارض شده در نتیجه طبیبی معالج توصیه کرده اند دو ماه استراحت کنند کمیسیون عرایض و مرخصی شرحی نوشته و این مرخصی را تصویب کرده است باید در مجلس هم تصویب شود رای نمیکیریم آقایانی که دو ماه مرخصی از امروز به بعد برای آقای حاج آقا تصویبی کنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقای سلطان العلماء هم سه ماه مرخصی خواسته اند کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب نکردند

اینکه عده آقایان کافی نیست و باید مجلس از اکثریت نفاذ تصویب نکرد باید رای بگیریم
سردار معظم - نظر باین که بنده از احتیاجاتی که مسافرت آقای سلطان العلماء را الزام میکند اطلاع دارم تصور می کنم مقضی بود مجلس هم با خیال مسافرت ایشان کمک کند ولی چون آقای سلطان العلماء مصالح عمومی را بر مصالح شخصی مقدم میدانند تصور میکنم خود ایشان هم با نظر کمیسیون عرایض موافقت کرده و اصراری به رفتن نداشته باشند و يك چندی صبر کنند و عوارض دیگری هم باین عوارض بیافزایند و تشریف داشته باشند تا اینکه يك عده از نمایندگان حاضر شوند بعد تشریف ببرند و کارهای شخصی خود را اصلاح کنند تصور می کنم اگر این ترتیب بشود بهتر خواهد بود (گفته شد صحیح است)
رئیس - کمیسیون هم بایشان توصیه کرده است تأمل کند بعضی از آقایان و کلاهی میسایند آن وقت تشریف ببرند (صحیح است)
رای میکنیم بر راپورت کمیسیون
سردار معظم - خود ایشان قانع شدند
سلطان العلماء - بلی قانع شدم
رئیس - آقای رفعت الدوله هم اجازه خواسته اند کمیسیون تصویب نکردند

سردار معظم - خوب کاری کرده اند
رفعت الدوله - اجازه میفرمائید
رئیس - بفرمائید
رفعت الدوله - البته خاطر محترم حضرت آقای رئیس مسروق است

که بنده همیشه قبل از موعد می آیم و هر وقت حفره در این نوع کارها نداشته و ندارم موجب مرخصی را هم حضور مبارک عرض کرده ام بواسطه آن تصادفی بود که در روز عاشورا برای اطفال بنده اتفاق افتاده بود که آقای تدین می دانند بنده نذر کرده بودم که آنها زیر آوار آرند اگر آقایان اجازه می دهند مهروم والا اگر می خواهند مانع بذر من شوند بشوند آنها برای این که باید سید الشهدا (ع) را در نظر بگیرند خوب است رای بدهند و اگر رای ندهند باین مطلب به گردن من می ماند و ما مجبور بودیم اجازه بروم
رئیس - بنده بنظر آقایان است
رفعت الدوله - بنده مال هم کرایه کردم

رئیس - آقایانی که راپورت کمیسیون را تصویب میکنند
جمعی اظهار نمودند راپورت را بفرمائید
رئیس - راپورت کمیسیون این است که اجازه نداده ایشان تشریف ببرند رای می گیریم بر راپورت کمیسیون یعنی آقایانی که تصویب نمی کنند ایشان تشریف ببرند قیام فرمایند و اکثر نمایندگان قیام نمودند
رئیس - رو شد - یعنی راپورت کمیسیون تصویب شد و بعضی اظهار نمودند بر آقایان مشته شده است
رئیس - پیشنهاد کمیسیون تصویب شد - چندی قبل قرارداد راجع بجمع اتفاق ملل که از وزارت خارجه خواسته شده بود رسیده است فرستاده

رئیس گمان می کنم مسئله را خوب بیان کردم عرض کردم اشخاصی که راپورت کمیسیون را تصویب میکنند قیام نمایند دیگر جای اشتباهی باقی نیست.
رفعت الدوله - اجازه می فرمائید برای آقایان مشته شد ممکن است دوباره بفرمائید
رئیس خیر دیگر نمی شود رای داده واحده دولت راجع بتعین سید حاجرودیا نازده هزار تومان پیشنهاد کرد و کمیسیون تصویب نموده بود در لسه گذشته رای گرفتیم چون درست نبود باید دومرتبه رای بگیریم آقایانی که تصویب می نمایند یا نازده هزار تومان اعتبار داده شود ورقه سفید خواهند داد و آقایانی که تصویب نمی کنند ورقه کبود و اشخاصی هم که اوراق خود را همراه بیاورند رزی كاغذ سفید می نویسند باید قید نمایند سفید است یا کبود و در این وقت اخذ آراء بعمل آمده و آقای سهام - السلطان شروع باستخراج آراء نمود و بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد

عده حاضر ۶۷ ورقه سفید علامت قبول ۵۷ امتناع ۱۰ ده
اسامی رای دهندگان
آقای شیخ الاسلام ملایری - آقای زات - آقای تدین - آقای تنکابنی - آقای آصف المالك - آقای صدر الاسلام بهری - آقای شیخ ابراهیم تجانی - آقای حاج میرزا مرتضی - آقای آقا سید فاضل کاشانی - آقای میرزا علی کازرانی - آقای محقق العلماء - آقای بیان الدوله - آقای سردار معظم کردستانی - آقای ملك الشعراء - آقای معتضد الدوله - آقای وقار الملك - آقای میرزا سید حسن کاشانی - آقای حکیم الملك - آقای شریعتمدار آقای سلطان العلماء - آقای مشیر الدوله - آقای حاج نصیر السلطنه - آقای احتشام الدوله - آقای آقا شیخ محمد جواد - آقای حائری زاده - آقای رئیس التجار - آقای سید الملك - آقای غضنفرخان آقای حاج میرزا اسداله خان - آقای آقامیرزا هاشم آشتیانی آقای سهام السلطان - آقای میرزا ابراهیم خان ملك آراالی - آقای مستشار السلطنه - آقای علی السلطنه - آقای آقا سید محمد کاظم - آقای حاج امین التجار - آقای منتصر الملك - آقای آقا سید یعقوب - آقای نصرت الدوله - آقای حاج شیخ اسداله - آقای دکتر لقمان آقای مؤتمن السلطنه آقای سردار معظم خراسانی - آقای عباد السلطنه طباطبائی - آقای امین الشریعه شیرازی - آقای رکن الملك - آقای محمد هاشم میرزا - آقای امیر ناصر - آقای جلیل الملك آقای اقبال السلطان - آقای عباد السلطنه خراسانی - آقای میرزا ابراهیم قی - آقای مدرس - آقای سردار مقیم - آقای نصیر دیوان - آقای حمید المالك آقای حاج قیل السلطنه
رئیس - پیشنهاد کمیسیون تصویب شد - چندی قبل قرارداد راجع بجمع اتفاق ملل که از وزارت خارجه خواسته شده بود رسیده است فرستاده

میشود بکسیون خارج محض اطلاع آقایان عرض کردم موضوع مذاکرات پروگرام آقایان وزرا است مذاکرات در کلیات است در کلیات کسی اجازه نخواست است

مستشار السلطنه - بنده اجازه خواسته بودم.

رئیس - بفرمائید

مستشار السلطنه - بنده در جلسه گذشته در کلیات پروگرام اجازه خواسته بودم که راجع به احکام قدری صحبت کنم از یکی از اعضاء محترم دولت شنیدم که تصدیقات کافی و وافی در این موضوع مهم دارند و البته در عین مواد پروگرام که مذاکره خواهد شد نمایندگان را متقاعد خواهد کرد

آقای سیاح فاضل - بنده در آن شب پیشنهاد کردم که مذاکرات در کلیات پروگرام کافی باشد نظر باینکه عده برای رای گرفتن کافی نبود اخت رای نشد باز مجدداً پیشنهاد می کنم که مذاکرات در کلیات کافی باشد

رئیس - آقایان مذاکرات را در کلیات کافی می دانند گفته شد کافی است

رئیس - رای میگیریم که داخل مذاکره در مواد شوم آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد داخل در مواد پروگرام می شوم در ماده اول شاهزاده نصرالدوله اجازه خواسته بودند.

نصرت الدوله - چون در موقع بحث در پروگرام در روز قبل يك مذاکرات طولانی نسبت بهرام بودن و مرام نبودن پروگرام شد بنده قبل از اینکه داخل در عرایش مربوط به سیاست خارجی شوم و برای اینکه اعتراض بخودم توجه نشود عرض می کنم سهل ترین مقاصد و آسان ترین چیزها در صورت عدم اقدام برای نیل بدان ممکن است مرام باشد و نسبت به مشکل ترین و بهیچترین مقاصد قبل و از سعی و کوشش جهد و تلاش در آن راه اخلاق حفظ مردم غله است آقای رئیس الوزرا در مقدمه پروگرام خود اظهار فرمودند دوره سعی و عمل است بقیه دارم که به مجرد اجرای این خیلی چیزها که مرام بوده است بعد از این در مسائل عالی بشود بازی در سیاست خارجی هیئت محترم دولت در پروگرام خودشان اینطور اظهار فرمودند روابط ایران و دول متعابه همواره در کمال و داد و حسن مناسبات است و حکومت حاضر نیز تمیز و تشبیه مناسبات حسن را با کلیه دول همجوار و غیر هم جوار یکی از تکالیف مسئله خود می شمارد البته در طی این عبادت يك مسئله مسلم را بیان فرمودند چون خوشبختانه بین دولت ایران و هیچیک از دول متعابه حال جنگ و قطع روابط نیست اطلاق روابط حسن بین دولت ایران و دول خارجی بهمدان صدق کامل دارد اما اینکه حکومت حاضر تزیید و تشبیه مابین این حسن روابط از وظائف خود شمرده است این هم البته يك اصل غیر قابل انکار است زیرا احساسات نیک خواهانه و صلح طلبی تصور می کنم از برای هر دولتی بهترین پروگرامها

است علی الخصوص از برای ما که نبل به سعادت و ترفی ملکیت خودمان را همیشه بوسیله احساسات صلح طلبی و دوستی با همه دول عالم خواستار بوده ایم و ضعیف جفا اقیانسی روابط تاریخی و حبشیات دیگری که اکنون ذکر آنها زائد است ما را از قدیم سال محتاج و هواخواه بهترین روابط و صمیمی ترین دوستها با دولت بزرگ همسایه خودمان کرده و البته وظیفه هر دولت خیر خواه از برای این ملکیت همین است که سعی کند در یرتو این محبت و وداد روابط تجارنی و اقتصادی ما دائم در توسعه و ازدیاد بوده استفاده های ممکنه از همجواری و همسایگی ممکن شود ولی چیزی که مرا باین کرسی نطق آورده است این است که میخواهم به بینم آیا عبارت پروگرام دولت از برای طرح سیاست خارجی در مجلس شورای ملی و عرضه داشتن آن به افکار عامه کافی است یا خیر تصور نمیکنم و یقین دارم آقایان نمایندگان مثل من انتظار داشته که دولت در موقعی که پس از شش سال دوره فترت دوره ای که فاقد مرکز صلاحیت دار ملی برای مداخله حق در سیاست بوده است امروز مصادف با مجلس شورای میشود سیاست خارجی را روشن تر و تصمیم علمی خودش را واضح تر از این اظهار کند تا وکلای بیشتر قادر بتقویت خود نماید البته گمان نمی کنم محتاج بشد که باشد که این اظهارات من از نقطه نظر این است که نسبت بنیات آقای رئیس الوزرا با همکاران محترمان سوء ظن یا شبهه دارم آقای رئیس الوزرا بواسطه عملیات خود و مخصوصاً عملیات قابل تقدیری که در سیاست خارجی در میان هزاران محظوظ و يك دنیا بی اسبابی نموده اند تولید اطمینان برای من و رفقای من نموده و همان طوریکه در جنبی قبل نسبت بایشان اظهار اعتماد کردیم امروز هم با کمال قوت قلب در این جا حاضر شده ایم که اوراق سفید خودمان را نثار خدمتگذاری صادقانه ایشان نسبت باین آب و خاک نکند ولی تقدیر من را به يك رویه و اسلوب گفته است که از هر حیث ناموافق با احتیاجات فعلی و افکار امروزی است و آن هفتن حقایق استوار و قایم و بالاخره قابل شدن سیاست مخفی و اعتقادی مقابله دیپلماتیکی و پلیتیکسی با عبارت اخیری کابینه های وزارت است آقای رئیس الوزرا فرق این برده های اوام و ترک این کهنه پرستیها و سلب اعتقاد از مودت در این سابقه ها از شان شاد و وظائف اولیه این مجلس و نمایندگان دوره چهارم است زیرا که در يك عصری که قوی ترین حرب و بزرگترین وسیله پیشرفت امور انفاذ حقایق در دنیای متمدن و توسل بانکار عامه است تعقیب رویه مخالف حقیقه نقصان در اداره وظائف است آقای رئیس الوزرا اتخاذ این رویه و مسلک از شان شما خارج است زیرا عملیات شما باعث افتخار خودتان و موجب وسوسه و خوشترقی هواخواهان شما است بگذاردید همه عالم و تمام سیاست مداران دنیا از زبان شما از پشت این کرسی بشنوند که روابط حسن و داد و متساوی را با تمام ملل عالم شما مربوط و منوط باین کرده اید که سیاست آنها متانی با استقلال ملت

ایران نباشد بگذاردند تمام صاحبان افکار منور دنیا بدانند که مراکز قدرت این ملکیت تصمیم گرفته اند بدون مداخله و نفوذ اجنبی هراجنبی در کارهای این ملکیت خاتمه دهند و از مداخله اغیار در منزل و نصب مأمورین و وساطت راجع بدوستان و همکاران خودشان جلوگیری نمایند بگذاردید همه مردم بدانند که ما همتاء خودمان را به دولت مقید باین شرط کرده ایم و وفاداری در عهد خودمان را تا وقتی حاضریم که شما بتوانید ایضاً باین وظیفه نائید گفته شد صحیح است برعکس آنهایی که در سیاست خارجی قناعت بکلیات مبهم و مجمل بودن عبارت را مقید میدانند من معتقد هستم که کشف حقایق و فاش و آشکار کردن مسائل بهترین وسیله احتراز از سوء تفاهم و جلوگیری از يك کدورت های بین المللی است و یقین دارم آقای رئیس الوزرا عطف لرد کرورن وزیر محترم خارجه دولت بهیه انگلستان را که در تاریخ ۲۶ ژوئیه سته جاریه در مجلس اعیان انگلستان ایراد کرده اند بوقت ملاحظه فرموده اند و یقین دارم که تصدیق خواهند فرمود يك قسمت از این اظهارات نتیجه سوء تفاهم و از اثر پروپاگاندا نشدن مقاصد حقیقی ما است و البته باز تصدیق خواهند فرمود که اشاعه و انتشار این قبیل اظهارات و توضیح شدن آنها در معرض افکار عامه دنیا ممکن است موجب سردی و کدورت بین دولت گردد و البته این برخلاف آرزو و مرام ملت ایران و ملت بزرگ انگلستان است البته مورد ندارد که همه قسمتهای نطق وزیر محترم خارجه دولت انگلستان را در این جا مورد بحث قرار دهیم باین که بخوایم مابین این نطق و در نطق دیگر ایشان که قبلاً ایراد کرده اند یکی مورخه شانزدهم نوامبر ۱۹۲۰ و دیگری نوژدهم سپتامبر ۱۹۱۹ مقایسه نمایم علی الخصوص که مقصود ما تنبید و متاجره نیست بلکه مقصود این است که بدانیم آیا ذکر حقایق ممکن است رفع سوء تفاهم بنماید سوء تفاهمهایی که باعث شده است وزیر خارجه دولت انگلستان در یک قسمت نطق خودشان اظهار یأس کامل از وضعیت ایران کرده و در یک مورد دیگر اظهار تأسف از نطق ما بوسانه خود نسبت بایران می نماید اگر مراکز رسمی ما بواسطه ابلاغیه ها و پروپاگاندا در داخله مخصوصاً در خارجه افکار را متوجه کرده بودند که تغییر سیاست دنیا و تغییر اوضاع سیاسی قطعات همسایه ایران در این مدت اخیر تغییر سیاست متغذ در دو سال قبل یعنی سیاست قرار داد را ایجاد می نماید بنما بنده این تغییر سیاست به تزلزل و تردید افکار ایرانی و موجود شدن د سانس دیگر تمین نمیشد و الفاء قرار داد که یکی از آمال و آرزوی عموم ملت شده بود نتیجه يك انتریکهای خارجی قلم نیرفتا گرو سائل کافی و وافی برای اشاعه و پروپاگاندا تهیه کرده بودیم و می توانستیم ابلاغیه جادی لاتانی و کلاهی حاضر هر طهران را همه جا انتشار بدهیم آیا الفاء قرار داد نتیجه فکر یکی از زمامداران ما بقلم معرفت اگر ما آشکارا و بدون ملاحظه اظهار کرده بودیم که در تعقیب دولتی کامل یا دولت عظیم الشان انگلستان چه انتظاراتی نسبت ببیشرفت مقاصد مشروع خودمان در

کنفرانس صلح داشتیم و چه طور این امیدها میل بیاس شد که در همان موقع این یأس را خود من به همین وزیر خارجه محترم یادداشت کردم و یا اگر ما با کمال وضوح افکار ما را مستحضر میدانستیم که در موقع آزمایش يك اصول روشن و واضحی چه طور گرفتار تغییرات مغایر با مقصود و تعقیبات علمی میشدیم امروز مواجه با ایراد ضمنی قدر ناخوشایبی نمی شدیم لرد محترم در يك قسمت نطق خودشان اظهار میدارد که ایرانی بطور وضوح يك دولت انگلستان را برای وصول بسعادت خود در کرده است و دوباره سیاست قدیمی خود را که مبنی بر بازی کردن بین دو ملت خارجی بوده است ترجیح داده و بالاخره خود را حاضر به ماشقه نمودن با دولت سویت نموده است مقصود از رد کردن يك دولت انگلیس ناچار رد کردن مستشار هاد صاحب منصبان نظامی است خوب اگر ما نیات خود را ظاهر کرده بودیم و به همه کس گفته بودیم که این تصمیم نداشتن مستشار و صاحب منصبان انگلیسی برای ما این است که ملت ایران که همیشه مایل بدوستی با دولت انگلستان است نیات دوستانه دولت انگلیس را سوء تعبیر ننموده و تصور نکنند که باین وسیله یعنی بوسیله مستشاران مالیه و صاحب منصبان نظامی دولت انگلیس شاید خواستار این است که باستقلال و سیادت کهن سال ایران صدمه و لطمه وارد سازد آیا تصور میفرمائید وزیر خارجه انگلستان این سخن را از برای اظهار این مطلب اتخاذ می کرد یا اینکه ممکن بود ملت انگلستان برخلاف واقع تصور بکنند که ملت و دولت ایران از دولتی بآن ملت بزرگ چشم پوشیده است اگر ما بهمه گوشزد کرده و علناً ثابت بنماییم که مقصود ما تولید رقابت برای استفاده نیست و همان طوری که این کمک را از دولت انگلستان نمی خواهیم بدولت روسیه نیز برای این قبیل کمکها مراجعه نمی کنیم و وسیله سعادت خودمان را نه تنها در تسلیم شدن به مسکو بلکه در تسلیم شدن به هیچ دولت خارجی فرض نمی کنیم آیا این قبیل اظهارات میشد البته يك حقیقت دیگری را هم نمی شود مستور داشت که ما نسبت به هر کس یا نسبت به هر سیاست که بانظریه و مرام استقلال خواهی ما صلاحه لفظاً موافق باشد خوش بین و نسبت به سیاستی که خواهان مغالط این باشد بدبین و خشمناک خواهیم بود اگر ما این حقایق را بطور کافی بیان و عموم دنیا را مستحضر می ساختیم تصور نمی کنیم که در قضیه انضلال بیاس جنوب چنین اظهارات بدبینانه که خود سرود باد مستان دادن است می شد زیرا وزیر خارجه محترم انگلستان همان طوری که در نطق خودشان متذکر شده اند همیشه دوست و خیرخواه ایران بوده مکرر گفته اند که خواستار ترقی و امنیت ایران هستند و از دیدار روابط سیاسی و تجارنی انگلستان و ایران را در یرتو استقلال و امنیت مایم خواهند بالاخره اگر ما با آواز بلند اصرار و تکرار نماییم و همه فاش و آشکارا بگوئیم که نهایت درجه هلاک مندی بدو بدوستی و حسن رابطه و یگانگی با دوهمسایه بزرگ خودمان هستیم و فقط آرزو و آمال این است که

همان طور که خودشان مکرر اظهار کرده اند ما در سیاست و مسائل بین المللی همدس و مساوی خود دانسته و معاملاتی را که نسبت بخودشان روا نمی دارند نسبت به ما هم ننمایند یقین دارم هیچوقت سوء تفاهم تولید نشده و روابط حسن حقیقی دائم برقرار خواهد ماند از این اصل کلی که بگذریم در زمینه حسن روابط خیلی خوشوقت می شدم که آقای رئیس الوزرا نیات خود را نسبت با همت این حسن روابط با عموم دول اسلامی و عالی الخصوص با دولتین جدید التأسیس افغانستان و بین النهرین اظهار و همه ما را از این حسن تصمیم مسرور و مشغوف بیکرند گفته شد (صحیح است) حالا اجازه می خواهم چند کلمه مختصری هم نسبت با اداره و وزارت خارجه عرض کنم البته آقایان متوجه شده اند که همیشه در پروگرام ها (به اندازه ای که من در نظر دارم وزارت خانه از سر مرده شدن در جزء آنهایی که اصلاح خواهند محروم است اگر این محرومیت برای این است که وزارت خارجه را مستغنی از اصلاح میدانند اشتباه است و اگر این محرومی از برای این است که اهت بآن اداره نمیدهند این را هم تصور نمیکنم زیرا یقین دارم دولت بخوبی متوجه اهت این وزارت خانه است مقصود از این تذکار هفت توجه دولت است بلزوم اصلاح در این اداره علی الخصوص در سفارت - خانه های مادر و مرآت نمودن وضیعت نمایندگان مادر مرکز اول اروپا و امریکا از دیر زمانی معمول بوده است که اصول سیاست مابینک تمام قروع آنرا رئیس الوزرا ما با وزیر خارجه ما در همین طهران فیصله میدادند و فراموش می نمودند که ما هم مأموریتی در این بختها و مراکز دول دیگر داریم در صورتیکه بتجربه و عمل ثابت شده است که پیشرفت امور در مراکز اروپایی بیشتر انجام مقاصد حقه در آنجا به مراتب آسان تر از گرفتن نتیجه مطلوب از سفارت خانه های است که آلوده باین محیط ماشه اند باین ملاحظه تصور میکنیم که دولت یکی از بزرگترین اصلاحات را اصلاح سفارت خانه ها و ترتیب کار نمایندگان ما در خارجه باید داشتیم تا انشاء الله در آتی از این گرفتاریهای که داشتیم بواسطه راه انداختن این چرخهای معطم قدری آسوده شویم آقای رئیس الوزرا باید بدانند که ما بخوبی میدانیم که ایشان با چه معظوراتی مصادف هستند مافردنا کاری شمارا در قبول این بار سنگین مسئولیت میدانیم و برای همین است که من بخودم اجازه دادم که این عرایش را این جا بکنم و تقاضا نمایم که شما در این جا افکار عامه خودتان را بطور وضوح بیان کنید تا اینکه ما هم با قوت قلب و جبهه گشاده باینکه بانکار عمومی مو کلین خودمان که هیچوقت آنرا از نظر نباید دور بکنیم قادر بر این باشیم که در مقابل هجوم حوادث و اوضاع گوناگون سیاست از شما و دولتی که تشکیل کرده اید تقویت بکنیم گفته شد صحیح است.

رئیس - در ماده اول دیگر کسی اجازه نخواست آقای مشیرالدوله اجازه نطق

مشیرالدوله - بنده باینکه قسمت از بیانات شاهزاده نصرالدوله موافق از اینکه باید در کلیه سیاست چه راجع بداخله و چه راجع بخارجه باشد باید حقایق را حتی المقدور گفت و باید با توجه بانکار عامه کار کرد ولی در آن قسمتی که راجع سیاست کابینه های گذشته نطق لرد کرورن در مجلس اعیان در تواریخ مختلف فرمودند بنده موافق نیستم بنده عقیده ام این است که کابینه های گذشته روشن بوده و هر وقت هر رئیس الوزرائی مشغول کار شده شاید يك اشتباه داشته باشد باقی تماماً سیاست خود را روشن مینمودند و در بیانیه های خودشان با اطلاع عامه میرسانیدند چون لازم میدانستند که در قیاب مجلس شورای ملی با اطلاع عامه برسانند در قسمت راجع سیاست خارجه هم آنچه لازم بود بکنند میکردند و غیر از آنچه گفته بودند نمیگردد اگر در خارجه در مجلس اعیان مذاکره شده بخوانند تلویحاً یا تصریحاً برسانند که سیاست ما تغییر و تبدیل پیدا کرده و چنین و چنان شده بنده بر خلاف واقع میدانم گفتیم شاید به استثنای يك کابینه بقیه کابینه های ما آنچه را که میگردیم همانطور بود که میگوئیم (صحیح است) مثلاً یکی از کابینه ها کابینه بنده بود و سیاست راجع بخارجه بسیار روشن و صاف بود از اول منکه داخل دارشدم گفتیم قرارداد بوجب قانون اساسی ما باید راجع بمجلس باشد (گفته شد صحیح است) باید در مجلس تکلیف قرارداد معلوم شود و مادام که مجلس در این باب اظهار عقیده ننکرده است است باید با اجرائیات موقوف باشد و در مدت آن کابینه هر وقت که خواستند با تکلیفی بکنند گفتیم ما با شما فراری گذاشته ایم بلندن تلگراف کرده اید و جواب داده اید پذیرفته است همانطور که قراردادیم امور راجع بصاحب منصبان نقون و مستشاران مالیه تا وقتی که مجلس تشکیل میشود موقوف الاجرا باشد تا مجلس تشکیل و تکلیف آنرا معین کنند ما نیز آنچه گفتیم کاری نکردیم و در ابلاغیه و بیانیه خودمانهم با اطلاع تمام مردم رسانیدیم اما دو باب اینکه بنطق لرد کرورن اشاره کردند که ما با يك دولت دیگر ماشقه میکنیم یا بهتر گفته باشم خود را باغوش دولت دیگری انداخته ایم بنده بکلی تکذیب میکنم چون فرستادن سفیر فوق العاده بسکو در زمان کابینه من بود و مجبورم این مسئله را توضیح بدهم اگر چه عیر کابینه بنده وفات کرد که این کار را انجام دهم چون هنوز سفیر ما وارد مسکو نشده بود که کابینه مجبور باستعفا شد ما وقتی که او را فرستادیم مخفی و پس پرده نبود (علی رؤس الاشهاد) بهمه گفتیم ما مجبوریم با دولتی که همجوار ما است مناسبات داشته باشیم علی الخصوص که آنها با ما میگویند باید با یکدیگر رابطه داشته باشیم ما باید اول این مسئله را معین کنیم بعدا گردیدیم می خواهند با ما داخل مناسبات شوند ما هم حرفی نداریم در موقعی که قرارداد معروف راسته بود نمی گفتند یکی از فلسفه های این قرار داد این است که ما باید با شما همراهی کنیم و شما باید يك نقطه انگانی داشته باشید که شما را حفظ کند ولی بیکوقت دیدم جزال شاپ پایانی از اثر لی هفت نشست و رشت و انصرف کردند يك

روز دیگر هم ملتفت شدیم و دیدیم منجیل را هم غلبه کرده اند بهرحال این که ما خود را در آغوش دیگری انداخته ایم و هم چنین با سایر دولی که هم جوار هستند بکلی تکذیب میکنم اعلی درجه آزادی ما این است که با دول هم جوار روابط همسایگی داشته باشیم و هم چنین با سایر دولی که با ما هم جوار نیستند با تمام آنها زنده گانی کنیم و در عین حال می خواهیم مدنیت و قومیت و تمامیت ما محفوظ باشد برای اینکه ما که ایرانی هستیم متعددی متعددی است احسن است چه روس باخته چه انگلیس باشد چه عثمانی باشد چه آلمان باشد (احسن است) در نظر ما که ایرانی هستیم هیچ دولت برای ما فرق نمیکند اگر با ما خوش رفتاری کنند و تعدی نمایند دوست ما هستند و ما هم حاضریم همه قسم با آنها دوستی داشته باشیم وقتی که نکردند و دشمنی کردند ما هم با آنها بچشم دشمنی و عداوت مینگریم و هیچ تفاوتی بین این دول نیست این است عقیده بنده و عقیده تمام ایرانیان (صحیح است احسن است) باین جهت است که عرض می کنم با آن قسمت نطق شاهزاده نصرت الدوله همراه نیستیم نطق ایشان چنین می فهماند که اگر در روزن حق دارد و ما سیاست خودمان را آشکار نکرده ایم بنده تکذیب می کنم سیاست کابینه های ما هم کابینه و تروق الدوله و هم کابینه آقای صدراعظم السلطنه و هم کابینه آقای سیددار اعظم و هم کابینه بنده تماماً روشن بود و اگر این نطقها را در بعضی جاها میکنند که چنین و چنان شد کابینه ما تغییر کرد هر روز سیاستی پیش آمد سیاست ایران مضیی بوده تمام را تکذیب می کنم تمام کابینه ها سیاستشان مبنی بر حکمت تام مجلس بوده و هیچ چیز آنها زیر جنکی و پس پرده نبود اگر بعضی اظهاراتی میکنند خود شاهزاده نصرت الدوله و آقایان می دانند که اینها همه اثر بیگانه های دیپلماتی است برای این که یک چیزی را که قبول کردند پس از چندی بگویند اطلاع نداشتیم ولی ما نباید به این حرفها از میدان بگرییم حرف همان است که گفتیم ایرانی با تمام دول و ملل می خواهد آمیزش و دوستی و روابط داشته باشد زیرا محتاج است تمام ملل عالم به یکدیگر محتاج اند امروز روزی نیست که دیوار چین دور مملکت کشیده شود امروز روزی نیست که ملل در برهه زندگانی کنند همان طور که ما به انگلیس محتاجیم آنها هم با ما محتاج اند همانطور که ما به روس محتاجیم آنها هم همین طور محتاج اند همانطور که به عثمانی و افغانستان و غیر آنها محتاجیم آنها هم به ما محتاج اند پس وقتی که این طور شد همه در محله عدالت بشریت مساوی هستیم باید حقوق ما را حفظ کنند اگر حفظ نکردند و تعدی کردند هیچ تفاوتی مابین نیست حتی همان عثمانی و افغانستان هم اگر تعدی کردند با آنها هم مخالف خواهیم بود این است که باز هم عرض می کنم که مادر سیاست خودمان هیچ مطالب پنهانی نداشته ایم و هر چه وعده داده ایم رفتار کرده و اگر نکرده ایم وعده نداده ایم (احسن است احسن است)

(نطق)

نصرت الدوله - بنده خیلی تأسف دارم که بیان بنده قاصر بوده است والا گماز نمی کردم که آقای مشیرالدوله اینطور از عقیده بنده استفاده کرده باشند بنده هیچ نوع مخالفتی ندارم بنده مقصودم از این اظهار و خطاب به آقای رئیس الوزراء همین بود که این حرفها زده شود اگر گفتیم که آن اصل استار حقایق را تعقیب نکنیم و اگر مخصوصاً لفظ تعقیب را گفتیم بطوریکه اصل کلی بود و الا در حقیقت همانطوریکه آقای مشیرالدوله فرمودند بنده کاملاً موافقم و از برای اثبات اینکه با ایشان هم عقیده ام مسکن است ایشان را مراجعه دهم به یک نطقی که خودم در لندن در سال قبل کرده ام اینجا بنده اظهار کرده ام که نیت کابینه های ایران تمام روشن است و برای اینکه دولت همان سیاست را داشته باشد و تعقیب کند این عرایض را عرض کردم و مقصود بنده از این اظهار همین بود در این مسائل فقط به عبارت کلی (حفظ روابط حسنه) اکتفا نشود و همانطور که کلاً و وزراء آن دولت از بالای تریبون در میان مجالس اعیان و محافل عام قریباً می زند و عموم مردم را از آینده و حال مستحضر می کنند ما هم موقع فرارسیده مطالب خودمان را بگوئیم این نطق ارد کارزن در ۲۶ ژوئیه چهار ماه قبل می باشد در این مدت من ندیدم از طرف دولت ایران هیچ نوع جوابی بآن نطق داده شود و این سکوت را من از برای مملکت مضری دانم چرا برای اینکه همانطور که آقای مشیرالدوله فرمودند در خیلی از مسائل آن نطق تلویحاً مطالبی گفته شده که گمان نمی کنم با واقع تطبیق بکنند پس این ملاحظه تصور می کنم این توضیح که در بیان خود دادم کافی باشد و اگر قصوری در تلقین الفاظ شده باشد خیلی متأسفم اما هیچ نوع مخالفتی در بین دو اظهار و این دو عقیده نیست

رئیس - آقای سردار معظم اجازه**سردار معظم** - پس از بیان آقاسی مشیر الدوله فعلاً عرضی ندارم مگر بعد لازم شود**رئیس** - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - عقیده بنده بعد از بیانات و فرمایشات آقای مشیرالدوله در سیاست خارجه دیگر مجال برای من باقی نمانده است زیرا که بنده عقیده ام این است که از مذاکره در این موضوع اگر آقایان تصویب میفرمایند صرف نظر شود

رئیس - آقای مدرس پیشنهادی فرمودند جمله بالغوص با دول اسلامی باین ماده اضافه شود

رئیس الوزراء - بنده بیانات آقای مشیرالدوله را تصدیق و تقدیس میکنم شاهزاده نصرت الدوله در ضمن مذاکراتش میفرمایند که خوب بود در پرگرام دولت در موضوع سیاست خارجی بیشتر بسط معال شود بنده تصور میکنم عبارتی که در پرگرام نوشته شده جامع باشد اگر چه مختصر است ولی غرض این نبوده است که دولت یک سیاست مبهمی را اتخاذ کرده باشد که حقوق و حاکمیت ملت ایران در آن متضمن نباشد من تصور میکنم در دنیای

متعدن امروز که در واقع عدل و انصاف و حقانیت اساس سیاست عالم شناخته و شمرده شده است هیچ دولتی نمی تواند به حقوق دولت دیگر خاصه اینکه با آن دولت دوستی یا روابط تجارتي داشته باشد تجاوز کند و همین طور هیچ ملتی نمی تواند تعدی کند که به حقوق او تجاوزانی یا تعدیاتی بشود البته دولت و مجلس شورای ملی همیشه این سیاست را تعقیب کرده و یقین دارم پیشرفت هم خواهد کرد باین مطلب توجه فرمائید همیشه که دیده شد احساسات ملت ایران بر این است که مستشار از دول خارجه در ایران نباشد طوری شد که مستشار ماله (آرمیتاز اسمیت) خودش برای فسخ کثرت خود حاضر شد و هیچ اعتراضی هم نشد و از این جا معلوم میشود که خیالی در بین نبوده و مسلک دولت ایران هم هیچ وقت تیره و تار نبوده است و مطالب هم همیشه علنی گفته شده است ضمناً لازمی دانم خاطر آقایان نمایندگان را متوجه کنم که با دولت کمک و مساعدت کنند همین سیاست و روابط حسنه که من در پرگرام خود ذکر کرده ام حفظ کنند و البته از طرف دولت و مجلس سعی میشود که این سیاست روشنی باشد و چیزی بر مردم مکتوم نماند و البته خوب است از بعضی چیزها که اسباب سوء تفاهم می شود باز بعضی احساسات خارج از تراکت پرهیز کنند اما اینکه گفته می شود چیزی به پرگرام دولت الحاق شود تصدیق میکنم مثلاً اگر پیشنهاد شود با حفظ حقوق حاکمیت ایران با حفظ استقلال ایران من تصدیق میکنم

رئیس - آقای سردار معظم اجازه

سردار معظم - قبل از اینکه داخل مطلب خود شوم می خواهم بایانانی ناقص از آقای مشیرالدوله تشکر کنم اظهاراتی که ایشان کردند عین همان افکاری بود که ملت ایران کمال ملل و نهایت اشتیاق و علاقه را بآن دارد ایشان وقتی که در این مجلس اظهار عقیده میکنند نه تنها مظهر فکر شخص خودشان می باشند بلکه مظهر افکار عمومی که در تمام ملت ایران است می باشند و از آقای مشیرالدوله و ابراز احساسات ایران خواهانم ایشان تشکر کرده و زیادتر اظهار مسرت میکنم که مابین دو نطق و سخنرانی و مخالفتی نبوده فقط در اداء مضایع سوء تفاهمی حاصل شده است بلی بنده هم با ناطقین محترم هم عقیده هستم ولی فرمودی را که دولت در ذکر سیاست خارجی خودش اتخاذ کرده است غیر کافی میدانم بنده عقیده من این فرمول مکرر در مکرر در پرگرامهای دولت های سابق دیده شده است و این فرمول بدرجه کامل حکایت نمیکند از آن درجه صداقت و صمیمیتی که ما از طرف خودمان در سیاست خارجی اعمال میکنیم و از دیگران انتظار داریم این فرمول در واقع یک فرمول تشریفاتی شده است سیاست خارجی همیشه روشن و معین بوده است آید در مقابل این صمیمیت های ما از طرف مقابل هم با ما همین معامله شده است یا خیر؟ بجز آن میتوانم بگویم که سیاست های خارجی دولت های ایران همیشه سیاستی بوده که میخواست است حقوق سایرین را حفظ کند اما منی توانم بگویم که هیچ وقت از طرف دیگران نسبت به منافع ایران که تخطی و تجاوز نشده است و همین علل است که این فرمولی که اتخاذ

شده کافی نمیدانم این فرمول چه چیز است

حفظ مناسبات حسنه با دول متجابه این یک فرمولی است که کوشش های ما باین فرمول حادث کرده است و ما دیده ایم که در تحت لوای این فرمول مناسبات حسنه از طرف ما کاملاً رعایت شده ولی در مقابل تعدی و تجاوزاتی از دیگران نباشد است و آقای نصرت الدوله فرمودند که من مگر استنار حقایق نیستم آقای رئیس الوزراء در جواب چند کلمه راجع به آرمیتاز اسمیت و راجع بطرز رفتن او بیان فرمودند و ضمناً نمایندگان را متوجه کردند که مراعات تراکت را بکنند بنده می خواستم جاسارت کنم و عرض کنم که خود این فریضات ایشان هم یک استادی است زیرا رفتن آرمیتاز اسمیت باین سهولت که فرمودند نبوده و مطمئن میدانم که اگر تصمیم دولت و مجلس بر این بود که آرمیتاز اسمیت را نفرستد این امر نمی شد و مقتضی بود که دولت در پشت کرسی نطق همین حقیقت را گوشزد ملت نماید بنده خودم مقدم که ملل عالم از نقطه نظروند کانی سیاسی و اقتصادی مانند خلق های زنجیر بهم مربوط و پیوسته هستند و زندگانی تمام ملل عالم بهم مربوط است این مسئله هیچ محل تردید و شبهه نیست و همانطور که آقای مشیرالدوله فرمودند امروز روزی نیست که ملل عالم مستقیماً به تواند حواشی زندگانی خود را انجام داده و مستقلانه جدا زندگانی کرده یا دیواری دور مملکت خود بکشند امروز تمام این یک خانواده و عائله و سیمی را تشکیل میدهد و اما این خانواده منافع و مضراتشان با هم پیوسته است از طرف دیگر کاملاً مستقیم که ملت ایران احتیاجات شدید به دیگر ممالک کیتی دارد همانطور که سایر ملل عالم احتیاجات ملت ایران دارند و از همین نقطه نظر است که من وظیفه ملت ایران را اول نسبت بسایرین بیان خواهم کرد و بعد دیگران را نسبت بخودمان اظهار میکنم البته دولت ایران مجبور است که با همه دول و ملل عالم مناسبات حسنه و نیکخواهانه داشته باشد باید بنظر محبت و دوستی بهمه نگاه کند و حقوق مشروع آنها را در داخله مملکت خود حفظ کند و روابط خودش را با ملل عالم در تحت یک انتظام و تراکتی در آورد و اگر یک تقلباتی بنام دولت ایران میشود آن تقلبات و عوارض در دولت و ملت ایران با قدرشمرده شود حقوق اتباع خارجه باید در مملکت ما محفوظ باشد ولی در مقابل این تصمیم و در مقابل این طرز رفتار که ملت و دولت ایران باید بوضع عمل گذارد حقاً باید از طرف دیگران هم نسبت به ما همین معامله شود چون دنیای متعدن در روابط خارجی خودش یک فرمولی معینی اتخاذ کرده است آن فرمول را همین تراکت بر عدالت و مراعات استقلال و آزادی هر ملت و مبنی بر حفظ حق زندگانی و حیوة و سعادت هر ملتی است ملت ایران حق دارد این تقاضا را از همه ملل عالم بکند البته ما حاضریم بدولتهای خود اجازه دهیم که بر روی اساس سیاست نیکخواهانه با دول خارجه رفتار کنند و بهمان درجه می خواهیم ملل و دول دیگر با ما همین معامله را بکنند ما حاضر نیستیم دولت های ما بقدر سروسز مدافعه خارجی را در سیاست داخلی و

زندگانی ما قبول نمایند و این مداخلات از هر طرف که باشد نباید مورد توجه و قبول ما واقع شود این مداخله اگر در تعیین وزیر است نباید پذیرفته شود اگر در تعیین حاکم یا مأمور است نباید پذیرفته شود هم چنین اگر فلان سفارتخانه انفصال فلان مأمور را خواستار شود دولت ایران نباید تسلیم شود باید مقاومت کند و بالتبعیه دیگران حق نخواهند داشت که در امور داخلی ما مداخله کنند زیرا حق مشروع ما است و لازمه استقلال و آزادی ما است زندگانی داخلی ما مربوط به خودمان بود و دیگران هیچگاه حق مداخله نخواهند داشت و از هر طرف که این مداخله بشود نباید مورد قبول دولت ما باشد بنابرین فرمولی که در پرگرام هیئت دولت نوشته شده است کافی نیست فرمول دیگری که در پرگرام ما اتخاذ شده است و بعقد من بهتر مطلب را میسراند و رساتر است این است که مناسبات و روابط حسنه متساویه با تمام دول عالم مادام که مناسبات آنها منافی با استقلال ایران و مانع ترقی ایران نباشد از این شرط گذارده شود و دیگر هیچ حرف بدولت نداریم و اختلاف نظری با پرگرام نخواهیم داشت ولی چون این شرط گذارده نشده است و فقط گفته شده است حفظ مناسبات با دول متجابه یعنی همان فرمول گفته همان فرمولی که ما مکرراً آنرا دیده و دولتهای وقت مکرراً آنرا پیشنهاد کرده اند و در تحت لوای همین فرمول بنا تعدی شده و در عمل فعل برخلاف این فرمول رفتار شده است باین جهت ما متوقع هستیم در این دوره در عمل با ما موافقت کند و ما می خواهیم دولت نیت و سیاست خود را در قبالهای روشن تری بیان کند که مورد اختلاف نظر بین ما و ایشان نباشد (گفته شد صحیح است)

وزیر پست و تلگراف - اولاً تشکر میکنم بعد از مدت مدیدی باین انتظار نائل میشویم که در مقابل مجلس شورای ملی اظهار عقیده بکنم و در ثانی راجع بماده سیاست خارجی که آقایان ناطقین محترم اظهار کردند که کافی نمیدانند و باید بمرات آن چیزی اضافه شود در هیئت وزراء در این خصوص مذاکرات لازمه شده و شاید در جزو پرگرام دولت پیش از این مقتضی نباشد ذکر شود دولت پرگرامی را در این دوره تقنینیه ب مجلس پیشنهاد می کند و ضمناً لازم دانسته است نسبت به روابط خارجی مختصر تذکری داده شود معمولاً آقایان میدانند که در پارلمان های خارجه هم وقتی که و کلاماً مذاکره در باب سیاست خارجه را لازم بدانند بدولت اظهار میکنند و دولت هم حاضر می شود و توضیح میدهد حالا هم که صحبت باین جا کشیده و آقایان اظهار عقیده فرموده اند که کتمان مطالب در این دوره مقتضی نیست و باید حقایق گفته شود یک قسمت از آقایان حقایق فرمودند که شاید غیر مفید بود و یک قسمت هم بعقد بنده کتمان کردند اینکه بیولت های گذشته یک اعتراضاتی نمودند که سیاست خارجی را بطور مبهم اظهار کرده اند تصدیق میفرمایند که اگر در یک موافقی کاملاً حفظ منافع و مصالح دولت را ندرده اند بلکه محظوراتی داشته اند اینکه پیشنهاد می شود که در پرگرام دولت اضافه شود حفظ روابط حسنه بشرط اینکه مخالفتی نسبت با استقلال

مملکت نداشته باشند یک چیزی است واضح و گمان میکنم در پرگرام دولت هر چه اشاره بشود زیادی است چون سایر دولت ها هم همین نظریه را داشته اند و بدون تردید میتوانم بگویم که هیچکدام قصور نکرده اند بطوریکه همه اطلاع دارند همه دولتهای وقت جد و جدهای کافی میکردند و هر چه از دستشان در حفظ مصالح و حقوق مملکت بر می آمد خود را می نیک کردند اما اگر محظوراتی برای آنها پیش می آمده است که نمی توانستند رفع آنها را بکنند بر آنها تقصیر و جرمی وارد نیست حالا در پرگرام فعلی که دولت پیشنهاد میکند ضمیمه کردن این مطالب گمان می کنم صلاح نباشد این اصل در آن مندرج است دولت وقت وظیفه اش این است که هراچینی نسبت بحقوق و مصالح مملکتی یا نسبت با استقلال ما تجاوزاتی بکند با تمام قوا بکوشد که او را دفع کند ولی در جشن در پرگرام زائد است و کاملاً دولت این مسئله را در نظر دارد و رفتار خواهد کرد و وضعیت امروز عالم هم مقتضیات آنروز که برای دولت ماشکلات پیدا می شد فرق کرده است و بطوریکه گفته شد سیاست عالم تغییر کرده و حتی دولت های کوچک دیگر هم ماضی نخواهند شد تحمل کنند که نسبت بحقوق آنها تعدی و تجاوزاتی بشود و البته دولت عظیم الشأن شش هزار ساله ایران هم هیچگاه راضی نخواهد شد که تجاوزاتی بحقوق او وارد آید و از تمام ملت خاصه و کلای پارلمان خواهش می کنم که در این مقصود مقدس با دولت همراهی کامل بکنند و نظر باینکه ذکر این مسئله زیادی است این پیشنهاد دولت را قبول بکنند

مدرس - بنده تقاضا کردم دولت در این ماده اضافه بفرمایند بالغوص با دول اسلامی غرض این است بطوریکه آقایان فرمودند دولت و ملت ایران باید سیاست نسبت بدول عالم بنظر واحد باشد سیاست تقاضا را در دولی بر همه واضح است که دول ملل اسلامی طبیعتاً یک خصوصیتی با هم دارند که اینک از پارلمان های دولت اسلامی قریب باین مضمون یک اظهارات خصوصی شده ما هم در این پارلمان که پارلمان اسلامی است باید یک اظهار خصوصیتی با دول اسلامی بکنیم چون بعضی دول جدید التأسیس اسلامی پیدا شده است البته باید ما هم یک نظر خصوصی بآنها داشته و روابط حسنه خاصه بآنها پیدا کنیم لهذا بنده از هیئت محترم دولت تقاضا کردم که باین ماده جمله بالغوص با دول اسلامی اضافه شود و هیچ ضرری هم ندارد بنده کاملاً با فرمایشاتی که آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند موافقم واضح است این قضیه بقضیه قاسانها معاً است لکن این حسن روابط اگر نسبت بیکی زیاد تر باشد ضرر ندارد و دلیل نظر سوء نسبت بدیگران نیست حالا اگر هیئت دولت قبول میفرماید متشکرم و الا مختارید و عرضی ندارم

رئیس - گمان میکنم آقایان قدری خسته شده اند اگر چند دقیقه تنفس شود بدنبالند (جسمی) گفتند صحیح است در این موقع هم نمیدانم گمان خارج و پس از بیست دقیقه مجدداً مجلس تشکیل گردید

رئیس — آقای مشیرالدوله اجازه نطق
مشیرالدوله — بنده تصور می کنم بامداد کراتی که در اطراف پرگرام هیئت دولت در موضوع سیاست خارجه شد هیئت محترم دولت کاملاً از نبات مجلس شورای ملی مطلع شدند و فی الواقع آن مذاکرات شرح ماده اول بود در این صورت اگر آقایان موافقت داشته باشند پیشنهاد میکنم همان فورمولی که هیئت دولت پیشنهاد کرده اند از مجلس بگذرد

رئیس — مذاکرات در این باب کافی است بعضی گفتند کافی است

رئیس — مذاکره در ماده دوم است آقای امین الشریعه اجازه نطق

امین الشریعه — ماده ۲ در تشکیل قوای نظامی دولت است البته حفظ حیثیات دولت

رئیس — اجازه می دهید چون ماده دوم شرح تراز این است که می فرماید قرائت می شود آقای تدین ماده دوم را بضمون ذیل قرائت نمودند تشکیل انتظامات قشون و قوای تأمینیه و جلب صاحب منصبان مسلم از دول غیرمجموعه

امین الشریعه — در این موضوع جای تردید نیست که حفظ حدود و ثغور و قوای امنیه در مملکت منوط به تشکیل قوا و قشون است و البته وجوهی که باید خرج این قوا شود مقدم است بر جمیع مصارف دیگر و برای احدی در این باب تردید نیست و شرافت مندی این افراد هم بر سایر کارکنان از این رهگذر است که اینها در حقیقت برای سایر طبقات ملت فدا کارند اینست سایر طبقات ملت که مشغول کارند چه از باب فلاح یا تجارت یا صناعت در سایر فداکاری که مشیر آنها است و البته آن حقوقی که بآنها داده می شود در واقع بمنزله خونهای آنهاست و ملت آن قسمت از مالیاتی را که می دهند و صرف این هیئت می شود از تمام قسنتهای دیگر شکسته تر و با کمال خرسندی و شعور رضایت مندی تادیه میکنند برای اینکه امنیت او باقی باشد حافظ ناموس و جان ملت این طبقه هستند از این جهت است که خداوند رحمتی میفرماید فضل الله الیجاهدین علی القاعدین ولی بنده در این موضوع یک نظر مختصری دارم و عرض میکنم و آن این است که قشون ترکیب شود از افراد ایرانی برای اینکه افراد ایرانی بلا شبهه دارای خون پاک و گرم و سلحشورند هیچ وقت افراد ایرانی که در تحت سلاح می آیند خیال ترد و طغیان از حکم دولت نیافتاده و نمیخواهند موجبات زحمت ملت خویش را فراهم سازند برای اینکه اولاهم ایرانیند و هم مسلمانند و بالاخره دارای عقاید حسنه بوده و حب مخصوص باین آب و خاک و وطن مالوف نیاکانی خود دارند چنانکه در موقع امتحان شجاعت خویش را بنده ظهور رسانیده و نشان داده اند همین ایرانی است که اگر در تحت ریاست صاحب منصبان ایرانی وطنخواه سرداران عاقل کانی دلداران کار حلاقه مندر برطن در آیند مشیر و سلاحش بر افلاک کار میکنند و دیار از خون خویش نیلگون میکنند تاریخ شهادت داده فضاوت میکنند و همین افراد است که متأسفانه اگر در تحت نظر صاحب منصب یاسر دار یا قائد غیر کانی در آید هیچ مصاف و رزمی

را از عهده فاتحیت و مظفریت بر نیامده و همواره مغرور و منکوب خواهد بود شاه این موضوع هم در تواریخ بسیار است لازم نیست بنده در این جا شرح دهم پس مسلم است که این افراد مسلمان ایرانی را به شاهراه مقصود هدایت کردن و بالاخره بکار انداختن و از آنان نتیجه گرفتن منوط و مربوط بنظریات فایده و صاحب منصبان است این است که در این جا هیئت محترم دولت باید در انتخاب و برگزیدن صاحب منصبان صالح و سرداران صحیح الدوله و خواه توجه خاصی مبذول فرمایند یک نظر هم

باخراج اشخاص فاسد مشرد که علاقمند به حفظ استقلال مملکت نیستند و اسباب زحمت برای ملت درست می کنند در اسبق و زوایای مملکت پراکنده و خود دارند و هر روز فساد ایجاد می کنند بنمایند و بعد از این باید تشکیلات قشونی را اساسی قرار داده و صاحب منصبانی انتخاب کنند که سابقه از این تنظیمات کامل داشته باشد و دیگر از قبیل محمد تقی خان هادر خراسان و یساو رهلی قلی خان ها در فاسر اسحداث نشود

دوم راجع به استخدام معلمین خارجی است که بنده با این موضوع موافقم البته قشون مانعیمات صحیحیه لازم دارد و باید معلمین خارجی را جلب کنیم ولی این مطلب را باید متذکر شد که در موقع جلب باید این موضوع مهم را در نظر داشته باشند که اشخاصی را که جلب می کنند نیست معلمی جلب کنند نه بهست صاحب اختیاری نه بهست فرمانرمانی نه بهست فرمانفرما بودن و صاحب مطلق و مالک الرقاب نام بودن بدینجه که دولت حساب از آنها بخواهد پس نهند این نمی شود مگر اینکه اشخاصی را که جلب میکنند از دول غیرمجموعه و بایک تصمیماتی باشد که دولت متوجه آنها درصحت عمل آنها داده باشد و در خانه عرض میکنم که این قوای مهم که بقیعت حیده ملت ارزش دارد تشکیل و باز بر میگردد به حفظ عایدات و مالیه کشور که حرف خود آنها میشود چنانکه از بطور کبیر سؤال کردند که به چه وسیله موفق شدی به تشکیل شوق و اصلاحات مملکتی میگوید بوسیله حفظ عایدات از جیف و میل شدن و صرف کردن آنها بمصارف مملکتی بنابر این باید نظر همه دولت به حفظ عایدات و تعدیل بودجه مملکت باشد

رئیس — آقای مدرس اجازه نطق
مدرس — ماده دوم دو جزء دارد جزء اول تشکیل انتظامات قشون و قوای تأمینیه است اگر چه داخل اصل کیفیت نشده ولی آقایان خاطرشان است در دوره سابق عقیده من و بعضی از آقایان بر این بود قشونی که ایران در این مدت داشته است قشون اساسی نبوده بواسطه اینکه عده قشون ایران قشونی بوده است که از شصت سال باینطرف تحبناً بوده است و قشون بی نتیجه باشد و این قشون در حقیقت پیر شده کما اینکه در این اواخر استفاده از آنها کم می شد یک تشکیلاتی در این چند سال اخیر با سامی مختلفه از قبیل قزاق بریکاد زاندام و داوطلب و غیره داده اند عقیده من بر این است که دولت چون نظریات اصلاح و تأسیسات جدید دارد و از آقایان نمایندگان محترم هم

اینطور حس میشود بنابر این باید لایحه ای در این موضوع ترتیب داد و شروع بگرفتن قشون عمومی نمود و زیاد بر این در این موضوع صحبت نمی کنم و مزاحم نمی شوم فقره اول دوم این ماده استخدام صاحب منصبان از دول غیرمجموعه است شاید بنظر بعضی می آید که این بیان از من خیلی بی مناسب است ولیکن عرض می کنم و دولت را در این نظر تقدیس می کنم که مملکت ایران را اینطور معرفی می کنند که ما رصد ترفی هستیم در ماده چهارم هم نظیر همین مطلب است که جلب متخصصین برای اصلاحات مالیه ذکر شده این مطلب را هم تقدیس می کنیم ولی خیلی تاسف دارم که در ماده سوم متعلق بوزارت فوائد عامه است این نکته را قید نکردند در صورتیکه این سه ماده همه باید دارای این قید باشد بلکه در ماده سوم لازم است و جلب مهندسان و متخصصین فنی و فیرانی برای فوائد عامه خیلی لازم است البته جاهل باید علم را در هر کجا که هست جلب کند

(گفته شد صحیح است) خصوصاً وظیفه اهل ایران و عجم همیشه بر این بوده است و در اخبار هم ذکر شده است که اگر در آسمان هم علمی باشد آنها جلب نمایند این از صفات خاصه ایرانیهاست که هر جای دنیا هر علمی هست جلب می کنند بواسطه اینکه این علوم متعلق بهمانش و زندگانی است اگر انشاء الله الرحمن دولت همین قسمی که در پروگرام ایشان نوشته اند عمل کند نه یکی نه دو تا نه صد تا بلکه هزار نفر عالم هم از اطراف دنیا بجهة هر فنی و صنعتی جلب و باز تکرار می کنم و تذکری هم خصوص در ماده سوم فراموش نشود که همیشه از همه زیاد تر است بلی قشون این پروگرام دو ماده است که جلب متخصصین نمی خواهد یکی ماده اول است که مگر ذکر شد یکی هم در ماده دوم که اصلاح قوه قضائیه باشد که جلب متخصص لازم ندارد ولی در این سه ماده دیگر از اهم امور است که من دولت را تشویق می کنم به یک دو و سه نفر اکتفا نمایند بلکه در هر کجای دنیا معلمین و متخصصین هستند (حالا بواسطه مصالحی از دول مجبوراً اقتضای دارند) از دول غیرمجموعه جلب کنند اما این شرطهایی را که می کنیم باید عمل کنند و تا امروز معلم و متخصص که در مملکت ما علم پیاده نیاورده است فقط یک بار لمارسن آمدند در این مملکت یک قدم برداشت که اتفاقاً اسباب روستایی مملکتش شد اگر چه بعضی آمدند و روستایی را میل برو سباهی کردند دیگری شوتر بود آنهم چهار روزی آمد و یک قدمی در این مملکت برداشت به تشکیلاتی بر خورد و موفق نشد الا دیگر ندیدیم که یک مستشار یا متخصص بیاید و اصلاح نماید اگر هم بود شاید من نمی دانم (از گمرک که اطلاع ندارم)

اینها آمدند از آن ساعت اول خواستند قادر علی الاطلاق شوند من مخالف با مستشار صاحب اختیار هستم من می گویم دولت استخدام معلم بکنند از برای فوائد عامه هم از برای مالیه هم از برای نظام معلما نوکر که تعلیم بدهد آنها نه مانند مستشاران و معلمین که ده سال پنج سال آنها را استخدام بکنند و در یک اداره بیایند خدمت بکنند و قتی که می خواهند بروند آن اداره مثل اول است و یک نفر را تربیت نکردند

این ترتیب ضروری دیگری دارد و آن این است که مملکت را معرفی می کنند باینکه اینها هیچ نمی فهمند ما را استخدام می کنند بجهت معلمی و هیچ کسی را تعلیم نمی دهیم پس از ده سال ۱۰ سال می دریم آنوقت یکی دیگر را می آورند آنچه را شنیدیم در نظریه یک نفر را تربیت کردند و آن استاد بود آنرا تربیت کردند بیک مقامی رسیدن تربیتش بآخر رسید و الا در هیچ اداره این مستخدمین و مستشاران کسی را تربیت نکردند بلکه شب و روز در صدد بر آمدند که اختیار نام بگیرند ملخص عرض بنده این است که با اختیار دادن به مستخدمین خارجه من مخالف هستم فقط با معلمین متخصص آن کسی که صاحب صنعت فنی باشد موافقم که آن را باین ترتیب استخدام کنند که دولت کثرتش را بمجلس بیآورد و آن معلم وقتی بیاید بفهمد که آمده دو یا سه چهار سال یک اشخاصی را تعلیم و تربیت کند بناء علیهذا این مستخدمین خارجی که اکنون داریم که بعنوان مستشار یا بعنوان دیگر استخدام شده اند با اختیاراتی که بآنها داده شده بنده که این جا استفاده ام تصدیق ندارم که دولت کثرت اینها را تجدید بنماید و هر کدام را از دول دارد بعنوان معلم متخصص استخدام نماید کثرت او را بمجلس بیآورد و الا اگر طریق دیگر باشد بنده موافقت ندارم فقط با استخدام معلم متخصص موافق هستم

رئیس — دیگر کسی اجازه نمیخواهد
سر دار معظم — چرا بنده اجازه خواسته ام بفرمایند

سر دار معظم — بنده با قسمت اعظم اظهارات آقای مدرس موافق هستم فقط میخواهم چند کلمه راجع به قشون بگویی عرض کنم و امیدوار هستم در یک آتی نزدیک دولایران بتواند ترتیب قشون اجباری و عمومی را فراهم نماید ولی لازم است گفته شود که بد بخانه در مملکت ما موجبات قشون گیری اجباری فراهم نیست لازم است گفته شود که در مملکت ما باید ترتیب قشون گیری بطور بشیجه باشد و بعقیده من این یکی از یاد کارهای خوب قدیم ماست که باید او را محفوظ بداریم و برخلاف سایر یاد کارهای گذشته که بد بخانه در نقص کردن راندو کردن آنها ناچار می شویم در این موضوع بالکس باید رفتار نماییم و دقت نماییم که این یاد کار قدیم را با دقت هر چه تمام تر محفوظ بداریم البته محفوظ داشتن این اصل یعنی ترتیب قشون گیری بطور بشیجه موقتی خواهد بود و بنده آرزو مند هستم موجباتی پیش بیاید که در این مملکت طرز قشون گیری اجباری و عمومی فراهم بشود قشون بشیجه حقیقت همان قشون اجباری است فقط فرقی که دارد این است که این قشون مجبوره نقاط معین است و از نقطه نظریات جاری و باید اس بودن قشون هم قشون بشیجه با اساسی تر و پایدار تر است این نکته را هم بنده می خواهم یادآوری کنم که سوء عاقلان نشود و فقط دولت مسروق باشد نظر آن اشخاص که بقشون علاقمند هستند فقط متوجه باین نکته است که باید اساس قشون محکم باشد و اساس قشون محکم نخواهد شد مگر با اصلاح اساس قشون بشیجه چند کلمه هم می خواهم در باب ازوم

جلب متخصص قشونی عرض کنم با همان رابطی که آقای مدرس فرمودند البته نمیخواهم از این اظهار خود - داری کنم باینکه اظهار تشکر کرد از وزیر جنگ حالبه که قشون ما را جنگجو تر و سلحشور تر و بهتر از دولاد سابقه نموده است و این یکی از خدمات شایانی است که وزیر جنگ نسبت بقشون ایران نموده اند و بهترین دلائل برای اثبات این مطلب موفقیت هائی است که قشون ما حالا دارد حاصل می نماید من در جاسه گذاشته نمی خواهم اظهار امتنان کنم راجع برفع خاله خراسان ولی فراموش کردم در ضمن این تشکر اظهار امتنان و تقدیر از یک قسمت قشون محلی خراسان می نمایم که در دفع خاله خراسان ابراز نهایت درجه فداکاری را کرده اند و بالاخره بدون اینکه بگذاردند قوای دولتی حرکت کند و بانجا برسد خود آنها بواسطه جمعیت و غیرت و بواسطه اینکه میدانستند خراسان جز لا یتجزای ایران است و همیشه ملحق و ماصق بایران باشد بر ضد ماجراجوها کوشیدند و بوقه خودشان آنها را قلع و قمع کردند و این اقدام از طرف سرکردگان خراسان شایان تقدیر است ولی بنده نهایت متأسف هستم که در صورتی که همان ایل زعفران و همان ایل شاملو که این همه فداکاری و خدمت گذاری کردند اسمی آنها در موز کر اسباب ملعبه میشود همین تشکر را هم از قشونی که مأمور و مشغول دفع کردن غائله کیلان هستند می نمایم یعنی همان لانه زنبوری که شش هفت سال است در تحت تأثیر پول اجنبی اداره میشود و خواسته است این یک قسمت را از مملکت مجزی نماید و اکنون تأثیر سرنیزه های قشون ما دارد بانها سرایت میکند و امیدوارم بزودی کیلان هم یک قسمت مستقل و مصلح بایران یعنی یک قسمت پاک شده و خالی شدن از ماجراجوها بشود

رئیس — آقای اقبال السلطان (اجازه نطق)
اقبال السلطان — آقای مدرس در ضمن بیانات خودشان فرمودند که مستشارانی را که ما در ایران جلب کردیم نتوانستند شاکردانی را برورراندند که بعد از آنها بتوانند قائم مقام آنها باشند بعقیده بنده مستشارانی را که برای ایران آورده اند که بانها مجال داده اند که کار بکنند مستشاران پست و گمرک بوده اند و این مستشاران شاکردان خوب هم برورراندند من جمله آقای میرزا محمد علیخان فرزند هستند که یکی از اجزاء گمرک بوده اند و اکنون هم خزانه دار کل مملکت ایران هستند

سر دار معظم — بیخود
اقبال السلطان — در اداره پست هم اجزائی هستند که میتواند امروزه اداره پست را در کمال خوبی اداره نمایند
رئیس — در ماده دوم مذاکرات را آقایان کافی میدانند (بعضی گفتند کافی است)
رئیس — ماده سوم آقای امین الشریعه اجازه نطق

امین الشریعه — این ماده سوم بعقیده بنده ماده ۱ بود و اصل العیات است و اگر بمرام عمل و اجرا بیاید مملکت ما را صاحب ثروت و انتفاع و علوم تمدن و همه چیز خواهد کرد چون در ضمن کلیات مذاکره شده که باید مواد پرگرام دولت مرام نباشد

بنده عرض میکنم مرام وقتی است که بخواهیم اجراء کنیم والا هیچ امری در پیش نیست مرام نخواهد بود دیگران هم که کردند قبلاً مثل ما بودند خواستند و کردند بلی وقتی لفظی باشد و کرد عمل نکردیم مرام است و لا در پیش هست رجالی هیچ چیز اهمیت ندارد که مرام و آرزو بماند چنانکه نظائرش را در روی کره ارض دیدیم و اگر گفته شود که سایرین و مسائل مثل ما داشتند و ما نداریم نقل کلام بوسیله اصول می شود آنوقت که آنها نداشتند و شروع کردند شاید حالیه خیلی ما هم خیلی از احوال اولیه آنها روشن تر و بهتر باشد پس مرام داشتن حرفی است لغو مگر آنچه را که گفتیم نخواهیم بکنیم آنوقت مرام میشود یعنی نخواهیم بکنیم اگر بخواهیم میشود ولی موضوع این ماده یک موضوعی است که اگر حقیقتاً بجری نباید ما را هر گونه خیالی که در ماده دیگر نوشته اند از قبیل تکنیکر عایدات و تقابیل معارج بی نبات خواهند داشت مقام قدرت و ثروت و استغنائی مملکت را بجائی خواهد رسانید که بتحقق میترانم بگویم که از این عایدات فعلی میتوان صرف نظر نمود در جلب آن کتج های بی منتهاهی که در ذیل این ماده خوابیده از باب علم و بصیرت میدانند که عایدات فعلی بمنزله صافست فقط یک مثل کفایت میکنند و خانه میدهم یک مورد از موارد آن که در زمان ناصر الدین شاه مرحوم واقع شد فقط جنوب بود که امتیاز آنرا دادند با اینکه شاید حفظ منافع ایران در آنوقت کما کان نشده و حالا چه فوایدی دارد و امروزه عایدات مستقیم و غیر مستقیم که بجمع دولت وارد میشود تقریباً چهل کرو است ولیکن این را هم باید ملاحظه کرد که این مالیهاتانی که باین مقدار رسیده از ابتدا چه مقدار افزوده شده و چقدر مملکت را در زحمت انداخته اند که اغلب مردمی که بپادشاه میروند وقتی بیرون میآیند متوجه اند یک قسمت از این عایدات را بپادشاه میآورند این عایدات مکفی بخرج آنها نخواهد بود ولی اسماله در همان موضوع تحت جنوب شنیده ام تقریباً ۱۲ کرو ریاده کرو بایران میرسد این صورت اگر بطور مستقیم فنی که از خارجه جلب میشوند این ماده بطور عام آبیاید و تأسیس شرکت های بیعانه ای و داخلی و خارجی بشود

البته مدارج نجات مملکت را در آنوقت طبی خواهم کرد و بعقیده بنده بر این است که اهم مواد و اهم این ۹ ماده و موجب اجرای جمیع مواد اقدامات در این ماده است و زیاد بر این عرض ندارم
رئیس — دیگر کسی اجازه نطق نخواسته است
 معلوم میشود مذاکرات در این ماده کافی است در ماده چهارم آقای شیخ الاسلام مخالف هستند
شیخ الاسلام — نماینده اصغر خان سیر در پروگرام هیئت معظم دولت در ماده چهارم مرقوم شده است جلب متخصصین از دول غیر مجبور در پروگرام و امروزه فردا سیاست ایران راجع به متخصصین یا مستشار که این دو لفظ بعقیده بنده بالنتیجه در مملکت مایک معنی خواهند داشت فرق میکنند در روز خیال می شد ناقص

است امروز خیال نمیشود و فردا را نمیدانیم دیروز
جلب متخصمین یا مستشار خارجی موجباتی داشت از
یک طرف در تمام کله ها فرو برده بودند که ایرانی
وحشی و سایرین متهم هستند ایرانی جاهل و سایرین
عالم هستند ایرانی غیر امین و سایرین امین هستند
این حرفها را همه میزدند و شاید بسیاری از ایرانی
های متوران فکر هم خیال صحت میکردند از یک طرف
اگر از مد نظر ایرانی می پرسیدند مستشار یا
متخصمین یعنی چه از نود و پنج نفر جواب می شنیدیم
یعنی معلم یعنی راهنما یعنی دست نشانده یعنی مستخدم
یعنی مزدور از طرف دیگر چنان ایرانی از دست
و فشار سوه اداره کنندگان سوه بشک آمده بودند و
خیال میکردند این از ما بهتران باندک فرصتی
ادارات این مملکت را رشک گلشن خواهند نمود و
این موجبات منقضی شد و ملت ساکت شد و وکلا
باشته جلب مستشاران خارجی را بحدود معین تصدیق
نمودند دولت علیه آنها را دعوت نمود امروز این
موجبات از پیش رفته است ایرانی خودش را وحشی
نمیاند طای از بام افتاده و صدای آن تمام عالم را
پر کرد و بنابراین تکنان داد امروز ایرانی نسبت بداده
کردن ادارات مملکت خود خود را جاهل و دیگران
را عالم نمیداند همه دیدیم که این عزیزان با جهت
در اداراتی که دست یافتند چه کردند چه خرج و مرج
ها تولید کردند چه فتنه ها بر پا کردند چه مز و
مستلذهای بی قائمه قطار کردند چه پوهای خرج
کردند چه مبالغ هنگفتی بردند چقدر از جوانان
ایرانی را فاسد الاخلاق کردند میرای ایرانی
به پانزده فران الی پنج تومان قانع بود
این ها به ایرانیها تنفع هزار و پنجهزار و ده هزار
بلکه صد هزار تومان باز دادند و چقدر سال قبل بنده
در تهران بودم بعضی اشخاص که در جریانات اداری
بودند می گفتند اسامی مرانارد بلژیکی مستشار مالی
سی و هزاردان کاغذ مکی برای ادارات مالی مرکز
خریده است امروز بچه های ایرانی هم فهمیده اند
که مستشاران خارجی یعنی مالک الزبانی معانی یعنی
فدالان مایه یعنی دستهای خارجی یعنی آشوب طلبان
بر ضد مملکت بالاخره یعنی کسانی که ریشه استقلال
ما را بکنند دم آب میدهند واسم مارا از صفحه روزگار
برمی اندازند امروز ملت ایران بداده کنندگان سوه
سابق راضی شده منتهای آمل او این است که این دفتر
خرج و مرج و این بساط انحطاط برچیده شود و جانات
اولیه خود برگردد و امروز روح ایرانیت از جلب
مستخدمین خارجی بی زار است بایدیم بی زار باشد
ایرانی مسلمان است در زمان خلافت عمر ابن الخطاب
رضی الله عنه ابوموسی اشعری الی معمر بود یک نفر
نصرانی را در مالیه استخدام نمود جزیه خارجی رسید
در آن زمان پیش خلیفه بوالی
رئیس - آقایان! گریخت نیست قدری تحمل بفرمایید
تا بعضی از آقایان که خارج شده اند حاضر شوند
پس از چند ثانیه بعضی از نمایندگان حاضر شدند
رئیس - بفرمایید
شیخ الاسلام - چهار پنج مراسله رد و بدل
شد خلیفه با ابوموسی نوشت نصرانی را از مالیه مسلمین

خارج کن ابوموسی جواب نوشت این نصرانی اجرت کم
میکرد کار زیاد میکند امین است چه میکند چه میکند
عاقبت خلیفه نوشت مات النصرانی ای ابوموسی دست
از جام بردار من نیکنگذارم نصرانی در مالیه مسلمین
مستخدم باشد فرض کن اشب نصرانی مرد فردا چه
خواهی کرد آنکارا امروز بکن خلاصه اینکه امروز
ایرانی میتواند ادارات کنونی مملکت خود را اداره کند
بشرط آدم برای کار پیدا کردن نه کار برای آدم پیدا کردن نه
اینکه مهندس امر اول ایرانی رئیس سطن سازهای بلدیه
باشد و مدعی العموم استیفاء یک ایالت در یک کافه
دولتی بنویسد امروز اعضای عدلیه گرفت کرده اند
و اعضاء را با طاء (مؤلف) بنویسد ایران ایالتی عالم
دارد نهایت وسائل ممکنه که موجب دخول در ادارات
است درست آنها نیست البته باین آنها را از کنج
آنرا خارج نکرد بکار وادار نمود از وجود
آن ها استفاده نکرد امروز به عقیده
بنده داخل شدن بکنفر ادوایی در ادارات ایران
سم مملکت است جوانها را بفرستند فرنک تحصیل
کنند یا معلم یا اورند جوانها تعلیم بدهند سه سال
پنج سال ده سال طول بکشد برای غریب مدنی زیاد
نیست عریض بنده فعلا یک مؤید قوی دارد سال
گذشته زیر این آسمان احدی باز نیکنکرد که یک جوان
ایرانی پیدا شود بفاصله هفت ماه دوری قشون ایران
را ترفی ببرد که عملیات چهل ساله صاحبان
اروپائی را که ملینها پول از این مملکت بردند و
و نبود کنند امیدوار هستم که تا دو ماه دیگر هم یک
مؤید قوی دیگری هم پیدا نمایم و امیدوارم که حضرت
اشرف آقای مصدق السلطنه هم در یک آنه غیبی
نزدیکی عملیاتی در مالیه بفرمایند که عقلها را حیران
کنند روح مملکت داری و استقلال هم در همین دو
وزارت خانه است در خانه اگر خارج از موضوع نبود
عرض میکردم که ما در مملکت یک فوج نیم خارجه
بدتر از خارجه هم داریم که ارمانه هستند
رئیس - اغلب از فرمایشات جنابعالی خارج
از موضوع بود این قدمت اخیر بیشتر از همه خارج از
موضوع بود
رئیس الوزراء - بنده با اینکه (اسما)
معتمد هستم که در ادارات ایرانی بایستی ایرانی تربیت
شود و کار بکنند ولی با اظهارات جناب شیخ الاسلام
کادلا مخالف هستم و لازم میدانم گفته شود این عقیده
شخصی خودشان است عقیده وکلای محترم مجلس
شورای ام نیست (صحیح است) و باز میگویم که ایشان
بیشتر من از امور مملکت مطلع نیستند و با اینکه
تصدیق دارم که بایستی مستخدمین ادارات ایران
ایرانی باشند ولی برای این موقع استخدام مستخدمین
خارجی را همانطور که مذاکره شد لازم میدانم و
اینها هم هستم که این مذاکراتی که آقای شیخ الاسلام
فرمودند تکرار شود که مانع از اجرای نظریات دولت
نخواهد بود
رئیس - آقای سردار معظم اجازه انطق
سردار معظم - بنده اظهارات خود را شروع

میکنم از هم موافقت یا خاتمه بیان آقای شیخ الاسلام
ایشان یک عبارتی فرمودند نسبت بارانکه که مستخدم
ادارات دولتی ایران هستند ارمانه اتباع ایران که
در خاک ایران هستند هم از نقطه نظر ایرانیت با ما مساوی
هستند و ما میکیم هستیم که هر قدر نسبت بایرانهای
خدمتگذار قدر دانی میکنیم نسبت بارانکه حق شناسی
و حق گذاری کنیم و نظریه نژادی نداشته باشیم و با
فرمایشات آقای شیخ الاسلام راجع به جلب مستشاران
خارجی مخالفم آقای شیخ الاسلام بالاخره چه دلائلی
برای بدی جلب مستخدمین خارجی اقامه فرمودند
بلی نسبت به بدی مستخدمین گذشته من هم معتقدم
آن دقتی صکه لازم بوده است بعمل نیاورده اند و
وظایف خود را نسبت باین مملکت انجام نداده اند و
تا درجه که لازم بوده است هم خود را برای اصلاح
این مملکت مصروف ننمودند ولی باید تصدیق
بفرمایند که بدی اشخاص وظیفه ناشناس نمی تواند
یک اصل ثابتی را متزلزل کند ما امروز
باید باین حقیقت معترف باشیم و این
حقیقت را بیشتر از سایرین بگوئیم که ایرانی باید
زنده گنی خودش را باز کند گانی سایر ممالک دنیا تطبیق
کنند ایرانی از همان اصلاحاتی که در تمام دنیا معمول
است باید استفاده کرده و بفرستد بشود ما که اعتراف
کنیم که از نقطه نظر اطلاعات فنی و ادارات اطلاعات
ما بدتر از خارجی ها آرسیده است قصور ما وارد نیست
زیر این وقت میمورده است که اطلاعات آنها نسبت
به ما ناقص بوده و همان طرز که آنها آنوقت کسب
اطلاعات از ما می نمودند ما هم باید مستخدمین خارجی را
جلب بنماییم منتهی با شرایط معینه نه تنها برای مالیه
بلکه برای تمام ادارات دولتی من آنروز را منتهی خوش
بختی خودمان و سعادت مملکت میدانم که تمام ادارات
ما بدست متخصمین فنی اداره شود منتهی مستثنیاتی هم
دارد که آقای مدرس فرمودند باستانی آنها تمام
ادارات ما باید بدست مستخدمین فنی اصلاح شود لکن
شرایطی دارد شرط اول این است که کلیه مستخدمینی
که ما استخدام می کنیم باید از دول غیر هم جوار باشد
زیرا اگر از دول غیر هم جوار نباشد ممکن است اطلاعات
فنی آنها با نظریات سیاسی مخلوط شود و مستخدمین
وسيله اعمال نفوذ سیاسی بشوند آن مقصودی که ما
در نظر داریم فوت بشود از این نقطه نظر است که همیشه
گفته و باز هم میگویم که برای کلیه ادارات دولتی
مستخدمین خارجی لازم است و مجلس شورای ملی هم
اگر بالاتفاق موافقت نکند در هر صورت یک اکثریت
قریب با اتفاق با این مسئله موافقت خواهند نمود ولی
شرط اول این است که این مستخدم از دول غیر
هم جوار باشند شرط دیگر این است که در انتخاب
مستخدمین بیشتر دقت شود و متاسفانه مجبورم اعتراف
کنم در سابق اشخاصی بودند که لیاقت آن مقام را
نداشتند و شاید علت این باشد که از طرف مأمورین
خودمان با از طرف خود آنها دقت کاملی که باید بشود
نمی شود و آنها با اطلاعات کاملی در مملکت خودشان
نداشتند و البته اینطور اشخاص قادر نخواهند بود که
موفق با اصلاح ادارات ما بشوند این بود نظر بنده نسبت

به مستخدمین و ضمناً به آقای شیخ الاسلام تذکر میدهم
که در همان موقعی که با جلب مستخدمین
خارجی اظهار موافقت می نمایم عرض میکنم در میان
ایرانی ها هم اشخاص کافی و لایق وجود است و البته
وظیفه مجلس شورای ملی و وظیفه دولت است که از این
قبیل اشخاص استفاده کنند زیرا ایرانیها دارای ذوق سلیم
و استعداد کافی می باشند ایرانیها خیلی زود حقایق را درک
می کنند و ممکن است در مدت قلیلی تمام آن معلمین بشوند
همه ها داختر این عناصر لایق ما را استغنی از داشتن
معلمین فنی نمی کند بلکه در همان ضمن که مستخدمین
خارجی را جلب میکنیم باید بکار عده از ایرانیها را هم
برای تحصیل بخارجه بفرستیم این دو مطلب باید با هم
توأم شود تا در یک مدت قلیلی ما از وجود مستخدمین
خارجی مستغنی بشویم و جای آنها را با اشخاص که در
خارج تحصیل کرده اند باید ایران زیر دست معلمین
کسب اطلاع کرده اند و اگر ما بنماییم ولی خودمان یک
نظریات دیگر در باب ماده چهارم داشتیم که مجبورم
بطور اختصار عرض کنم ماده چهارم ساسکی از اصلاحات
مالیه ما است یعنی شش که بیشتر از سایر شعب محتاج با اصلاح
است از این نقطه نظر بنده تصور میکنم ماده چهارم تیری
مبهم باشد نمی گویم که این ماده راهی است دولت تغییر بدیم
ولی میخواهم با توضیحاتی که هیئت دولت بعد از نظریه
دولت مشخص شود اگر مایلین ماده را تجزیه بکنیم می-
بینیم به فقرات ذیل تقسیم میشود
اول - حذف و تقلیل مخارج
دوم - تکثیر عایدات
سوم - تحمل دخل و خرج
چهارم - وصول بقایا
پنجم - اصلاحات ادارات مالیه
ششم - جلب متخصمین از دول غیر هم جوار
بنده تصور میکنم دولت با توجه فقرات مذکور
و قابل یک مقدمه و تأثیر متعاقب تر می موافق باشد یعنی
طوری باید نوشت که بعضی نتیجه دیگری شود یعنی
باید جلب متخصمین بر سایر فقرات مقدم نوشته شود
زیرا تمام آنها باید بدست متخصمین اجرا شود به عقیده
من خارج از مواردی که ذکر شده برای اصلاحات مالیه یک
چیز از همه اهمیتش بیشتر است باید بگوئیم که مالیه ما چرا
خراب است واقفاً عایدات کم است یا مخارج ضروری
زیاد است واقفاً مات ایران زیر بار مالیات دندن نمیرود
مصدقانه باید گفت اینطور نیست نقطه قسمت اعظم خرابی
مالیه ما بواسطه تقریبا شش عایدات است هر دولتی قبل
از همه چیز باید موانع بجاو گیری از تقریبا عایدات
شود بچه وسيله میشود از تقریبا جلو گیری کرد البته
با حسن اداره ممکن است از این تقریبا کارها جلو
گیری نمود ولی یک اقدام دیگری که مقدم است مجازات
تقریبا کننده است آن وقت دولت معتقد به مجازات نباشد
و مایلین کسی که دزدی میکند و کسی که بصحت و زنا
میکند فنی نگذار هیچ قوه بشری قادر نیست مالیه
مملکت را اصلاح کند برای اینکه مالیه منظم شود باید
دست دزدان را از آنجا برید با بطور جسمانی یا بطور
روحانی باید در مالیه مساوی و کتاب باشد باید برآمد و
مالیه را برجا میروید این اصل نزد اومه عز باشد و این یک
کار بولی نیست که با ورا گذار شود او را برای تمدی و

فارتگری نمیفرستند که تمدی باهالی مظلوم ایران
تکثیر واقفاً از عایدات و بردباری ملت ایران متعجبم و
تصور میکنم تکثیر ترین و بر دترین و صبور ترین
ملتها در دنیا ملت ایران باشد پس باید از یک همچو
مأموری که فقط وجه خود را برای تقریبا کردن دارائی
مملکت و مردم قرار میدهد جلو گیری کرد تا وقتی که
جلو گیری نکنند تا وقتی که معتقد به مجازات نباشد ادارات
اصلاح نمیشود بنده بیاناتی که میکنم از نقطه نظر توضیح
مطلب است والا هیچ مخالفت نظری بین بنده و هیئت
محترم دولت نیست و مایلیم بعد از من آقای وزیر مالیه
باین کرسی خطا بیارند و در این مطلب توضیحاتی که
شدند با لحن باشد بنده مسئله دوم که در اینجا ذکر
میشود راجع به متخصمین است و چون مخالفت خود مرا
با آقای شیخ الاسلام عرض کردم دیگر تکرار نمی کنم
فقط دوم برای اصلاح مالیه ایران این است که دولت بدون
فوت وقت عده کافی متخصمین برای اصلاحات ادارات
مرکزی و ولایات از خارج جلب کند و مطمئن می باشد
که از طرف مجلس شورای ملی مساعدت کامل با دولت
خواهد شد در ضمن اصلاح مالیه یک مسئله هم هست که
میخواهم توضیح بدهم اینجا نوشته شده است حذف و
تقلیل مخارج اگر این حذف و تقلیل مخارج از نقطه نظر
کم نبود حقوق باشد بنده مخالفم و معتقد باین مطلب
هستم که با حقوق کم نمیتوان متوقع کار خوب شد بنده
میگویم باید از عده کاست ادارات زیادی را حذف کرد
ولی آن عده که باقی میماند باید آنها حقوق کافی داد زیرا
مستخدم دولتی که زنده گانی او را دولت تأمین میکند حق
نماد از برای از یاد عایدات خود بمنافع دیگر متوسل
شود و توسل بمنافع دیگر متدرجاً در روی این سرا -
زیری لغزان و در تحت تأثیر احتیاج زنده گانی بالاخره
منتهی بتوسل منافع غیر مشروع خواهد شد پس اگر نظر
دولت در حذف و تقلیل مخارج و کم کردن عده و حذف
ادارات زیادی باشد بنده از کسانی هستم که با نهایت
جدیت برای موافقت حاضر هستم ولی اگر نظر دولت تقلیل
حقوق باشد یعنی بگویند که حقوق ادارات را بوضع یک
تومان پنج قران بدهند بنده باین شیق تألی مخالفم زیرا
همین اسباب خواهد شد که عده هم که دزدی نکردند
در تحت تأثیر احتیاجات در این محیط دزد میشوند
و بنده لازم میدانم دولت این مسئله را توضیح بدهد
یک فقره دیگر راجع به تکثیر عایدات است این مسئله
هم یک قدری محتاج به توضیح می باشد آیا بچه وسيله
دولت میخواهد عایدات را زیاد کند من این اصلی را
که در جامعه پیدا شده است که بنام تکثیر عایدات منافع
و مصالح مردم محفوظ نمایند متکرر هستم من میگویم
تکثیر عایدات دولت لازم است ولی محفوظ بودن حقوق
مردم هم لازم است با محفوظ بودن حقوق ملت و تکثیر
عایدات دولت من موافقم ولی باید جلو گیری از
تقریبا کارهای فعلی بنمایم مادام که موفق نشویم
یک بودجه ثابت در مملکت تشکیل بدهیم مادام که
موفق نشویم پولهای که از مردم ایران میگیریم
بمصارف ضروری خودشان برسانیم مادام که مرفق
نشده ایم بواسطه اصلاحات مالیه را از تقریبا کاری
های آن جلو گیری کنیم حق نداریم یک تعدیلات تازه بملت

ایران بگذاریم و این تعدیلات اعم از اینکه وضع
مالیات جدید باشد یا استقرار از خارج با اخذ صلاح
نیست بلی اگر مقصود دولت از تکثیر عایدات
جلو گیری از تقریبا های فعلی است و حذف ادارات
بیقائمه است و جلو گیری از مصارف زیادی است منم
با شما موافق خواهم بود بنده میتوانم بگویم که در
این موضوع مترجم احساسات جمیع نمایندگان هستم
ولی اگر مقصود از تکثیر عایدات توسل باستقرار
های خارج و وضع مالیات جدید باشد خواهم گفت که
ما اصلاً مایل نیستیم باری نازم بدوش ملت ایران
بگذاریم (گفته شد صحیح است) خوب است بیائیم دست
بست بکنیم بگر بدهیم دست دزدان را کوتاه کنیم از
غارت گر بجاو گیری بکنیم عواید فعلیه راجع آوردی
کنیم و مطالبات دولت را وصول کنیم مخارج زیاد را
حذف کنیم و بعد هم سبی کنیم بدون توسل بمنافع
خارجی زنده گانی کنیم و خودمان را بفضیفه و سختی
نیاوردیم زیرا ما یک دولت فقیری هستیم و نمی توانیم
مثل سایر دول آن فتنه ها را بکنیم ملت ایران پول
نقش نمیتواند بدهد یا باید فعلاً مثل یک شخصی باشیم
که بآن چنین خود امورات خودش را میکند و دست
و دست تکنی دراز نمی کند یا باید این عزم داشته
باشیم و پس از اینکه این قدم ها را برداشته ایم اگر دیدیم
منافع و عایدات ما کافی نیست آنوقت مجلس شورای ملی
حاضر خواهد بود با تمام اصلاحات تعدیلات تازه بدوش
ملت ایران بگذارد اگر غیر از این زمینه دولت رفتار
کند آنوقت متاسفانه متعجب به اختلاف نظر بین مجلس
شورای ملی و دولت خواهد شد
رئیس - مدتی از شب میگذرد اگر آقایان
موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای روز
سه شنبه
عذر می - بنده چند کلمه میخواهم عرض کنم
که ناقض مدین مذاکرات است
رئیس - روز سه شنبه بفرمایید آقایان مذاکرات
را کافی میدانند جمعی گفتند کافی است
رئیس - آقای حاجی میرزا مرتضی نمایند
کرمان راجع باوضاع کرمان سئوالی داوید قبل از
داخله را مسبوق کردند باخیر
حاج میرزا مرتضی - خیر
رئیس - پس سئوال کنید اگر حاضر باشند جواب
میدهند و الا میماند برای جلسه دیگر
حاج میرزا مرتضی - تعدیلات فوق العاده
روز افزون سردار اسعد مرا مجبور کرده است که
بعضی سئالات از دولت بکنم آیا هیئت محترم دولت
از تعاوزات و تعدیلات نامشروع سردار اسعد بختیاری
مسبوق هستند یا خیر آیا از غارت گریهای او خبر دارند
که در دهات و اطاف کرمان چه میکنند آیا پولهای
هنگفتی که بنام حق الحکومه و بنام راه داری و بنام
رخوه از مردم میگیرند مسبوق هستند یا خیر عرض
میکنم مرا میسر شده الی چهارده هزار تومان بعنوان
قرا سوردانی و سوار ایالتی میگیرند در حالتی که تمام
طریق و شوارع کرمان دستخوش اشرار و سارقین فارس
است و هیچ قافله جرات عبور و مرور ندارد ممالک
میت دولت باز دو هزار تومان بر حقوق ایالتی

کرمان، باغی که باینکه همه روزه تلگرافهای شکایتی که از رفسنجان و سایر نقاط میسر آید، دولت این حاکم نظام جبار را از آنجا معزول میفرماید. آباوضع حکومت بختیاری بر آقاییان پوشیده است که چه میکنند بختیارها در هر کجا باشند تمیذات آنها چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد ممکن است هیئت محترم دولت این حکومت بختیاری را تغییر دهد و یک حکومت غیر بختیاری به آنجا بفرستد کرمانها از هر حرا ملایم تر هستند هر چه دولت به آنها تعین کند میپذیرند پس خوب است هیئت محترم دولت یک حاکم غیر بختیاری برای آنها بفرستد و اگر هم به تقسیم باید به بختیاری حکومت بدهند خوب است به سایر قسمتهای دیگر هم بفرستد یعنی چند سال که در کرمان حکومت دارند یک چند سال هم سایر نقاط دیگر بفرستد تا از این فائده که به کرمانها میسرست ببارین هم برسد از هیئت محترم دولت استدعا میکنم رفع نظام این حاکم بختیاری را از کرمان نمایند که بیش از این گرفتار تمیذات سردار احمد بختیاری نباشند.

رئیس - سوال این بود باید سوال بکنند منتظر جواب باشند.

حاج میرزا مهر قاضی - اولاً یواهای را که حکومت باسم حق الحکومه میگرد خاظر مبارک مسوق است یا غیر.

رئیس - عرض کردم بموجب نظامنامه از حدود سوال خارج شد سوال که کردید باید منتظر جواب باشید یا حالا جواب بدهم با جلسه دیگر.

رئیس الوزرا - من از هیچک از اظهاراتی که ایشان اظهار نمودند مسوق نیستم و سردار احمد را هم یکی از حکام صالح میدانم و تا حال هم هیچ شکایتی از او نرسیده بهتر این بود که اگر دلائلی راجع به مسائل اظهار کردند دارند بگویند مواد شکایات خود را بنویسند تا رسیدگی شود والا تا این ساعت من شکایتی از سردار احمد نشنیده ام.

رئیس - آقای رفعت الدوله میفرماید که راجع بایشان رای گرفته می شد و بعضی از آقاییان مطلع نبودند که مقصود بنده چه چیز است و تقاضا کردند دوباره رای گرفته شود حالا برای رفع اشتباه دفعه دیگر رای بگیریم.

حاج شیخ اسدالله - بفاصله نیم ساعت مجلس رای داده بطوریکه رای گرفت اگر آقاییان شیر داشتند بطوریکه دادند همه مسوق بودند و رای دادند اگر بنا شود باز رای بدهند بنده برخلاف نظام نامه میدانم.

رئیس - چون بعضی از آقاییان نمایندگان هم بایشان گفته اند اشتباه شده است میباید برای جلسه دیگر.

آقای زارعی کازرونی - بلی برای بعضی اشتباه شده است.

مجلس نمایندگان - اگر اشتباه شده باشد مجلس هم تصدیق کند باورقه باید رای بگیریم.

رئیس - میباید برای جلسه بعد آقاییان اعضاء کمیسیون خارجه و ست تلگراف قبل از آنکه بمنزل

خود تشریف ببرند جلسه تشکیل دهند و هیئت هیئت خودشانرا معین فرمایند و جلسه بعدرا هم معین فرمایند که فوریت دارد دستور جلسه سه شنبه دوساعت بغروب اولاً بقیه مذاکرات دربرگرم هیئت محترم دولت تا نوبت تعیین اعضاء کمیسیون های قوانین مالیه و عدلیه کمیسیون قوانین مالیه دوازده نفر کمیسیون عدلیه هشت نفر تا نوبت تعیین یک نفر مباشر باین ترتیب مصافقتی نیست (مصافقتی شد).

(مجلس ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۱

صورت مشروح مجلس یوم سه

شنبه بیست و پنجم میزان سنه

۱۳۰۰ مطابق شانزدهم صفر

سنه ۱۳۴۰

مجلس مقارن غروب و نعت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

صورت مجلس یوم شنبه ۲۳ میزان آقای ندین قرائت نمودند.

رئیس - آقای مدرس (اجازه نطق)

مدرس - چون در وقت قرائت صورت مجلس

آقای مشیرالدوله تشریف فرما شده اند بنده عرض می کنم که آقای مشیرالدوله در موقعی فرمودند بماده اول همین قسمی که در پروگرام دولت نوشته شده رای

گرفته شد یک شرحی بیان فرمودند و بایشان این بود که مذاکرات مجلس در مواد پروگرام حقیقتاً شدن

شرح ماده اول من هیئت دولت نظریات و کلام را بدست آوردند دیگر بقیه آن لازم نیست باین خصوصیات فرمودند بماده اول رای گرفته شود در صورت مجلس این مسئله ذکر شده است.

رئیس - بسیار خوب همین مسئله در ذیل صورت مجلس اضافه می شود غیر از این دیگر عرض نیست.

(اظهاری نشد)

صورت مجلس باین اصلاح تصویب می شود - دستور امروز اولاً بقیه مذاکرات در پروگرام هیئت محترم دولت

ثانیاً - انتخاب اعضاء کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون عدلیه

ثالثاً انتخاب یک نفر مباشر ولی یک مسئله دیگر که خیلی فوریت دارد وقت آقاییان را زیاده مشغول

نخواهد کرد راپورتی است که در کمیسیون بودجه راجع بهماجرین گیلان رسیده و طبع و توزیع شده است اگر آقاییان مخالف نباشند جزء دستور بشود (گفتند - صحیح است)

آقای سردار معظم خراسانی (اجازه نطق)

سردار معظم - بنده مقصود همین ترمایشات حضرتعالی بود که میخواستم یاد آوری کنم راپورت کمیسیون بودجه جزء دستور امروز گذاشته شود چون مهاجرین گیلانی خیلی مستأصل و پریشان هستند.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - راجع بانتهاب یک نفر مباشر تصور میکنم که دیگر محل حاجت نباشد

رئیس - در موقع انتخاب بفرمایند حالا موقوف نیست.

حاج شیخ اسدالله - چون جزء دستور فرمودید عرض کردم.

رئیس - هنوز باین موضوع نرسیده ام راپورت کمیسیون طبع و توزیع شده است و نزد آقاییان هست قرائت میشود و رای بگیریم.

آقای ندین ماده واحده را که از طرف کمیسیون بودجه پیشنهاد شده بود بمضمون ذیل قرائت نمودند.

کمیسیون بودجه در مراسله ۱۰۱۷۸ ریاست محترم وزراء معظم راجع بدخواست پانزده هزار

ریال خرج مسافرت آقاییان مهاجرین گیلان تحت بحث درآورده ماده ذیل رایشهاد می نماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید که برای معاونت باطمان خود از طرف دولت مبلغ

۱۰ هزار تومان قرض بآقاییان مهاجرین گیلانی با مراعات شرایط تصویبنامه ۸۹۰۷ مورخه ۲۸ محرم

بیجی ذیل در شرایط ذیل تأدیہ گردد.

۱- اخذ ضمانت معتبر

ب - موعد پرداخت این قرض یکسال از تاریخ استقرار حکومت در رشت با قسط هشته متساویه در طرف ماده است.

ت - تقسیم این وجه بین آقاییان مهاجرین گیلان با اطلاع یک هیئت خواهد بود که جزو مهاجرین از بین خود انتخاب خواهند نمود.

سردار معظم - فقط یک عبارت گذر کمیسیون تصویب شده و در راپورت از قلم افتاده و باید ضمیمه شود اینست که مجلس شورای ملی تصویب مینماید برای

معاونت مهاجرین گیلان باطمان خودشان مبلغ ۱۰ هزار تومان بعنوان قرض بآنها داده شود.

رئیس - آقای فہیم الملك مخالفید؟

فہیم الملك - اگر ممکن است تصویب نامه را قرائت بفرمایند.

رئیس - خطاب به آقای سردار معظم تصویبنامه اگر حاضر است قرائت بفرمایند والا مفادش را بفرمایند.

سردار معظم مفادش در واقع این است که یکصدی راجع بمطلب آن راجع بضمانت های لازم و تأدیہ اقساط و بالاخره مسائلی که در استقراض وجه لازم میشود والا مطلب دیگری ندارد.

رئیس - آقای فہیم الملك (اجازه)

فہیم الملك - چون سابق راجع به تصویبنامه شرحی شنیده میشد که یک مبلغ معین تصویب کرده بودند کدریک مدت معین بآقاییان گیلانیها بعنوان

استقراض داده شود حالا میخواستم ببینم که این وجه ۱۰ هزار تومان از آن مبلغ است یا علاوه بر آن مبلغ

است یکی دیگر هم راجع بشرایط تصویب نامه بوده که می خواهم بموال کنم شرایط تصویبنامه را که

ضمناً در اینجا ذکر کرده اند آیا آن شرایط رعایت میشود یا فقط شرایطی که در اینجا ذکر کرده اند که

برای تأدیہ اقساط و مدت تأدیہ است.

سردار معظم - اقساط و مدت تأدیہ آنچه که در تصویبنامه بیان شده همان است که در راپورت ذکر شده و اگر شرایط قرضه دیگر هم در آن تصویب نامه هست که در راپورت ذکر نشده همین جهت در راپورت کمیسیون اشاره به شرایط تصویب نامه شده که آن شرایط معرظ باشد.

رئیس - آقای سدید الملك موافقید یا مخالف؟

سدید الملك يك عرض داشتم راجع بر راپورت میخواستم عرض کنم که.

رئیس - موافقید یا مخالف؟

سدید الملك - موافقم

رئیس - پس بعد از يك مخالف بفرمایند آقای حاج شیخ اسدالله موافقید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی موافقم

رئیس - آقای مستشار السلطنه موافقید؟

مستشار السلطنه - بنده مخالف بودم با ایرادی که آقای فہیم الملك فرمودند.

رئیس - پس موافقید؟

مستشار السلطنه - بلی موافقم

رئیس - آقای سدید الملك (اجازه نطق)

سدید الملك - بنده میخواستم عرض کنم که این وجه بچه اشخاصی داده میشود و علاوه بر این آقای

سردار معظم فرمودند بعنوان معاونت بمهاجرین داده میشود باید دولت در نظر داشته باشد که اگر معاونت نکردند چه خواهند کرد آیا یک نظر باین در این موضوع

انتظار میکنند که آنها باطمان خودشان مراجعه کنند یا غیر؟

رئیس - آقای وزیر مالیه تشریف دارند جواب می دهند.

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم که باید این پول را در موفقی که میخواهند حرکت کنند بآنها

بدهند تا مطمئن شد که میروند.

سردار معظم - بنده برای اینکه مطلب روشن و واضح بشود مجبورم این مراسله که از طرف

دولت نوشته شده بخوانم تا مطلب واضح شود (مراسله آقای رئیس الوزرا را)

که در این موضوع نوشته شده بود بمضمون زیر قرائت نمودند.

ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی دام بقائه پس از انقلاب گیلان و متواری شدن اهالی و مهاجرت آنها بطهران علاوه بر اینکه از جوه اعانه ادارات

مرکزی و ولایات نسبت ببقای مهاجرین از هر گونه مساعدت دریغ نشد چون متواین و ملاکین آن جا

بواسطه دوری از علاقه و تقریب دارائی در طهران با حالت اسفاکی زیست می نمودند در کابینه آقای

سیدار اعظم بر حسب تصویبنامه مورخه ۲۸ محرم بیجی ذیل که مواد آن بنمبر ۱ تقدیم می شود تصویب نمودند که از وزارت مالیه تا مدت ششماه ماهی سی

هزار تومان بعنوان قرض مطابق صورتیکه در هیئت وزراء معظم تصویب و بوزارت مالیه ابلاغ شده با افراد مهاجرین پرداخته بشود با تضمینات لازم که وزارت مالیه ترتیب آن را خواهد داد از آنها دریافت دارند که از قرار صدی دوازده فرع علاوه بدهند و موعد

پرداخت وجه استقراض یکسال پس از رفع غائله گیلان با قسط سه در اول هر ماهی باشد وزارت مالیه برای تضمین استقراض ملاکین رفته ضمانت نامه از معتبرین و متواین گیلان ترتیب داده و معادل دوست و هشتاد هزار تومان استقراض دولت را ضمانت نموده اند که بشرح تصویب نامه در موعد خود هر کدام بهر مبلغی که ضمانت وجهی را نموده ملتزم بادای آن باشند در مقابل این تصویب نامه وضمانت تقریباً ماهی سی هزار تومان در چهارماه قوس و جدی دولتی تمام در حوت بیجی ذیل فستی از سی هزار تومان با اهالی قرض خواه گیلان پرداخته شده - در کابینه سابق نیز بموجب تصویب نامه ۱۴۰۴ مورخه ۲۰ حمل ۱۳۰۰ که سواد آن بنمبر ۲ ضمیمه است برای رعایت ملاکین فوق الذکر مبلغ شصت هزار تومان تصویب شد که از بانک شاهنشاهی استقراض بمهاجرین گیلانی داده شده و در عوض املاک آنها رهن گرفته شود که در انتضای مدت اگر دین خود را نپرداختند املاک آن ها ضبط شود در اجرای این تصویب نامه بواسطه حاضر نشدن بانک بادای تمام وجه استقراض فقط پانزده هزار و چهار صد تومان در برج ثور بشرایطی که در تصویب نامه ذکر شده بوده پرداخته شد و بقیه تأدیہ نگریه برای اینکه مشارالیهم بتوانند باطمان خود مراجعت کنند اخیراً در برج سرطان بوزارت با مالیه اجازه داده شود که پانزده هزار تومان دیگر بشرایط تصویب نامه ۱۴۰۴ علاوه بر قرضهای سابق در مقابل این املاک آنها ملاکین مشارالیهم پرداخته شود - نظر باینکه هنوز قسمتی از حضرات علماء و ملاکین گیلان نتوانسته اند باطمان خود معاودت نمایند و قادر بر خرج مسافرت نیستند و علاوه اقامت آنها در مرکز بانداختن وسایل اهاشه جز زحمت و مشقت برای خودشان و بالتبعیجه برای دولت نتیجه ندارد.

دولت مقتضی میدانند پانزده هزار تومان دیگر بشرایط فوق بآقاییان قرض داده شود مراتب را

اطلافاً اشعار داشت که در صورت تصویب مجلس مقدس شورای ملی قرار پرداخت آن داده شود این قسمت اخیر همان پانزده هزار تومان است که از

طرف دولت تقاضا شده به گیلانیها داده شود و تصور میکنم که مطلب پس از قرائت مراسله آقای رئیس -

الوزرا روشن شد در کابینه سیدار قرار گذارده بودند که ماهی سی هزار تومان بعنوان قرض در مقابل وثائقی که از ملاکین رشت دریافت میشود بمهاجرین

داده شود حالا طرز تقسیم این سی هزار تومان خوب بود و باید بود و آیا و انفاً با شخص مستحق داده شده است یا نه از موضوع کلام ما خارج است سه ماه تمام

این پول تأدیہ شده در ماه چهارم گویا پانزده هزار تومان تأدیہ شده که بالاخره در این چهار ماه چندین

هزار تومان تأدیہ شده پس از سقوط کابینه سیدار و استقرار حکومت سیدضیاء بازم مهاجرین گیلانی که

پریشان بودند متوسل بدولت شدند و نصف مبلغی که در کابینه سیدار تصویب شده بود تصویب شد یعنی

قرارداد چهارماه مرماه پانزده هزار تومان بآنها پرداخته شود باز با همان شرایطی که قبلاً شده بود و قبوضاتی

وزارت مالیه تهیه کرده بود که در مقابل وجهی که مهاجرین

گیلانی میگیرند املاک آنها و بالاخره دارائی آنها در مقابل آن وجوه پس از انقضای مدت و عدم پرداخت ضبط شود پس از سقوط کابینه سیدضیاء بازم البتة مهاجرین گیلانی که در طهران بودند و بواسطه اوضاع رشت هیچ نوع دست رسی بمطالعات خود و املاک خود نداشتند و نمیتوانستند امرار معیشت در طهران

بشایند وزن گانی خود را تأمین نمایند خصوصاً با کسادى بازار تجارت و با بی پولی عمومی بازم متوسل بدولت شدند از طرف دولت هم پیشنهاد شده پانزده

هزار تومان بعنوان قرض به گیلانیها داده شود حالا اسم آن پول را هر چه بخواهد بگذارید خرج سفر یا خرج معاودت ولى حقیقت امر این است مادام که دولت موفق بر رفع غائله گیلان نشود مادام که دولت امنیت کامل گیلان را مستقر ننماید مادامیکه دولت دست اشرار

را از سر این اشخاص صلح و سلامت طلب کوتاه نکند گیلانیها قهرانی میتوانند باطمان خود مراجعت نمایند (صحیح است)

چون این قسمت اهالی بدیست مملکت بواسطه میل خودشان باینجا نمانده اند بلکه وقایع و حوادث دست آنها را از خانه و زندگانی خودشان کوتاه کرده است و البتة مملکت هستیم که دست برداری

را بطرف آنها دراز کنیم (صحیح است)

و از آنها نگاهداری نمائیم بالاخره زندگانی آنها را تأمین نمائیم البتة در میان گیلانیها اشخاصی هستند که شاید از سی هزار تومان سابق استفاده

نمیکردند در صورتیکه هیچ نوع استعاقی نداشتند لهذا تصور میکنم از نقطه نظر تقسیم جوه هم باید نهایت موافقت بشود بالاخره این پول باید بآن گیلانی

هاشی داده شود که اعتبار دارند ولى دسترسى از تهران بمطالعات خودشان ندارند و مستقیماً باید بآنها کمک کرد که لااقل زندگانی ساده آنها تأمین شود و

مجلس شورای ملی باید بآنها رعایت کند و باینکه خود گیلانیها يك صورتی تهیه کرده بودند ولى مراجعه بآنصورت رادر کمیسیون لازم ندیدیم و مطابق پیشنهاد دولت اساس پانزده هزارتون را تصویب کردیم برای

اینکه در تقسیم اینوجه ابدال غرض نشود و مثل سابق يك قسمت از این وجه باشخاصی که هیچ نوع استعاقی دریافت آنرا ندارند نرسد و ملاحظه کردیم که خود

مهاجرین گیلانی از درجه استعاقی همدیگر بهتر مطلع هستند لهذا چنین قرار شد که مهاجرین يك هیئتی از میان خود انتخاب نمایند تا پس از آنکه تأدیہ این مبلغ تصویب شد آن هیئت این وجه را در بین خود تقسیم نمایند باین ملاحظه است که ماه واحد از طرف کمیسیون بودجه تصویب شد اگر چه با موافقتی که

در دولتی حاصل کرده است با فتوحات و ورود قشون دولتی برشت امید می رود که مهاجرین گیلانی محتاج بدخواست مجدد نشوند و مراجعت باطمان خودشان موفق بشوند چون عرض کردم مهاجرین گیلان از دوری میل و رغبت در طهران نمانده اند و در حقیقت از ماندن خودشان در طهران منزعج هستند و هیچ آرزوی ندارند جز اینکه وسائل مراجعت باطمانشان فراهم آید و هر چه زودتر معاودت کنند زیرا همین اشخاصی که آنجا

کسر مالیات های خودشان بکنند و استنکاف از دادن مینمایند باید آنها را رفع کنند و اهمیت می دهند البته باین ترتیب ما باین اندازه کسر بودجه نخواهیم داشت و آتوق این حال قزو فلاکت که تصور میشود از بین خواهد رفت و اینکه در در مضیقه نخواهم بود اصل مقصود بطوریکه آقای سردار معظم اشاره فرمودند تقریظ است ولی جلوگیری از تقریظ منحصر بهمان مجازات نیست یک قسمت آن مربوط به بودن مجازات است و یک قسمت عدم آن این است که حساب در کار نیست البته اگر دولت بخواهد از هر مؤدی مالیاتی بدهی مسلم او را بگیرد و در هرگز ادا زات ثابت و معینی تشکیل بدهد البته او هم باید مطمئن باشد که آنچه بدولت میدهد در تحت یک دستور عمومی میدهد نه اینکه یک اشخاصی برای اعمال نفوذ وادار بودن مقام عالی از دادن مالیات استنکاف مینمایند و بیچارگان دیگر بار آنها را بدوش می گیرند و باید همه دار مالیات آنها هم بشوند مسئله دیگر برادرین ماده پیشنهاد کرد و آن خیلی اهمیت دارد همان مسئله تعدیل است ولی این مسئله هم یک اشکال دیگری دارد چون مالیات ارضی و مالیات متعین باید در مملکت باید از روی یک اساس معینی باشد که هم زحمت دولت و هم زحمت مالیات دهندگان و هم زحمت مأمورین کم بشود مثلاً مالیات ها در بعضی جاهاء عشر در بعضی است در بعضی جاهاء عشر از کل است در بعضی جاهاء عشر از ثلث است در هر جای که شکل است مسئله دیگری که بیشتر اسباب زحمت است مالیات خالصات انتقالی است که یک قسمت عمده مالیات دیوانی است که آنها هم جمع دیوانی سابق را باید بدهند و هم مالیات و هر کدام یک توقعات بیجائی دارند زیرا در آن عصر که آنها مالیات میدادند یک مساعدتهائی برای آنها منظور میشده است که امروز ممکن نیست مثلاً قبول داشته اند شخصیت داشته اند و امروز الحق نمی توانند بدهند

از ابتدای تغییر هر کابینه صنعتا روزنامه پر بشود که آقای وزیری برای وصول بقایا تلگرافات فرستاد و چنین و چنان کردند ولی وقتی که آقای وزیر موزول بشوند می بینیم بکنه دار ارقام دیگر هم بر بقایای سابق زورده میشود و هیچ نتیجه از آنها گرفته نمیشود زیرا دولت اساس وصول مالیاتش بر هیچ پایه گذاشته نشده بعضی مراحل صورت جدید و در مراحل دیگر صورت قدیم دارد پس باید برای وصول بقایای تعصیمی بگیرند که نقل شن از دفاتر سال گذشته بحال دیگر قوف بشود یک قسمت از بقایا را مؤدبان مالیاتی بلا استنکاف می نمایند بواسطه دواوی که دارند و با مض بغاراج تراشیده اند و مالیات نپایه اند و این بغایا همه سال بعنوان اینکه حساب مالیات سال گذشته ما ختم نشده است مالیات این سال را هم نمیدهند بالاخره دولت باید با آنها کار را تمام کند و تکلیف آنها را از احلالا بعد معین کنند بملأوه یکمده املاکی که جدید التأسس است ولی در تحت دیوانی نیست یکمده املاکی هست که خراب شده و آنها همان بات سابق را می دهند پس مسئله که اهمیت دارد و آن متمیزی است و وزارت مالیه باید یک همچو و نی را تهیه کرده زودتر بمجلس بدهند تا بتوان

و مالیات ثابت قانونی معین شود و برای مأمورین هم وصول آن اشکالی نداشته باشد تا مادامیکه مالیات در يك اصل ثابت معینی نیست البته اداره کردن آن مشکل است و شخص وزیر مالیه ملك كه بتواند تمام جاهای احاطه داشته باشد البته باید قانون نوشته شود زیرا با هر مودی باید طرز مخصوص میشود مذاکره کرد و باید يك اساسی معین درین باشد و همچنین قانون دیگری که در ضمن لازم است قانون اصول مالیات است و برای آن هیچ اصلی فعلا در کار نیست باید اساسی باشد که مأموران مالیات تکلیف خود را دانسته و در مورد معینه مالیات خود را بپردازند و اگر نپرداختند بداند چهار سخته خواهند شد آنوقت است که ارقام بقایا کم خواهند شد بنابراین چیزی که بنظر بنده میرسد برای اصلاحات مالیه باید مقتضیات ملک را در نظر گرفت و صرف نظر از نظامنامه های اروپایی یا جای دیگر نموده بنده رعایت حال اشخاص را منکر نیست ولی نه تشکیل ادارات را برای رعایت حال آنها خراب کرد.

ثانیاً تدوین اصولی که جلوگیری از حیف و میل و تفرق مالیه دولت بکند و طوری ثابت باشد که هیچ وزیری قادر به جرح نشدی آن نشود قانون وزارت مالیه را بنده دیده ام مواد آن باید خوب در مراحل قانونی است از مجلس گذشته بعضی از مواد آن در آنوقتیکه بنده کار میکردم ناقص و اسباب زحمت بوده و از وزیر مالیه خواهش کردم کمیسیون تشکیل دادند از جمله آقای سردارمضمون و آقای طباطبائی و بعضی آقایان دیگر که سابق در کمیسیون قوانین مالیه عضویت داشته تقریباً شش هفت ماه وقت خودشان را صرف کردند و قوانینی وضع کردند قانون که تمام شوزیر هم امضاء کرد ولی اول کسیکه امضاء آن مخالفت کرده همان وزیر امضاء کننده بود با این اصل البته قانون هیچوقت دوام پیدا نمیکند و نخواهد گذاشت عکار اداره بشود باید هیچ وزیری قادر به تغییر قانون نباشد و اگر تغییر لازم باشد همان مقام تصویب کنند و باید آنرا تغییر بدهد نه اینکه عملاً وزراء وقت تغییر دهند.

بعد از این دو فقره چیزی که لازم است مسئله کنترل در خرج است مخارج ما امروزه تابع هیچ کنترل نیست یعنی خزانه دار وقت مطابق تشکیلات جدید پول در اختیار او است و هر خرجی را بخواهد بکند میکند درست است که تصویب ریاست وزراء و وزارت مالیه باید برسد اما بنده میپرسم که اگر خزانه دار خودش پول را صرف کرد بجه وسیله از او خواهند گرفت.

بنده خوشوقت خواهم بود بلکه استدعا میکنم بحساب خزانه از مال یونسفیل که بنده داخل شدم تا امسال رسیدگی بکنند تا معلوم شود خزانه دار ها یکی از آنها بنده هستم چه کرده اند و بخارجی که خزانه داران وقت بدون تصویب هیچکس حتی رئیس الوزراء و وزیر مالیه کرده اند چه بوده البته وقتی پول دولت اینطور آزادانه بدست يك اشخاصی باشد از این صورتهای خالی بدتر خواهد شد باید پول در خزانه باشد ولی بخارج باید بتصویب هیئت دولت باشد بدون

اینکه خزانه دار مداخله در خرج داشته باشد کسی که پول نزد او است حق خرج کردن نباید داشته باشد و باید اصولی اتخاذ کرد که کاملاً در تحت نظارت باشد زیرا واقفاً اضافه خرج فقط منحصر باین نیست که بگوئیم چند نفر اجزاء وزارتخانه ها زیادند و یا حقوق آنها زیاد است غیر از آنها مخارج دیگری هم هست مثلاً يك اعتباری را که مجلس یا دولت برای فلان اداره تصویب میکند (فرضاً پنجاه هزار تومان) بدیعی است این مبلغ که تصویب شده تضمینی است همینکه گفته شد این پول تصویب شده فوراً آن اداره تا دینار آخرش را دریافت میدارد از کجا معلومست که همه آن اعتبار مصرف شده ممکن است اصلاً خرج نشده یا آنکه يك مقداری از آن به مصرف رسیده باشد از این قبیل مخارج در تمام ادارات جاری است که هیچکدام موقع ندارد پارسل و پیرارسال برای سوار های حکومتی و غیره و غیره پولهای گرفته اند که صورتهایش را بنده داشتم و یکی می اساس بود خیلی اعتبارات بود که برای بعد تصویب میشد ولی همان موقعی که تصویب میشد فوراً دریافت نمیشد اینها پولهای است که جمعاً ضررش را دولت میکند و برای مخارج آنها هم کنترل نیست باید دانست که معنی تصویب کردن اعتبار آن نیست که معادل آن وجه حتماً از خزانه دولت خارج شود.

بعد از این چند مسئله اساسی آنوقت می رسم به مأمورین که از طرف دولت انتخاب میشوند باید از هر جهت تأمین شوند از حیث معاش از حیث کار و از حیث خدمتشان باید بدانند که در موقع خدمت از طرف دولت نسبت بآنها همه نوع مرحت خواهد شد و در موقع خبط و خطا البته مجازات خواهند شد ان مسئله است که يك قسمت همه اصلاحات مالیه را ضمانت میکند.

دادن مالیه دولت بدست مأمورینی که هیچ چیز خودشان یقین ندارند نمیدانند تا یکساعت دیگر به سفارش و توصیه چه اشخاص و مقاماتی ممکن است از کارشان خارج شوند و در موقعی هم که سر خدمت هستند شاید حقوق کافی ندارند البته صحت عمل از آنها توقع بی موقعی است همانطور که آقای سردار معظم فرمودند باید همه را که زیاد هستند حذف نمود و عده ای را که نگاه میدارند به آن ها حقوق کافی داد.

مراض دیگری هم در این موضوع دارم که در موقع بحث در قانون استخدام عرض خواهم نمود مطلب دیگر که اینجا مذاکره شد راجع بتخصیصین خارجی بود بنده هم کاملاً موافقم که بدون داشتن متخصصین و مملکت خارجی اصلاح مالیه یا دواثر دیگر ممکن نیست - لیکن بنا بر این هم که تا بحال بوده بنده مخالفم زیرا رویه که تا بحال نسبت به مستخدمین خارجی داشتیم همیشه افراط و تفریط بوده است یکوقت به آنها بقدری اهمیت داده و آنها را بالا میبردیم که حتی هیئت دولت هم در مقابل آنها مستهک بود و یکوقت بقدری باین می آوردیم که هیچ کاری نمیتوانستند بکنند - همینطور وزراء و اولیا دولت هم یکوقت بآنها آنقدر اهمیت میدادند که مرهوب

ضررش بیشتر از منفعت است برای اینکه کار خودشان را کنار می گذارند و داخل بعضی مسائل حزبی و سیاسی میشوند اولاً باید مدت کثرت آنهارا ۳ سال تا ۵ سال بنحیث قرار دهند و تجدید هم نشود دوم شرط انتخاب آنها این است که خود آنها و اگر گذار نکنند که یکی از رفقای خودشان را بجای خود تعیین کنند هر وقت مستشار از بزرگ میخواهند چون بنده در وزارت مالیه بزرگ بودم می دیدم که دولت بزرگ چندین مسئله اهمیت میداد اول از سفارت ایران تحقیق می کردند برای چه کاری میخواهند بعد در روزنامه اعلان می کردند که در این روز فلان حکم مستشار خواسته اند اشخاصی که داوطلب هستند خودشان را معرفی کنند اشخاص هم که خود را معرفی میکردند وزارت مالیه بزرگ در آنها یکی یکی مطالعات و تحقیقات می کردند که کدام يك از آنها لایق هستند که بفرستند ولی اینجا به عکس و بالاخره رفته رفته معمول شده بود که رئیس بزرگ هر کس بود در اینجا از زودی خود معرفی میکرد و میگفت کثرت است بدین اینکه وزارت مالیه بزرگ اطلاع داده شود البته اگر مالیک مستشارهایی از اروپا بخوایم باید بعادت ایران که در آن دولت است رجوع کنیم و هم با ادارات مربوطه داخل مذاکره شده و يك یا چند مستخدم صحیح العمل که قابل باشند و دولشان مسئولیت صحت عمل آنها را حمایت کرده باشد کثرت کند.

مسئله دیگری که در این موقع لازم است عرض کنم اگر خاطر آقایان باشد در دوره اول مشروطیت بنده يك لایحه مفعولی در این باب نوشته ام بعد از آن هم تکرار کرده حالا هم عرض میکنم که دولت باید سعی کند که مستشار از داخله هم تربیت کند عوض اینکه از خارج بیاورد بنده هم از داخله بخارج بفرستد چون تا بحال معمول بوده است که شاگرد برای تحصیل بخارج بفرستاد ولی بنده عرض می کنم خوب است از اجزاء وزارتخانه ها و ادارات و اشخاصیکه لایق باشند و زبان خارجه هم بلدند بهر يك از وزارتخانه های خارجه بفرستند بنده بعد از آنکه این پیشنهاد را کردم وقایع نگذاشت تعجب بشود خود اینکار را کرده ام و مالیه خود بخارج فرستد و داخل اداره مالیه شده و آنجا بدست گیری از چندین وزیر بود در آن ادارات مثلاً اجرائی کار میکنند نفی متأسفم که استطاعت بنده اجازه نداد که بیش از چهار پنج ماه بماند ولی دیدم چقدر فایده دارد ولی اینجا بزرگ است در اینجا هیچوقت نباید منتظر بود که اشخاصی پیدا شوند که قائم مقام آن ها شوند دلالتی هم دارم و دیده ام اشخاصی که میروند آنجا حقیقتاً در آنجا دلسوزی میکنند چنانکه وقتی من رفتم از طرف دولت هم توصیه شده بود ادارات آنجا مثل این بود که موظف هستند بنده را برای فلان کار تهیه کنند اگر هیئت محترم دولت اشخاصی از اینجا بوزارت های آنجا برای کار مخصوص مأمور کنند و هر کدام داشته باشند در وزارتخانه های آنها کار کنند بعد از دو سال بنده مطمئن هستم بعرض داشتن چند نفر مستشار خارجه دارای پنجاه نفر مستشار داخلی باشیم که از همه چیز ما هم اطلاع دارند و محتاج به اطلاعات مقاماتی هم نیستند مخصوصاً برای مالیه این بود نظرات بنده عرض دیگری هم داشتم که بعد عرض میکنم و امیدوارم آقای وزیر مالیه و آقای رئیس الوزراء مراض بنده را قابل

توجه خود بداند و در زمینه های که عرض کردم موافق باشند.

رئیس - آقای مدرس اجازه نطق - آقای فقیه الملک و آقای زنجانی تشریف ببرند بیرون برای انتخاب کمیسیون ها.

مدرس - اگر آقایان بیرون بیرون همه یکمرتبه میروند مجلس سرد میشود در اینصورت بنده حرف نخواهم زد.

رئیس - بسیار خوب تشریف نمی برند که مجلس گرم باشد.

مدرس - بنده خیال نداختم که در این ماده چیزی عرض کنم و منتظر بودم اشخاصیکه اهل جزایران ماده هستند فرمایش کنند بلکه مقصود ارم بیرواند ولی متأسفانه نشنیدم و انهم دیدم این ماده بفرمایش بعضی آقایان که فرمودند امال مواد است یعنی ملک باین ماده درشت تر میشود این الفاظ که طرفین میگوئیم خیلی خوب است و آنچه از عقیده تمام آقایان نمایندگان می فهمم بعد از اینست خرابی هم نظر اصلاح دارند یعنی این هیئت دولت و شخص رئیس الوزراء که اختیار کرده بودند که بدست ایشان این مطالبی که از این ماده نوشته شده است اجرا شود - پس باید چه کنیم که این ماده اجرا شود و بلکه انشاء الله الرحمن بقصودی که ملت ایران و آقایان نمایندگان دارند موفق شویم اولاً بمرض آقایان وزراء یعنی هیئت دولت میرسانم که مطمئن باشند ما دیگر به جهت مخارج جاری ملک دیناری قرض نخواهیم کرد مخارج جاری ملک باید باجاری این مواد حاصل شود آقای فقیه الملک فرمودند این ماده مطالبی دارد که برای اجرای آنها بشکلات بر میخوریم - من هم تصدیق میکنم اگر مثل سابق بخوانند رفتار کنند البته بشکلات بر میخورند و موفق نمیشوند آنوقت باید بکسورت ثانوی امیدوار نمود یعنی باید هیئت دولت کنار برود و ملک مستعوض شود و ج ورج بماند یا اینکه بارک وضع بدی سلوک کنند - بنده اول شرط اجرای این ماده را چنانچه در جلسه قبل عرض کردم حقاً توافق نظر بین مجلس شورای ملی و دولت میدانم این شرط اول اجرای این ماده است - شرح دارم همان است که در آن جلسه عرض کردم که باید دولت دوام پیدا کند امش هم عرض میکنم و دیگر نمیگویم که کسی خیال نکند من طرفدار شخصی هستم لکن شخصی نمی شناسم میگویم این دولتی که روی کار آمده است غیر از اینکه دو سال نگاهش داریم برای ملک دیگر هیچ تلاشی نیست اما راجع به مطالب این ماده من با آن مسئله حذف و تقلیل مخارج موافق هستم و از روی فلسفه هم هست من میگویم مال بیت المال عمومی مسلمین را نباید مفت بکسی داد مذهب من هم همینطور میگوید که مال عموم را باید بکسی داد که برای عموم کار کند یکدینار بیت المال عموم را نباید بکسی بدهند که برای عموم کار نمیکند این خلاف ضروری تمام مال دنیا است کمال کسی را بکسی دهند که برای او کار نمی کنند و انشاء الله الرحمن اگر چنانچه مقصود آقایان است رسیدگی باعمال دوره قدرت بشود آقایان ملاحظه خواهند فرمود که در اینصورت آن مقدار مال عموم را که ب مردم داده اند که تشرش برای مصرف عامه و بیشتر آن بمناسبات شخصی بوده البته من که قدرت داشتم سیاست شخصیم اقتضا میکرد که يك مالی از بیت المال ملی خرج نکنم بهر حال حالا در مقام نقیصه صکی نیستم در مقام اصلاح هستم

البته هر کس که ایران خواه باشد و عقیده داشته باشد که این ملک برای ایرانی بماند باید مال عموم را خرج معارف عمومی بکند من آخوندم البته آخوند باید کار آخوندی بکند و مزد بگیرد هر کس برای عموم کار کند از عموم مزد دارد و هر کس کار خصوصی بکند از بیت المال نمیشود بویول داده پس من هم که میگویم هر کس کار نکند نباید یا دلیل داد صحیح است اما يك شرط دارد و آن شرط این است که خود من مفت نخورم (ای ما گرفته بند مذهب دیگران) بله اگر يك دولتی يك تمام السلطه پیدا شد و باین حقوقی که مجلس درباره او تعیین میکند قناعت کرد حقوق مرا حقوق هر کسی را حتی حقوق شاهرا هم نبرد یا کم کنند کسی نمیکند چرا برای اینکه مال مال عموم است و هر کس خدمت ب مردم کند مزد باو میدهند و کسی که خدمت ب مردم نکند نباید از عموم مزد بگیرد این يك چیز تازه شگلی نیست که بنظر مردم مشکل میاید تمام این مقامات که از سلسله های مختلف هستند شاه و رئیس الوزراء یا نمایان حجه الاسلام تمام اینها نوکر خاندان یکی اسمش شاه است یعنی نوکر مردم یکی اسمش رئیس الوزراء است یعنی خدمتگذار مردم باید تمام اینها باید نوکری بکنند.

سردار معظم - همه را نمیدانم و اگر گفت فرق دارد.

مدرس - من ب زبان فارسی خودم حرف میزنم و زبان خود را میدانم خدمتگذار مردم هستم شما تحصیل کرده ها را نمیدانم شما تحصیل کرده اید طور دیگر میگوئید من میدانم من میگویم بیشتران خدا هم که از همه برترند نوکر خاندان من میگویم آنها را خدا برای خلقت فرستاده فهمیدم اسرار کجا بود - از این مسئله میگویم بخوانم بگویم دولت و آقای رئیس الوزراء گمان نکنند حنف کسی که پول از بیت المال مسلمین میبرد و کار نمی کند مشک است خبر شک نیست اما از طرف دیگر بنده متکرم نصیحت کسی که کار میکند باید بقدر مصارف معاش و آبرویش از بیت المال باو پول داده ولی جای تأسف است که از بعضی اجزاء ادارات که می پرسند در آنجا چه میکنی میگویند عرض میکنم و شب مخصوصاً یکی پیش من آمده بود پرسیدم چه میکنی گفت در فلان وزارت خانه میروم ولی حقیقتاً کاری ندارم گفته ام صورتی که کاری ندارم چرا میروید - گفت حقوقی داریم میرویم می گیریم بنده میگویم کسی که کار نکرده و خدمت نکرده نباید مزد بگیرد (گفته شد احسانت) البته خواهند فرمود این بشکلات بر میخورد کر در ملک زیاد میشود بنده مسئله این است که اولیاء امور ما از هوچی میروند اشکالی که ندارد اگر فلات انداخته است این است که چند نفری جمع می شوند يك حزب تشکیل میدهند و بنا می کنند به نقیص کردن و اسباب زحمت دولت شدن - انشاء الله الرحمن در این از من برای من قسمتی که در بر گیرم موقوف فرموده اید يك قانون استخدامی پیشنهاد مجلس بفرمائید و شرایطی برای داوطلبان که میخواهند وارد خدمت شوند در آن قانون تعیین شود که غیر از قوم و خویش با وزراء و و کلاه باشند غالباً دیده شده که هر روزی روی کار می آید بیست نفر همراه خود می

آورد ۳ ماه وزیر است بعد میروند مزد این بیست نفر بگردن ملت میماند حالا حساب کنید که در عرض ۱۰ سال چقدر میشود وقتی که اینطور شد من هم که یکی از شاهان این مملکت هستم بقدر قوه خرم بکنفرالی چند نفر وارد میکنم در مقابل حرف من چیزی نمی توانست بگویند می گویم برادران بیرون کن تا من هم بر سر عیون را بیرون کنم این مسئله قابل اصلاح نیست مگر با داشتن قانون استخدام و روی قابلیت و لیاقت داخل خدمت شدن آقای قهیم الملک که به بلژیک رفته اند بلسان خودشان میگویند هر کاری باید قانون داشته باشد بنده هم می گویم قانون باید داشته باشیم یعنی هر کس را می خواهید وارد کنید (هر کس می خواهد باشد) از روی قابلیت باید وارد اداره خود یک مسئله دیگر هم هست که عقیده ام این است که اگر این مسئله را هم هیئت دولت مراعات بفرماید اسباب خدمت نیست و آن مسئله معلوم و مشخص است اگر چه شاید تصور شود این حرف از من خیلی بی مناسبت است ولی حکم شریعت ما است که گفته اطلبوا العلم و لربایض معلوم متخصص از هر جانی است باید بیآورند البته اگر بکنفر یا چند نفر متخصص از هر جانی است باید بیآورند البته اگر بکنفر یا چند نفر متخصص در این مملکت پیدا شود محترم و بزرگتر است باید بهر قسمی هست او را راضی کرد خدمت بکند من چون با کسی دیگر معشور نیستم این است که آقای مشیرالدوله مثل میزان حقیقت آقای مشیرالدوله متخصص هستند و وجودشان لازم حالا اگر فرمودند با اینکه من محتاج نیستم مامی ده هزار تومان میگیرم و کار میکنم البته چاره است چون متخصص است باید داد پس باید دولت در نظر داشته باشد که مردمان ناقابل در सरकार باشند و اختصاصی هم که کار ندارند خارج شوند مثلا سید نصر دکتر در ادارات هستند بروند در شهرها دکتري بکنند تاجر زاده ها در ادارات چه میکنند؟ شاهزاده های صاحب مکتب در ادارات چه میکنند؟ و حال آنکه متخصص هستند احسن (گفته شده است) این صداهائی که در دنیا بلند است قبل از اینکه ما گرفتار شویم باید اصلاح کنیم بلی اگر یک صاحب ثروتی پیدا شد و تخصص داشت اطاعت میکنیم اما کسیکه کسار دارد تجارت دارد ملک دارد چرا به ادارات می آید؟ و نان پنج نفر دیگر را میبرد من میگویم شهرها و هات ما دکتري لازم دارد بهر اداره که میروم ده نفر دکتري آنجا است ده سال یا نوزده سال تحصیل طلب میکنند بعد میروند بفلان وزارتخانه اداره معارف دکتري لازم ندارد باید در شهرها بروند مشغول طبابت بشوند قصود از این هر اینهم خدا میباید تنقید نبوده این است قصود صلاح است و میگویم بلکه از این راه ها شاید اصلاح شود پس تقابل مغایر را بنده نمیگویم کسی که کار میکند بقدر معاش نباید باو داد البته باید بقدر معاش حقه آسایش داشته باشد بساو داده شود تا مشغول خدمت شود

نقده دیگر تکثیر عایدات است هم لباس و هم مسکن من آقای آقا سید فاضل گفتند قریه الرافه تکثیر عایدات تحمل میشود مردم من منکر میگویم مملکت سه خرج دارد یک خرج راجع بمملکت برای

حفظ انتظام و سد تنور مملکت است البته این خرج را باید مملکت بدهد یک خرج متعلق بشهر است آن خرج را باید اهل شهر بدهند البته آنچه از مردم گرفته میشود باید بجایش خرج شود اگر کم آمد باید مردم بدهند مسئله این است که آنچه از مردم گرفته میشود خرج نمیشود مثلا حالیه میگویند بنده این شهر مامی مینوی میگوید حالا اگر این مبلغ بجای خودش خرج شود و خشت و خنجر برآز آب شود که دو محله را خراب کنند و ده هزار نفری کشته شوند چه ضرر دارد عده مسئله این است که آنچه از اهل مملکت گرفته میشود برای انتظام و حفظ حدود و تنور باید خرج شود و آنچه از شهرها گرفته میشود خرج شهر بشود البته معلوم است مغایر این شهر هانیا بهر دیگر بدهد تکثیر عایدات هم برای این موضوع است ولیکن یک چیزی هست که نباید آرا غفلت کنیم در مملکت ایران هر کس سر کرده است یکدنداری از اشخاص زیر دست خود گرفته و بعنوان مالیات چیزی نمی برداشته و از سربض سال قبل هم که یک نشه ریخته اند دیگر تا بحال اصلاح نشده بسیاری از دهات مالیات ندارند و بسیاری از دهات خراب مالیات زیاد دارد باید رفع این بی ترتیبی را نمود و الا مالیات همان است که مردم برای مغایر مملکت بدهند بکثرت استن از زکوة می گذاریم بکثرت چیز دیگر البته اگر مملکت یا پارلمان ما مشروع باشند و مخالف شرع نباشد (بدین کسی نفور) یعنی پارلمان یا پارلمان اسلامی باشد این منافع مشروعی است حقه خرج مملکت میشود و البته نباید من که دوازده پارچه ده دارم و درسی سال قبل که تازه احوال کرده بودم و میرزا رضای مهندس میزی کرده مالا هم از آن مالیات بدیم اما اقسام دیگر خرج بر این است که آنچه گرفته میشود دولت و پارلمان وقت نمایند که در محل خودش صرف شود و اگر کسر دارد مملکت باید بدهد البته خرج مملکتی خرج خودن را باید مقدم بر خرج شخصی داشت و باید دقت کرد که در معاش خرج شود تا کسر ناوریم و من عقیده ام این است که کسر هم نخواهیم آورد و اگر بر فرض کسر هم آوردیم آن وقت چاره نداریم و این موضوعی است که در موقع خود عرض خواهم کرد

زاد از اندازه مذاکره شد ولی چاره نداریم باید راه اصلاحات را گفت و من دو کلمه دیگر عرض میکنم و بعد از آن خوب است از ابتداء بکنفریم و مذاکره در ابتداء را ختم کنیم

رئیس - اگر میلی دارید بکمی تنفس داده شود

مجلس - غیر دو کلمه بیشتر عرض نمیکنم در مسئله قضائی هم بنده خوب میدانم که مالیه دولت را میخورد اما مردم آنها را نمی شناسند بعضی از اشخاص بعنوان مالی شدن مالیات دولت را نمی دهند میگویم در این موقع خبری عرض کنم حقه شاید اغلب از آقایان شنیده باشند در اسلام مجازات است و یک مجازاتی درباره شخصی که مالیات دولت را ندهد بود اجراء شده است در زمان حضرت امیر و یکی از امتای مالیه توابع فارس مال بیت المال را خورد و فرار کرد حضرت امیر اسر فرمودند خانه او را خراب نمایند این مجازات خانه خراب کردن برای کسی است

که این مال مردم باشد و آن مال را بخورد اعضای که بقایا دارند و از ادای مالیات استنکاف میورزند خاندان ملت و وطن فروشان غیر مستقیم مملکت هستند اگر مالیات خود را میدادند رفع حوائج دولت میشد و دولت مجبور باستقراض خارجی نمیشد لهذا بنده عرض میکنم که دولت باید نهایت جدیت را در وصول بقایا بشمارد و اسامی اشخاصی که باقی دارند دادن نمی کنند در روزنامه ها بحوش نشانهائی که هر روز ما میبینیم درج نمایند که ملت خاندان مملکت و اشخاصی که دولت را دچار این مشکلات نموده اند بشناسند باید این بقایا را وصول کرد و در محل خود خرج نمود و الا از حبس کردن شخص مدت ۶ ماه برای استنکاف از ادای پرداخت پنجاه تومان مالیات چه نفی برای دولت متصور است

رئیس - برای اینکه بقول آقای مدرس مجلس از گرمی نبفت و ما هم موفق بشکلی کمیسیون قوانین مالیه و عدلیه بشویم اگر آقایان مخالف نباشند بیست دقیقه جلسه تعطیل شود

عده اعضاء کمیسیون قوانین مالیه دوازده نفر و کمیسیون عدلیه هشت نفر که در موقع نفس معین خواهند فرمود

در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج

« ویر از بیست و هشت دقیقه جلسه تشکیل گردید »

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - بعد از این مذاکرات دیگر بنده عرض ندارم

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده آنوقتیکه اجازه خواسته بودم برای درخواستی بود که از هیئت دولت داشتم و آن این است که اگر ما با هیئت دولت با بیاناتی که اینجا میشود موافقت دارند دیگر تکرار آن مطالب بعقیده من لزومی ندارد ولی در صورتیکه دولت عقاید خود را بیان بشاید و ما آن عقاید را مخالف نظریات خود ببینیم البته از نظریات و عقاید خود دفاع خواهیم نمود لیکن اگر هیئت دولت پادما در این گونه مسائل موافق باشد ما هم مشق سخنجوری نداریم و مطالب را بهین جا ختم میباشیم را کر غیر از این باشد آنوقت بنده از حق نطق خود استفاده خواهم کرد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه نطق)

رفعت الدوله - بنده میخواهم توضیحی راجع بقسمت تکثیر عایدات بدیم اگر چه با آن فرمایشات برتیب آقایان سردار معظم و مدرس برای بنده محل توضیحی باقی نیست ولی معذرا عرض میکنم بنده مخالف با وضع مالیات جدید میباشم دولت مالیاتهای قدیم را جرح و تعدیل و موزی نماید بطوری رفتار نماید که بر فقره وضع تعادل فوق العاده وارد میآید تا بحال ترتیب مالیاتهای ایران اینطور نبوده است حقه کذب مالیاتا بر فقره و متوسطین تحمیل بوده و میچون متفکرین و مشولین آن مالیاتا را متحمل نمیشدند اند بهنطور میفرماید اشاره کنم سالهاست سرشار و این مالیات غیر حق که بر اهالی جنوب ایران (فارس و کرمان) وارد است این مالیات سرشار کلیتاً

بر فقره وضع داده است و این بدبختان در زیر فشار این مالیات بطوری ستمیده شده که اغلب قرار بشق آباد و بندر عباس و غیره نموده اند این است که مالیاتا باید تعدیل شود و همانطور که آقای مدرس فرمودند یک مالیاتا در پنجاه سال قبل از این بر یک اراضی بسته شده است آنوقت گندم شرواری دو تومان بود و اینکه آن ملک در آن موقع پنجاه تومان مایه داشت و حالیه که بیست هزار تومان مایه دارد مالیات همان پنجاه تومان اولیه را می بردازد و با مالک در آنوقت املاکی موجود بود که آباد بود و مالیاتا بر آن بسته شده ولی حالیه آن املاک خراب و بیارست اما همان مالیات از او دریافت میشود بهین طریق اوضاع مالیه مملکت بر ترتیب شده است بنده مدتی در مالیه و حکومت کرمان و توابع آن بوده ام و از اوضاع ولایات خود بخوبی معینم و این دارم که سایر نظاما هم همین حال را دارد همیشه فقره و متوسطین متحمل بارهای کران مالیات بوده اند و بر مفسد مشولین و اغنیاء که دارای اعیان شتر و راس قاطر و چندین هزار گوسفند بودند یک دوازده هم مالیات ندهد اند و همیشه فقره وضع داده بوده اند حقه در زیر شلاق کدخدایان مجبور ادای مالیات بودند و تا خودشان جان دارند با بیستی شخصه آن مالیاتا بریدازند و در موقعی که از زمان رفتن از قواء شان می گیرند یکی دیگر از مسائل تکثیر عایدات تجمع مالیاتا است مثلا در اداره تعدیل بنده که امروز بنده را خیلی معشوش می بینم بنده دیدم که یک پول هائی از مردم به اسم قاجان گرفته اند که فوق طاقت آنها بود و بوقتیکه در اینجا رجوع بکنفریم بنده کردم دیدم ابتدا اسمی از آنها برده شده اگر چه ام و آقای رئیس الوزراه خرب رئیس تعدیلی تعیین کرده اند و بعد از آن آدمی است و بنده می دانم که این شخص اداره تعدیل را اصلاح خواهد کرد اگر نفوس بیست گزوری ابرار را بازنده کرد و عایدات مالیه و صارف آن یک را در هر روز سده هزار تنقال فرض نمایم و صارف او را بدیم خواهیم دید که متجاوز از ده کروڑ تومان با بیستی باید دولت گردد این یک حسابی است که کذب آقایان ممکن است ترتیب بدهند و در آن واحد میشود فهمید در اینصورت چرا تعدیل میچون عقاید از یک کروڑ و چهار صد هزار و سصد هزار تومان تجاوز نمود و بعد از آن خراب کارهاییکه خود آقای مصطفی السلطانه موفق بکشف بکنه داری از آن شدند و هیچ بازخواستی نشده عقیده بنده این است که اگر مالیاتا بحال تجمع در آید باید احتیاج بوضع مالیات جدید نخواهیم شد این است نظریات بنده در تکثیر عایدات و امیدوارم با نظریات شخص آقای رئیس الوزراه و وزیر مالیه که بود و آنها اعتماد کامل داریم موافق بود و این امور اصلاح شود

وزیر پست و تلگراف - آقای سردار معظم یک اظهاراتی فرمودند که بلا جواب نیستی گذارده بود ایشان اظهار نمودند که از طرف آقایان و کلام یک عقایدی اظهار میشود اول باید بدانند که دولت در آن عقاید و نظریات چه نظریه دارد موافقت با مخالف اگر مخالفان مذاکرات تعقیب و اگر موافقت ختم شود

بنده از اول که آقایان داخل بحث در این ماده شدند هیچ مخالفتی ندیده ام که از آن دفاع نمایم

دفاع در موقعی لازم است که از طرف مقامی مخالفتی اظهار شود آقای قهیم الملک شرح مبسوطی از ترتیب مالیاتهای گذشته و تجدید از ایام قدیم و شرحی از خرابی هائی که از موقع مشروطیت احوال شده بیان نمودند و بالاخره لزوم اصلاح را خواستار شدند گمان نمیکنم در این مسائل مخالفتی باشد تا از طرف دولت دفاع شود و از آن طرف میدانم که مواد پروگرام رؤس مسائل است و این رؤس با بیستی اسناد و مجامع قبول شود و هر یک از این مواد متضمن اوابی است که بهما مجلس پیشنهاد خواهد شد و شخصیتی که برای هر یک از این مواد لازم است در ضمن آن اوابی ذکر خواهد شد و مباحثاتی که لازم است در آن موقع خواهد شد

حالا بعضی از آقایان میل کردند چنانچه در باب سواست خارجی مطالبی گفتند در این ماده هم مباحثاتی بشود ولی باید دانست که حالیه موقع بحث در این امر نیست و هیئت دولت قنات با بیستی اظهات آقایان نمایند گمان میباشم هر کدام عملی باشد از آن مستفاده میکنند و هر کدام عملی نباشد در موقع تقدیم لوایح عقاید خود را بیان خواهند نمود باز هم میگویم که این مواد رؤس مسائل است و هر کدام در ضمن اوابی که در آنجا تقدیم میشود شرح خواهد شد

آقای سردار معظم در ضمن بیانات راجع مالیه گفتند با تکثیر عایدات در صورتی تشریع نشود بی روی چه زمینه خواهد بود شاید اظهار مخالفت نمایند آقای مدرس بقصدی خوب این مسئله را تشریح کردند که همانوقت آقای رئیس الوزراه خواستند بر خیزند و موافقت خودشان را در آن مسئله اظهار دارند ولی موقع نفس شد همانطوریکه اظهار کردند هیئت دولت مغایر ضروری مملکت را در یک صدمه خواهد نوشت مغایر ضروری که برای جرحانین ادارات مملکت لازم است در آن صدمه قید خواهند و احتیاجات فوق العاده که در هر سال برای مملکت پیدا خواهد شد ضروری است بدین میشود اگر عایدات مملکت برای آن خارج تکافو گردید و الا دولت در نظر دارد عایداتی که تحمیل بر فقره وضع شود مجلس پیشنهاد نماید و البته اگر مجلس آن عایدات را تصدیق کرد بدو قع اجرا خواهد گذاشت و این عایدات همان عایدات جدیدی است که آقای مدرس فرمودند و دولت هم کابلا موافق با نظریات ایشان است دولت هم در نظر ندارد در صورت عدم احتیاج مالیات جدیدی وضع نماید دیگر در ضمن صحبت هائی گذارند اینجا شنیده هر چه بکنر میکنم مخالفتی اظهار نشد فقط یک اظهاراتی راجع بطراز استخدام مستشارها بود بنده گمان میکنم ککثرات مستشاران که ککثرات خواهند شد بالاخره مجلس خواهد آمد و فقط بهین ماده که امروز اساساً تصویب خواهد شد اکتفا نمیشود و بالاخره ککثرات مجلس خواهد آمد و البته در آنها شرایطی ذکر خواهد شد و نظریات آقایان نمایند گمان معلوم خواهد شد بهین نظریه بود که هیئت دولت در مقابل فصاحت و بلاغت آقایان صلاح ندانست توضیح و تشریحی بکند و تماماً آنچه بر هیئت دولت معلوم شد اظهار موافقت بنده فقط چیزیکه توضیحاتی لازم داشت همان نطق آقای

سردار معظم راجع به تکثیر عایدات بود که توضیح داده شد بنده چیز دیگری که توضیح لازم داشته باشد در نظر ندارم و اگر چیزی که باز دفاع لازم داشته باشد در نظر دارم بفرماید تا دفاع و توضیح داده شود

رئیس - قبل از آنکه سایر آقایان داخل در مذاکرات بشوند بکنفریم بفرماید برای تعیین امضاء کمیسیون قوانین مالیه که فوری است همین خواهد شد چون از طرف آقای وزیر مالیه یک لایحه پیشنهاد خواهد شد که با کمیسیون قوانین مالیه رجوع شود با بیستی کمیسیون همین امشب تعیین شده و اعضاء آن منتخب شود و فردا صبح تشریف بیاورند و رأی خود را در رد و قبول آن بدهند و لایحه هم جزء دستور پس فردا خواهد شد

« در این موقع آقای میرزا ابراهیم خان استغراق نمودند و آقای حاج آقا « میرزا مرتضی برای استغراق آراه کمیسیون مالیه تعیین شدند »

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی تشریف ببرند بیرون و با اتفاق آقای شیخ ابراهیم زنجانی مشغول استخراج آراء بشوند

سردار معظم - اجازه میفرماید

رئیس - بفرماید

سردار معظم - بنده گمان میکنم که فقط بعلم کوناهای بیان من آقای وزیر پست و تلگراف دقت در هر ایزم فرمودند ولی پس از بیان فصیح و اظهارات متبع آقای مدرس معلوم شد در مطالب ایشان درست دقت نکرده اند مطالبی که ما گفتیم منحصر باین عبارت و باین سهولت نبوده است ایشان عقیده دارند که در پروگرام رؤس مسائل نوشته میشود و جزئیات آن در ضمن لوایح دیگر مجلس پیشنهاد خواهد شد در حالیکه اینطوری نیست اگر پروگرام عبارت از یک محال کلی خیلی تشنگ و غیر قابل اختلاف نظر باشد و بعد در جزئیات آن در ضمن لوایح مجلس تقدیم شود در اینصورت بعقیده من چنین کلیات خوبی دیگر محتاج برای گرفتن نیست و همه آنها را میشود روی بکوره نوشت و مجلس آورد و هر یک از کلام بدو قع خود بر خواسته بقدر قوت تقریر خود اظهار امتنان بشمارند بنده باین مسئله عقیده ندارم بلکه عقیده ام این است که در پروگرام دولت با بیستی حتی الامکان دارای موادی باشد که قابل اجراء و عملی باشد و تصمیمیکه در آن اتخاذ میشود باید مسلم و معین باشد تا این ترتیب در پروگرام ملحوظ نشود و قطعاً رای دادن بآن پروگرام از نقطه نظر عملی خیلی مشکل است در اینجا مسائلی چند گفته شد که لازم بود از طرف دولت هم در آن زمینه اظهار عقیده بشود من مقصود فقط جلسه امروز نیست بلکه جلسه روز گذشته را هم در نظر دارم که بنده خودم در ضمن ماده چهارم پروگرام که بالاخره مربوط با اصلاحات مالیه میشود اول رفته معتقد شدم با اصلاحات و گفتیم برای اینکه بتوانیم قدمی بطرف اصلاحات برداریم دولت مجبور است که این اصل را اتخاذ کند و اجرای آن را در مقابل مجلس و نمایند گمان ملت تقبل کند تا ترتیب که در حساب مامورین مالیه رسیدگی نشود تا وقتی اشخاصیکه بدولت بده کار هستند معلوم نشوند که طلب دولت از آنها وصول شود و بالاخره ناموقی که نسبت بمامورینی که در موقع اشتغال بتمام امانت مالیه خیانت کرده اند احوال مجازات تقدیم نمود یک قدم بسوی اصلاحات نمی توان برداشت این اصل یکی از

اصول مسلمة مطاعی بود اگر دولت موافق با این اصل است خوب است. بکنفر نمایند دولت برخیزد و بگوید بلی دولت هم موافق با این اصل است و تقبل نماید. که این اصل را اجرا نماید ولی این سکوت دولت مفهومش موافقت با این عراض من نیست و اگر بر فرض معاند دولت با این نظریه مخالف بود من دومر تبه یا سمر تبه یا بیشتر بر میخاستم و دفاع میکردم و بالاخره بامن بدلائل دولت نافع میشدم و ادوات بدلائل من متقاعد شده و بامن اعتراض می نمودن یک اصلی بود که در اینجا ذکر شد و توپا وزیر است و تلگراف یادداشت فرموده بودند بواب بدهند. يك اصل دیگری که جالب نظر بود آن تقدم و تأخر اصلاحات است در پروگرام دولت چاپ میشود و برای اصلاحات عالی در آتش عبارت ماده چهارم ذکر شده و اگر باین ترتیب رجوع کنیم اینطور میشود تعبیر کرد که دولت خود را مقید کرده است اول بحذف و تقابل مغایر دوم بکنفر عیادت سوم تبادل جمع و خرج چهارم در سربل بقایا پنجم اصلاحات اداره مالیات ششم بطلب متخصمین و مستخدمین خارجی در صورتی که تصور میکردم تمام این دستاورد باید متخصمین که جلب میشوند اجرا کنند زیرا اگر ما خودمان صلاحیت اجرای این مسائل را نداریم مستغنی از وجود متخصمین نمی شویم و بفرموده و در صورتیکه ما خودمان اعتراف می نمایم که مستغنی نیستیم پس در این صورت معلوم نیست چرا این مسئله در آخر ماده چهارم ذکر شده اگر این مسئله بدین روش در تمام و تأخیر نوشته شده اهمیت ندارد ولی اگر از روی دقت نوشته شده بنده مخالفم و معتقد نیستم از آنکه هر قانونی در موقع عمل و آزمایش برآید و تصویب شود یعنی از فردا لازم است دولت مسئله جلب تخصص را تعقیب کند و در همین جلسه تصمیم شود را اتخاذ کند که متخصمین غیر از اروپا یا غیر دولتی که صلاح میداند بخواهد و البته از دول غیر هم بخواهد بود و اولی قدم اصلاح مالیات بود و خواه بود اگر ما اشخاص بصیر و متخصمین نداشته باشیم در روی به پایه و چه شالوده مالی خود را اصلاح خواهیم کرد دیگر عایدات و تقابل مغایر و تعدیل مالیات را بر روی چه اساس نیل خواهیم داد اینها محتاج به اتخاذ اصل و اساس است اطلاعات ما کافی نیست بالاخره متخصمین گاهی در مملکت خودمان نداریم که قادر باصلاح تمام این مطالب باشد پس این قدم اول است که ما باید برای اصلاحات برداریم در این باب هم من لازم میدانم که آقای وزیر است و تلگراف یا وزیر مالی چند کلمه توضیحاتی بدهند.

مسئله سوم که در اینجا ذکر شد مسئله تقابل مغایر بود من در جلسه گذشته گفتم که تقابل خرج قابل دقت است اصولیکه برای تقابل خرج در این مملکت ممکن است اتخاذ شود بر چند قسم است یکی آنکه ممکن است بدون هیچ فیدی بگوئیم هر چه حقوق و تهریه در این مملکت گرفته شده نصف کنیم و اسرار و اسلالت بگذاریم من کاملاً این عقیده مخالفم ولی اعتراف میکنم که در این مملکت مستخدمین داریم که حقوق آنها به تناسب شغل و خدمتشان زیاد است و معتقدم که حقوق آنها باین ترتیب زیاد شود لیکن این اصل را فقط در باره روسای بزرگتر باید مچری داشت نه مستخدمین جزء

مستخدمین زیر دست ادارات با گرانی وسایل زندگی حقوق کافی نمی گیرند و این حقوق ناکافی زندگی می نماید هر چه بدست بیاترو گرسنه ترند من معتقدم که تقابل حقوق باینست بطور شاد و نادر نسبت بمقامات بزرگ اجراء شود ولی اصل نظریه من حذف کردن ادارات زیادی است اداراتی باید باقی بماند که حذف آن سکت با اساس زندگی و مردمی نماید دولت ایران بیل زیادی ندارد که برای تقابل خرج کنند برای همین تقابل ها بوده که دولت ایران مجبور شده با گرو گذاردن قانون اساسی خودش دست گدائی بطرف اجانب دراز کرده و استقلال خود را بر باد دهد من و تمام اهالی ایران میگوئیم که فلان اداره یا فلان شخص زیادی کارش معلوم نیست باید حذف شود آقای مدرس هم همین حرف را زدند عبارت دیگر گفتند بآن کسی باید پول داد که خدمت برای مردم میکند هر کس خدمت نمی کند یعنی خدمت لازم نباشد نباید پول بگیرد مملکت دارالعبور نیست کاز مقام و از کسانی که قادر بر کار کردن نیستند نگاهداری کند دولت ایران فقیر تر از هر فقری است و باید طرز پول خرج کردن را یاد بگیرد خرج کردن پول در مملکتی که پولش کم است خیلی مشکل بالاخره مملکتی که باید از اشخاص جزئی است و نتواند دست بخودش اجازه تقابل بدهد باین نظریه من نمیتوانم دولت موافق است یا مخالف و بنده آنرا با کدام اصل را میخواند در تقابل مغایر اجرا کنند من تأمین معاش و تأمین زندگی کارگرانیکه کار میکنند و محتاج هستند و بعضی ادارات و اشخاص زائد و موافق ولی بآن فرض اولی بکلی مخالفم و شاید این مخالفت منحصراً بنده نباشد و آقایان نمایندگان دیگر ولایت ایران هم بامن هم عقیده باشند و بالاخره کسانی را لازم میدانند حقوق تمام بدهند ولی اشخاص زیادی را حذف نمایند مملکت ایران را مثل یک تجارتخانه وقتی نمایند که دوچار بحران شده است يك تجارتخانه وقتی که دوچار بحران است چه میکند؟ مستخدمین زیادی خود را حذف میکنند و عذر آنها را میخواند و بآنها میفهماند که بواسطه تنگی و هسرت تجارتخانه وقتاً از آنها صرف نظر میکند و بآنها امیدواری میدهد که انشاء الله در موقعی که کشایش درامد مالی تجارتخانه حاصل شد البته وجود آنها را لازم خواهد داشت این هم يك اصلی است که شاید در این خصوص اختلاف نظر مابین مجلس و هیئت دولت باشد خوب بود آقای وزیر است و تلگراف این مطلب را هم در جلسه گذشته یادداشت فرمودند و جواب میدادند يك مسئله دیگری که اینجا ذکر شد و شاید قابل اختلاف نظر باشد مسئله تکتیک عایدات است من اولاً عرض میکنم که متعجب تکتیک عایدات نیستم و تصور میکنم یا من مطالب خود را بداده کردم و یا آقای وزیر است و تلگراف ملتفت عراض من نشده که من متعجب تکتیک عایدات میشوم و شاید من هم اینقدرها از ترتیب بودجه دول اروپا اطلاع دارم و میدانم که آنها ابتداء مغایر خود را تمین نمیدانند اگر عایدات ناکافی مغایر نمود و الا متوسل بنایع دیگر میشوند اینقدرها از بودجه اروپا اطلاع دارم ولی اگر بگویم که من اجرای این ترتیب را در مملکت خودم مقننی نمیتوانم ممکن است پس از اظهارات من آقای وزیر است و تلگراف بر خیزند و عقاید مراد کنند من میگویم عایدات مملکت ما

باندازه که جلوه داده میشود کم نیست من میگویم نسبت اعظم کمی آب خزان بواسطه این نیست که آب حکم است غیر آب کم نیست ولی سوراخ زیاد است شایبش از آنکه خودتان زحمت بدهید و آب را زیاد کنید قدری زحمت کشیده و سوراخها را مسدود نمائید تا وقتی که سوراخها مسدود نشده هر قدری که شما آب را زیاد کنید باز بهمان تناسب باوضع حاضر سوراخها زیاد خواهد شد در همان حال که نهایت درجه اعتقاد دارم در این مملکت باینست بول زیادی وارد شود و منابع ثروت این مملکت زیاد شود باوجود این متعجب فرض هستم چرا زیرا که میدانم هر پول بزرگی وارد این مملکت شود سنگینی همان پول سوراخهای بزرگتری احداث خواهد کرد و بمجرد اینکه غنیده شود که پولی وارد این مملکت شده خرج تراشها خواهد شد نقیون کشی ما لازم خواهد شد و بالاخره این پول را این باریکه ممکن است بدوش من و شما تعویل شود اسباب این میشود که هم برای ما و هم برای شما اشکالاتی فراهم شود که نتوانیم آنها را دفع کنیم و از این پول برای ملت ایران چیزی جز تعویل باقی نخواهد ماند ولی بنابر این اول قسمی که باینست در قسمت تکتیک عایدات برداشت جلو گیری از اراط و تر بطور جاری گیری از مغایر فوق العاده است و لازمه این مطلب حسن جریان کار است که مقیده آنست فهمیم البتة چند کلمه راجع به آن اظهاراتی داشتند و من کمال موافقت را بنایشان دارم پس از اینکه این سوراخها گرفته شد یعنی وقتیکه معلوم شد که يك رئیس معاسیات خراسان قادر نیست پنجاه هزار تومان پول دولت را بدزد و بپوشاند مستخدم اروپائی هم پیدا نشود که دزدی او را بپوشاند و او را حمایت نماید خواهیم گفت عایدات معلوم و حالا باید این عایدات را خرج کنیم و ترتیب الا هم فالام رفتار نمایم در این زمینه نقطه نظرم اینست مخالف نظریه آقای وزیر است تلگراف است من عرض میکنم مملکتی که استعلافت تقنی ندارد باید اساساً عایدات خود را تعیین کند و بتناوب آن عایدات خرج برای خود تهیه نماید و تا این اصل اتخاذ نشود بنده چه راجع به پروگرام وجه در موقع لواحق بخصوص به خارج با این نظریه مخالف هستم که يك تعویل جدیدی چه بعنوان تکتیک مالیات و چه بعنوان استقراض خارجی تعویل بر ملت ایران بشود زیرا اصلاحات نداریم يك بارهای گرانتری روی این بارهای سنگین بگذاریم ولی بنابر این اگر نظر دولت در تکتیک عایدات با اینها جدید است میگویم من که اساساً تاموقی که ندانم مالیاتهای سابق درجه را بخرج میشود باماده چهارم دولت مخالفم این عراض من سوتعجب نشود من نمیگویم که اگر يك دمی موجود است و از آن ده مالیات گرفته نشود دیگر مالیات گرفته نشود من نمیگویم که اگر يك دمی ثروت زیاد دارد و از او مالیات می گیرند لیکن استعداد روی مالیاتهای زیاد تری دارد از او مطالبه نمایند اینها جزو مالیات جدید نیست اینها مالیات اراضی است که باینست گرفته شود من متعجب مالیات جدید هستم و مادام که من ندانم عراض مغایر ما با احتیاجات محلی صرف میشود مخالف خواهم بود در این نقطه نظر است که من میگویم باینست مالیات نوافل جزو عایدات مملکتی صرف شود. مطابق قانونیکه از مجلس شورای ملی گذشته است مالیات نوافل برای رفع احتیاجات محلی وضع شده مالیات نوافل برای

این وضع شده که مردمان هر شهر در تاریکی حرکت میکنند به سوراخی سرنگون نگرند مالیات نوافل برای این نیست که این ادارات زیادی تشکیل شود آقای وزیر است و تلگراف باید بدانند که این مسئله نیز قابل اختلاف نظر است و همین راجع باستقراض با هم میگویم تا وقتیکه ندانم عایدات مملکت ما کافی نیست و مادام که ندانم در باب مغایر نهایت درجه دقت شده است برای تقاضای داد که یکدینار بر مالیات تکتیک شود و حق هم ندارم که یکدینار تعویل بردوش ملت ایران بنایم این بود اختلاف عراض من گذر جلسه گذشته گفتیم و تصور میکردم که از طرف هیئت دولت بیشتر دقت خواهد شد و بالاخره مسائل شکافته خواهد شد بالعکس می بینم مذاکراتیکه میشود بیشتر از طرف نمایندگان است این لایحه فقط بکطرف ندارد بلکه طرف دیگران دولت است و البته در موقع مذاکره در پروگرام باید اعضای دولت مشارکت نمایند تا اینکه از اصطکاک عقاید نور حقیقت آشکار شود و الا اگر بکطرف تکلم و یکبار ساکت باشد گمان نمیکند اثری داشته باشد و مطالب بجائی منجر شود مگر اینکه در نعت تأثیر خستگی بگویند این مذاکرات کافی است در حالی که معلوم است کافی نیست

وزیر پست و تلگراف - باینکه نسبت عایدات از اظهارات بلخ آقای سردار معظم تصدیق میکنم تا چهارم اینکه عرض نکردم که مسئله یا از نظرشان معوضه یا دقت فرموده اند.

اول مسئله پروگرام است که بنده عرض میکنم این برنسیبی که آقای سردار معظم اتخاذ فرموده اند دو سال یا سه سال طول میکشد تا پروگرام از نظر آقایان بگذرد و بنده حالا تشریح میکنم خودتان ملاحظه فرمائید اینجا نوشته شده است تعدیل مالیاتها و میزی یکی از آقایان بر میخیزد و میگوید برای این میزی چه برنسیب و اساس اتخاذ خواهد شد آیا میشود اینکار را در مجلس بدون اینکه دولت در او مباحثه نماید تشریح کرد اگر چه بنده تصدیق دارم فرمایشات آقای سردار معظم خیلی بلخ و جانب انکار هاه است ولی دولت که در يك مقام مشغولی نیست است و باید تمام اشکالات اطراف کار را ملاحظه کند نمیتواند در این مسائل تا روی کاغذ و بشکل يك لایحه در نیامده مباحثه کند چنانچه قیلا عرض کردم پروگرام اصول مسائل است و باز هم تا که میکنم گویا از نظر تان محو شده است پروگرامهای سایر ممالک را که تهیه می نمایند میگویند فلان لواحق بنظر دولت رسیده و آن لواحق را تهیه کنند به نظر و کلام میسرانند و و کلام در آن وقت که مباحثه میکنند و پس از اینکه نظریات خود را مبادله کردند آنوقت اینجا در پروگرام نوشته شده است که دولت چه موضوع و اساسی را برای مالیات مملکت در نظر دارد یکی تعدیل بودجه است یکی تکتیک عایدات است یکی تقابل مغایر و انشاء الله بزودی بودجه به مجلس آمده و یکی یکی از قلمهای بودجه خوانده میشود شما فرمائید اول يك اصلی برای تقابل مغایر تعیین میکنند یا اینکه خودتان در ادارات درانی بوده اند

و اطلاع دارید اگر دقت فرمائید متوجه خواهید شد که هیچ دولتی بدون اینکه مطالعه کند نمیتواند بگوید چه اصولی اقتضای خواهیم کرد برای اینکه شاید آنروز اینجا اظهاری بکنند و بعد از آن دچار مشکلاتی بشود و میسر نشود آنرا اجراء کنند شما آن روز میگوئید دولت فلانطور مغایر را تقابل کند ولی فکر نمیکند که این دولت بیچاره باید برود فکر بکنند و مواضع را از بین بردارد آنوقت بنظر آقایان نمایندگان برساند که از روی چه اصلی تقابل می نمایند آنوقت هر يك از آقایان دفاعی دارند بنمایند اگر ممکن است اصلاح بنمایند والا اگر دیدند مواضع چیزهایی است که نمیتوان تغییر داد رد میکنند و میگویند ما تقابل را باینطور جایز نمیدانیم بلی در موضوع پروگرام يك بیاناتی شد و يك نصایح داده شد و دولت هم از آن نصایح هر قدر میتواند استفاده میکند اما بعد از آنکه لواحق حاضر شد و به نظر آقایان و کلام رسید خواهید دید که يك قسمت از آن عملی نیست و آمال است که در اینجا مذاکره میشود گویا هنوز بعضی از آقایان در مقتضیات مملکت دقت نکرده اند یکمرتبه نمیشود بجمع کثیری از مردم حقوق نداد تصدیق خواهید فرمود که این امور تدریجی اصول است و باید برود انجام داد آقایانی که از امور خارجی اطلاع دارند میدانند دولت انگلیس با تمام کارخانجات مهمش امروز بکسی از قضایای مهمش که پیوسته اسباب زحمتش شده تهیه کار برای اشخاص بیکار است گاهی مجبور میشود بآنها پول بدهد و آنها را بفرستد باینطرف و آنطرف و یا اینکه مساعده بدهد یا اینکه بآنها کار بدهد در این صورت آیا یکدولتی که مسئولیت تمام امور را دارد میتواند بعضی يك اظهاری که از طرف یک نفر از و کلام میشود فوراً آنرا قبول کند البته امکان ندارد نه برای این دولت و نه هیچ دولت دیگر شما بدو باید بدولت وقت بدهید تا دولت غرر کند و مطالعه کند و آرد کند که از چه قبیل مغایر تقابل کرد بعد می آورد بنظر شما می رساند هر جایش را تصدیق کردید اجراء میشود و هر چه را تصدیق نکردید اجراء نمیشود مسئله دیگر اگر بنا شود تمام جزئیات در اینجا مذاکره شود و این برنسیب را قبول نمایند البته امکان ندارد زیرا این مسئله ثوری است و نمی شود عملی کرد مثلاً يك کسی بر می خیزد می گوید دولت بطور تعدیل مالیات می کند ما الان چهارده یا پانزده سال است در مشروطه هستیم هنوز نتوانسته ایم يك تربیتی اتخاذ کرده و سبیل میزی را در مملکت فراهم ننموده بودجه را تعدیل کنیم شما می خواهید در این مجلس بگوئید بودجه باید فلانطور تعدیل شود اساساً قبول می کنیم ولی پس از آنکه دولت نظریات خود را در این باب اتخاذ کرد به مجلس می آورد و بنظر آقایان میرسد عقیده شما همه این است که بودجه در مملکت نباید نظر با احتیاجات مملکتی نوشته شود گمان می کنم اگر دقت فرمائید خواهید دید که بودجه نظر با احتیاجات و مصالح مملکتی باید نوشته شود

شما حال امروزه مملکت را به پیش تمام قضایایش ایجاب می کند که چهار اردور در نقاط مختلفه مملکت نگاه داریم يك مغایر فوق العاده برای مطالب ضروری بکنیم آیا می شود فقط عایدات را تقسیم کرده و بآن اردوها گفت این صد تومان را مجاناً بگیرد خرج کنید دیگر نداریم؟ پس باید دید برای فقط حیثیات مملکت در مقابل عالم برای حفظ انتظام مملکت و آسایش مردم چه چیز لازم است باید از يك طرف احتیاجات ضروری را نوشت بطوریکه همه تصدیق کنند و در طرف مقابل هم عایدات مملکت را اگر آن عایدات تکافو کرد آنها اگر تکافو نکرد یکی از دو کار را باید کرد یا يك مالیات جدید وضع کرد یا يك قرضی نمود حالا اینجا می گویند قرض نباید کرد بسیار خوب پس حتی المقدور باید سعی کرد مالیات جدید وضع کرد آن مالیات جدید را هم می گویند تعویل بر ضمه و فقره نشود پس برای اینکه بودجه تصویب شود و برای اینکه مغایر ضروری مملکت تأمین شود چه باید کرد؟ يك جمعی می گویند تعدیلات جدیدی بر کس نباید بشود جمعی دیگر می گویند استقراض نباید بشود اینطور که نمی شود باید دید احتیاجات مملکتی چه چیز را ایجاب می کند شما در صورتیکه با اطلاع مستقیم و جلو مردم میگوئید باید دید عایدات چیت و آن وقت آن عایدات را با احتیاجات مملکت تقسیم کرد باید بداند این يك اساسی است که در هیچ مملکتی قابل اجراء نیست باید احتیاجات مملکتی و لوازم مملکت و نقیون را سنجید و از برای آن پول پیدا کرد چنانچه آقای مدرس هم تشریح کردند این دو مسئله را کاملاً مخالفم و در سایر مسائل هم همانطور که عرض شد محتاج بلوایبی است که در آن به تدریج باید بنظر مجلس برسد و تصویب شود والا اگر بنا شود جزئیات پروگرام را تعقیب بکنید چنانچه عرض کردم ۳ سال هم تمام نمی شود و در يك از آنها يك مباحثاتی دارد یعنی يك (اسیر) هائی است که باید متخصمین تهیه کنند و لواحق آنرا بنظر دولت برسانند و بعد دولت در آن مطالعاتی کرده اگر قبول کرد به مجلس بفرستد و بعد مجلس بکمیسیون بفرستد پس از تصویب کمیسیون بنظر آقایان و کلام برسد آنوقت آقایان نمایندگان در آن مباحثه نمایند

رئیس - بقول آقای مدرس این ماده دوم هموار شده است و اغلب آقایان هم اجازه خواسته اند و مدتی هم از شب می گذرد اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتی روز پنج شنبه

مستشار السلطنه - اشخاصی که اجازه خواسته اند اجازه های ایشان در موقع خود محفوظ است؟

رئیس - بلی

وزیر بهداشت - نظر باینکه کارهای وزارت مالیه خیلی زیاد است و يك نفر ممکن نیست بتواند هم در صدد اصلاحات اداری برآید و هم امور خارجی را انجام دهد و شخص بنده نمی توانم هم مشغول کارهای جاری باشم و هم در صدد اصلاحات بر آیم لذا يك

موادی است پیشنهاد می کنم که هر چه زودتر تصویب شده و بنده بتوانم با فراغت بال مشغول اصلاحات اداری شوم

رئیس - این دوقره لایحه که قرائت میشود آقای وزیر مالیه تقاضا نمودند که پس از قرائت مجلس بطوریت آن رای بدهند

(آقای تدین پیشنهاد وزارت مالیه را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده اول - دروزارت مالیه دو کمیسیون یکی بنام کمیسیون نظارت عایدات و دیگری بنام کمیسیون نظارت مخارج تشکیل می شود

ماده دوم - هریک از دو کمیسیون مذکور در ماده قبل مرکب از سه عضو خواهد بود

ماده سوم - وزارت مالیه دو برابر همه اعضاء دو کمیسیون فوق را از اشخاص صلاحیت دار بمجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید و از میان شش نفر یکی نسبت بسایرین حائز اکثریت آراء شده اند صلاح دید خود سه نفر را برای عضویت کمیسیون نظارت عایدات و سه نفر را برای عضویت کمیسیون نظارت مخارج دعوت خواهد کرد و چنانچه بعضی از آنها از قبول عضویت کمیسیون نامتعارف بخواهند وزارت مالیه از میان سایر انتخاب شدگان بشرط عده آراء بجای اعضاء مستعفی دعوت نماید

ماده چهارم - مدت نظارت کمیسیونها در مرقعی که لوایح قانونی وزارت مالیه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد منقضی خواهد شد

ماده پنجم - حقوق اعضاء هریک از دو کمیسیون بموجب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب مجلس شورای ملی تعیین و از تاریخ انعقاد کمیسیون پرداخته خواهد شد

ماده ششم - مسوده کلیه احکام و حوالجات صادره از ادارات وزارت مالیه که در عایدات و مخارج مملکتی اثر قاعمی داشته باشد باید با اتفاق یا اکثریت آراء کمیسیون کلیه تصدیق شده برای اعضاء وزارت مالیه ارسال گردد

ماده هفتم - حدود و اختیارات کمیسیونهای مزبور را وزیر مالیه تعیین خواهد نمود

ماده هشتم - وزیر مالیه مأمور اجرای مواد فوق است لایحه قانونی فوق برای تصویب بمجلس مقدس شورای ملی تقدیم می شود (مصوب السلطنت)

رئیس - نسبت بطوریت این لایحه مغالطی نیست ؟

سردار معظم - آیامیکن است پس از گذشتن از کمیسیون در باب فوریتش رای داده شود یعنی بدو یا کمیسیون فرستاده شده بمجلس می آید رای داده شود ؟

رئیس - می شود

سردار معظم - اگر اینطور بشود بهتر است چون فرقی نمی کند اگر مجلس فوریتش رای داد یا نه و اگر رای ندهد دوشور در آن می شود و البته بهتر خواهد بود که کمیسیون میرود چون کمیسیون هم این مسئله را در نظر گرفته زودتر راپورت خواهد داد

رئیس - ولی ماده ۷۶ نظامنامه یکصدری این

مسئله را تردید نمیکند ماده ۷۶ قرائت میشود ولاحظه میفرمائید

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت کردند)

ماده ۷۶ - اگر مجلس فوریت آن مطلب را تصدیق نماید مطلب مزبور را یا بشیبات یا یکی از کمیسیونهای مربوط بآن که سابق تشکیل شده رجوع می نماید و نیز مجلس می تواند خود فوراً بآن لایحه یا طرح قانونی رسیدگی کند و این در صورتی است که مخصوصاً در این باب رای داده شود

رئیس - از این ماده چنین استفاده میشود قبل از اینکه برود بکمیسیون باید در فوریت لایحه رای گرفته شود

رئیس - مستشار السلطنت آقای وزیر مالیه خودشان هم موافقت تا اینکه پیشنهاد برود به کمیسیون مالیه

رئیس - بلی می دانم موافقت چه موافقت باشند چه نباشند باید بکمیسیون برود ولی حرف در فوریت لایحه است

فتح الدوله - در صورتی که هنوز نسبت بیک عیبت دولتی رای اعتماد داده نشده بطور میتوان اورا قبول کرد

رئیس - همان وقت که رای دادیم داخل در مواد پروگرام ششم رای اعتماد داده ایم نسبت بطوریت این لایحه مغالطی نیست (اظهاری نشد) - رای بکمیسیون آقایانیکه فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد لایحه دوم قرائت میشود

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده واحد - وزارت مالیه کلیه لوایح قانونی که باید بمجلس پیشنهاد نماید بطور نظامنامه تا یکصدری که مجلس برای تجربه و آزمایش آنها لازم است در ادارات جدید التاسیس خود برپایان انداخته و بعد از تجدیدنظر آنها را بصورت لوایح قانونی بمجلس شورای ملی تقدیم نمایند

ماده واحد برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میشود (مصوب السلطنت)

حاج شیخ اسدالله - بکمرته دیگر لایحه را بخوانید

(بعداً قرائت شد)

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه نطق)

محمد هاشم میرزا - من ملتفت نشدم مقصود از نظامنامه چه چیز است قانون هائی است که برای امور مالیه لازم است و بطور نظامنامه میخواهند اجراء کنند یا چیز دیگری است ؟ توضیح بدهند تا بنده ملتفت شوم

رئیس - راجع به فوریت می خواهم رای بگیرم

محمد هاشم میرزا - رای فوریت موکول بدم

سردار معظم - بنده با فوریت این لایحه مخالفم زیرا این لایحه مطالبی دارد که باید وقت تلف شود و این مطلب تازه وارد مجلس شده است و نمیتواند کان هنوز وقت و مطالعه نگردد ما باید در این باب درست وقت کنیم و پس از وقت و مطالعه رای بدهیم - بهتر

این است که بطریق هادی برود بکمیسیون قوانین مالیه چون این ماده گفت و محتاج بدقت است مجلس شورای ملی نمیتواند در اینطور موارد بدون مطالعه اطراف بکراتی بدهد و ممکن است روح پاک اختلافی حاصل شود یعنی مجلس شورای ملی فوریت مطلبی را بدهد و بعد کمیسیون قوانین مالیه اصل مطلب را در کند بنا بر این مطلب محتاج بفکر و وقت است خوب است ارجاع شود بکمیسیون بدون اینکه رای فوریت آن داده شود و پس از اینکه از کمیسیون بمجلس آمد اگر لازم شد راجع به فوریتش رای داده شود

فهمیم المالك - چون این ماده قدری مبهم و گنگ است گمان میکنم اگر بکمیسیون مالیه هم برود از آن چیزی نمیدانند و مگر اینکه بکمیسیون واضح تر یعنی طوریکه مقصود را بفهماند پیشنهاد میکنند آنوقت کمیسیون برود

وزیر مالیه - بنده هم موافقم که ابتداء به کمیسیون ارجاع شود بعد رای بطوریت آن گرفته شود

رئیس - پس میانند برای جلسه آتی - آقای نصرت الدوله - سؤالی از آقای وزیر معارف دارند آیا قبلاً ایشانرا مستحضر کرده اند

نصرت الدوله - بلی مخیر از آقای وزیر معارف میخواهم سؤالی کنم که نسبت بشکایت یکمده از مدارس ملی که مدت است بمجلس داده از ادارات دولتی متشکی هستند چه اقدامی فرموده اند چون ما در طهران چند مدرسه داریم که دولت بآنها کمک نمیکند در صورتی که چندی قبل بواسطه تمهیه کردن بعضی عایدات و تحصیل کردن صدیک از حقوق مستخدمین ادارات یکمده از این مدارس را دولت تکفل کرد و در همان موقع هم گمان میکنم دولت وعده داده که بقیه مدارس را هم تکفل کند و حالا مدتی از آن وعده میگذرد و این باگراتی حاضر در قنوت آنرا ندارند که بتوانند حقوق معلمین را داده و مدارس را اداره کنند باین جهت تصمیم گرفته اند که عن قریب تعطیل کنند و تمام آنها نسبت باین مسئله متحده شده اند و گمان میکنم باید بآنها حق داد برای اینکه آنها برای تربیت کردن اطفال ما زحمت میکنند و باید از دارائی خود که ندارند خرج اینکار بکنند و بودجه مدارس را تمویل نمایند - حالا باید دید که آیا دولت تصدیق میکند که این مدارس تعطیل کنند و تصمیمی را که اتخاذ کرده اند اجراء نمایند در این صورت یک قسمت از شاگردان و اطفال که بآن مدارس میرفتند امروزی مدرسه و معلم خواهند ماند و اگر دولت وجود آنها را لازم میدانند چه نظریه اتخاذ کرده و به چه ترتیب میخواهند رفع شکایت آنها را بکنند

وزیر معارف - معلمین مدارس ملی چند روز قبل نزد بنده آمدند و از تنگدستی و اینکه نمیتوانند کار خود را ادامه دهند اظهاراتی کردند بنده هم از طرف دولت به آنها وعده کردم که چند روزی صبر کنند وزارت معارف در این باب غور کند بآنها کمک میکند یا شاگردان مدارس آنها را تمویل میکند البته دولت را ضعی نخواهد شد این مدارس بسته شود و

اینکه فرمودید يك مالیات و يك وزارت معارف است که دولت از آن عواید چندین مدرسه را تکفل میکنند همان مدارس هم حالاً دچار يك عبرت خیلی زیادی شده اند البته وظیفه دولت است که هم حقوق متبافانده معلمین مدارس دولتی را برساند و هم بآنها کمک بنماید که مدارس آنها بسته نشود و اینطور عتقرب این آرزوی بنده حاصل شود یعنی بآنها کمک بکنیم یا شاگردان آنها را تمویل می گیریم چون بنده خودم معلم هستم از تنگدستی آنها مسبوقم و میدانم معلمین که به آنها پول نمیدهند اصلاً نمیتوانند درس بگویند معلولهای دماغ آنها خسته میشود و حاضر بدین دایر نیستند بنده خودم شخصاً حس میکنم و این مطالب را هم به آنها گفته ام و امیدوارم بزودی این مطلب خاتمه پیدا کند و آنها راحت شده و قنوت و وقت و اقلی معلمین دانسته شود

نصرت الدوله - بنده را این جواب آقای وزیر معارف چون مضمون تمهیه صریحی بوده از طرف دولت قانع گرد ولی امیدوارم يك اقدام خیلی سریعی بشانند چون گذشتن وقت برای آنها خیلی مشکل تر است تا برای اشخاصی که نخواهند برای آنها فکر کنند

وزیر معارف - در باب معلمین خیلی خوشوقتیم که دولت عموماً و آقای وزیر مالیه خصوصاً نهایت همراهی را دارند لهذا اولین پولیکه بوزارت معارف برسد اول بمدراسی که دولت متکفل شده نادیه و بعد آنها را مراعات خواهد نمود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب از آقای وزیر است سؤال دارند آیا قبلاً سید یعقوبشان کرده اند ؟

آقا سید یعقوب - حالا معبوقشان میکنم مدتی است که افکار اهالی طهران عموماً راجع به بستخانه متوجه اعضاء آن اداره گشته در این موضوع منتشر کرده اند و از قرائتیکه شنیده میشود کثرات (ترتیب) تمام شده است و از نقطه نظر سابقه خدمت هم گمان میکنم مطابق آن کتابچه هائی که خوانده ایم قابل هم نباشد که کثرات تجدید شود امیدام آقای وزیر است بایشان اخطار کرده اند که کثرات ایشان تمام شده است یا خیر

وزیر است و تلگراف - معبوقیکه آقا اظهار داشته کثرات مسبو نوبتور امروز که هیچدم اکثر است منقضی میشود ولی از طرف دولت بخوا اخطار شده است که موقتاً مشغول کار خود باشد تا وقتی که کثرات او پیشنهاد بمجلس شود و اما اینکه می فرمائید کتابچه چاپ شده است البته باین کتابچه ها دقتی باینکه این نوبتور و اجزاء است بیما شده و طرفیت باینکه این نوبتور و اجزاء است بیما شده و امیبتی نباید داد و البته جزئیاتش را بکمیسیون است و تلگراف عرض خواهم کرد و کمیسیون بمجلس تقدیم خواهد نمود آنوقت بسته بنظر مجلس است هر طور که مجلس تصویب کرد همان قسم رفتار خواهد شد

آقا سید یعقوب - البته کتابچه معبوق است که فرمودند ولی ما از اهل ایران هستیم و در ایران تحصیل کرده ایم بیست و پنج سال قبل که بنده از شیراز

آمدم قبل از دخول اروپائیها در دست آنها را مرتب دیدم بعد از آنهم در ایران خیلی مسافرت کرده ام و اگر سابقه بعلوم اروپائی نداشته باشم لیکن با مدرکات و محسوسات خودم و چشم دارم می بینم و دو گوش دارم می شنوم خراسان مشرف شده ام گیسلان سازندران همه جا را سیر کرده ام لغا مناسبت ندادرد عملیات یولتر

رئیس - آقا از حدود سؤال خارج شدند اگر میخواهید استیضاح نمایند امری است باید بعد والا از موضوع سؤال خارج است

آقا سید یعقوب - غیر استیضاح ندارم

رئیس - اشخاصی که برای عضویت کمیسیون قوانین مالیه تعیین شده اند

آقای طباطبائی - آقای فهمیم المالك - آقای معتمد الدوله - آقای عبدالسلطنت طباطبائی - آقای اقبال السلطان - آقای سلطان العلماء - آقای میرزا ابراهیم خان - آقای شیخ محمد مجاهد - آقای پرواز معظم خراسانی - آقای بیان الدوله - آقای عبدالملك - یکنفر دیگر هم که اکثریت پیدا نکرده باید تعیین شود

وزیر معارف - بنده تقاضا میکنم دستور فرمائید جلسه آتی کمیسیون معارف و صعبه انتخاب شود

رئیس - جزء دستور گذاشته ایم هیئت رئیسه راجع برائی که درباره مرخصی آقای رفعت الدوله داده است تشکیک که بنده تشکیکی نکردم چون اکثریت هیئت رئیسه شک کرده اند که راپورت را چه طور رای داده یعنی قضایا اشتباه رای داده اند باین جهت موافق نظامنامه با ورقه رای می گیریم مفاد راپورت کمیسیون این بود که اجازه نمیدهند رفتن آقای رفعت الدوله آقایانیکه رای میدهند بایستی در زمینه راپورت رای بدهند یعنی آنها بیکه مواد راپورت کمیسیون را تصویب میکنند و بر مرخصی آقای رفعت الدوله رای نمیدهند ورقه سفید آقایانسی که مفاد راپورت را تصویب نمیکند یعنی اجازه مرخصی میدهند ورقه کبود خواهند داد

پس از اخذ آراء آقای سهام السلطان استیضاح نمود (بترتیب ذیل تهیه حاصل شد)

عده حضار ۶۸ ورقه سفید علامت موافقت با راپورت کمیسیون ۱۷ ورقه آبی علامت رد

رئیس - نه رفته نه قبول دستور جلسه آتی به روز پنجشنبه دو ساعت بطوریت اولاً بقیه مذاکرات راجع به پروگرام هیئت معتمد دولت ثانیاً شور در قانون تشکیلات کمیسیونهای نظارت جعب و خرج - ثالثاً انتخاب کمیسیون معارف هشت نفر کمیسیون نظارت مخارج شش نفر کمیسیون نظام بخش نفر آقایان موافق هستند ؟ (مغالطی نشد)

مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۴۴

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه بیست و هفتم میزان ۱۳۰۵ مطابق هجدهم صفر ۱۳۴۴

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست

آقای مؤنن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس سه شنبه بیست و نهم میزان را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد سامانی اعضاء کمیسیون هدایه از قرائی است که عرض میشود

آقایان : مشیر الدوله - رکن الملك - آقا میرزا ابراهیم قمی - مدرس - نصرت الدوله - حاج شیخ اسدالله - محمد هاشم میرزا - عداد السلطنت خراسانی چون کمیسیون قوانین مالیه هنوز راجع به کمیسیون های نظارت که جزو دستور بود راپورت نداده است میماند برای جلسه یکشنبه دستور امروز شور دوباره مواد پروگرام هیئت معتمد دولت است مذاکرات در ماده چهارم ختم نشده آقای سلطان العلماء راجع به مطلب فرمایش دارند

سلطان العلماء - راجع بداده چهارم

رئیس - در این ماده دیگران قبلاً اجازه خواسته اند (آقای آقا سید فاضل اجازه)

آقا سید فاضل - چون در مذاکره بنده در جلسه گذشته از قرائی که بعد فهمیدم سوء تفاهمی شده بود خواستم توضیح دهم که رفع سوء تفاهم بشود چنین فهمیدم که آقای مدرس فرایض بنده را که راجع به تشکیک عایدات بوده درست ملتفت نشدند بنده مرض کردم با مالیات املاک جدید التاسیس کمال موافقت را دارم ولی با تعدیل مالیات جدید عموماً بواسطه فقر و فاقه ملت خصوصاً در این سنوات اخیر قبل از تعدیل بودجه و کسر مخارج لاطائل موافق نیستیم معلوم است که هیئت معتمد دولت نیز قبل از حذف مخارج و سایر جهاتی که موجب تعدیل بود چه خواهد شد یا تعدیل مالیات جدید بر رها یا موافقت نخواهند داشت

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه نطق)

نصرت الدوله - بنده در این ماده چهارم نظر داشتم فرایض بکنم زیرا از طرف آقایان و اشخاصی که معلومات آنها کاملاً واضح است اظهارات خیلی مفید شده بود بطوریکه در جلسه پیرروز تصور میکردم مذاکره در این مسئله بکلی خاتمه خواهد یافت و اگر بنده اجازه خواستم از این نقطه نظر بود که در در آخر جلسه يك اختلاف نظری بین آقایان - دار معظم خراسانی و شاهزاده وزیر است و تلگراف در يك مسئله که اصولی تر از خود ماده بود تولید شد و این مطلب محتاج بیک توضیحی بود و گمان میکنم که اگر این مسئله را قبول بفرمایند اختلاف نظری رفع خواهد شد و دیگر در اصول مسائل پیشنهاد شده از طرف دولت دیگر اختلاف نظری نخواهد بود و تذکرات هم خیلی معدود شده و خاتمه خواهد یافت آقای وزیر است و تلگراف اظهار فرمودند که دفاع دولت در موقعی است که يك مغالطه یا اختلاف نظر هائی از طرف نمایندگان اظهار شود و چون در باب پروگرام اظهار فرمودند که وقتی دولت پروگرام خود را به مجلس پیشنهاد میکنند در جزئیات نباید داخل بحث شد